

کتابخانه ملی ایران
شماره ۳۴

کارگران جهان متحد شوید!

صفحه ۳۴

سنگار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰ ریال



خجسته باد اول

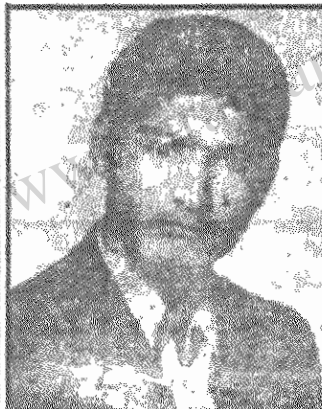
ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران!

مبارزات زندانیان انقلابی، زندانیهای جمهوری اسلامی را بلرزه در آورده است! کارگران، زحمتکشان، هم سپتان مبارزا

مبارزان شرار فروردان
کمیونسوا غلامی شما، که تنها
"حرم"تان سارره سرای رهائی
رحمتگنان و ملاس اخلاسی در راه
آگاه کردن بوده های ستمکن می -
باید در شهرهای مختلف و در میدان
- های جمهوری اسلامی در سرتوبین
خواست بر سر سر آمد. آنچه ای اعتبار
به تکلیف و آرزو شما انسان مرتجع
وی شهرها را کوچکترین امکانات
اولیه بهداشتی، عدالتی و... با
اعضا - عدا و... سماره علیه
رسم جمهوری اسلامی اندامه
میداند. در سرد و گوارش از رندان
- های شرار و سدر عمارت که
حکایت از شرایط طاقت فرمای
رندان و سیر مبارزات انقلابیون
در سندان رندان می آوریم:
شماره در صفحه ۷

اعتصاب ده هزار نظری کارگران ایران ناسیونال جلوه های از قدرت طبقه کارگر! صفحه ۳



گرامی باد یاد کمونیست
بیکارگر شهید رفیق
غلامرضا صداقت پناه
صفحه ۳۱

"ملی کردن" تجارت خارجی و هیاهوی رویزیونیستها صفحه ۱۱

اسلام

از سال "امنیت" تا سال "صلح" و عطوفت

۱۲ فروردین، در سوس سال
فروردین و کدانی جمهوری اسلامی،
سرای "ناسیونیسم" کردن حکومت
انقلابی خود، توسط رژیم "حسن"
گرفته اند. چندی که در واقع رهنمون
با یکی کناسی بود که ما متوقف
کردن حرکت انقلابی بوده ها در
منطق پیام، نظام انحصاری -
اجتماعی ملط را از گرد بیسر
نوده ها در امان دانستند و خاکست
جدیدی را مستقر نمودند که سنسار
جود ما مع اعلی در برابر
انقلاب تبدیل گشته بود. اساس
چنین، به حش نوده ها، بلکه حش
سورزوازی حاکم بود، بر ستمی
سودر سابلان و سوهما ت نوده های
سخت ستمی که ما دست خویش، و ما
سروی نوهم خویش، رژیم جمهوری
اسلامی را سرگرمی قدرت سنا شده
سودند.
شماره در صفحه ۲

چرخش ضد انقلابی جدید رویزیونیست های خائن حزب توده صفحه ۲۲

- ### در صفحات دیگر این شماره:
- اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران! صفحه ۱۵
 - مبارزات پروتاریا و خلقهای جهان اوج می گیرد! صفحه ۲۱
 - یک نکته پند آموز! صفحه ۲۶
 - هدف بورژوازی از "بحث آزاد" صفحه ۲۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نقشه از صفحه ۱ سر مقاله...

رژیم جمهوری اسلامی، با تکیه بر سروری عظیم توهم، در ۱۲ فروردین ۵۸، بنده ها را محاربا خواندند تا مهرتای شید بر سینه انداختند و ما بارت خویش بگذارند، سندی که تنها بنده های متوهم، بلکه سوژو - دیکراتهای سایبرسیه های امضای آن رفتند و با مشروعیت بخشیدن به رژیم حاکم، سلطه آنها را بر قدرت سیاسی و بر مفدرات بنده ها، رسمیت شناختند.

رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی این چنین را سرگرازی نمی داند که سیاسی ارموا عبدو غول و قرارهای او در پیش بنده های مردم و در حیرت آن تجربه خود آنها و نیز در پرتو کار آگاهان گوناگون گمونیستها و نیروهای انقلابی، افشا و رسوا گشته است. حرکت دوساله رژیم، سیاسی ارتوده ها را به سمت این درک گداس رژیم میخواند، و سخن های گمتری را بنا به سلیقه ای رژیم نمیتواند به خواسته های اساسی آنها پاسخ دهد، سوئی داده است. این بحث از بنده ها، درک فوق را بنده های ملاکت و تیره ریزی بیشتر وضعیت زندگی خویش سرکوب مبارزات سرخشان توسط رژیم، گشتار و دستگیری و شکنجه فرزندان دلاور مبارزان و رنج و ستم طبقاتی سیشمار در همه عرصه های زندگی خود بدست آورده اند.

رژیم، جشن سالروزها کمیت خویش را در حالی سرگرا می کند که تجربه یکسال بحران و نلایطم بیشتر را در پشت سر گذاشته است. سال گذشته سالی بود که بحران اقتصادی - اجتماعی حاصه عمق و گسترش بیشتری یافت و ورشکستگی اقتصادی رژیم عیان تر گردید. سال گذشته سالی بود که بحران سیاسی هم در پایش هم در سال توسعه و عمق پیدا نمود، مبارزه طبقاتی بر سر سر بحران اقتصادی، تگامل پیدا کرد و بنده های بیشتری به عرصه مبارزه گنجانده شدند. این سال، سال اروپا نی بیشتر توهم بنده ها نیست به جناح نرومند و مسلط هیئت حاکمه و ورشکستگی بیشتر حزب سوسیالیستی جمهوری اسلامی، سال ارتقا بیشتر آگاهی بنده ها و تقویت و نیرومندی هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و کمونیست بود. سال گذشته سالی بود که تضادهای درونی رژیم، به اوج خود رسید و به تضعیف بیشتر کل قدرت سیاسی منجر شد، تضادهای که تا آستانه یک انفجار سیاسی در درون حکومت به پیش رفت و در پایش سال با وساطت خمینی و با درک غریزی همه جناحها از خطرات این انفجار بحال کل حاکمیت سیاسی، بطور موقت کاهش یافت. سال گذشته سال سرکوب بیشتر مبارزه بنده ها از جانب رژیم سال گشتار و تیرباران، دستگیری و شکنجه کمونیستها و انقلابیون، سال اعمال فشار و خفقان بیشتر بر نیروهای سیاسی و انقلابی بود. آری رژیم با پشت سر گذاشتن چنین سالی، به استقبال روز ۱۲ فروردین شتافت.

بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی، در آغاز سال جدید و مقابله با بنده های سال گذشته به همین سیاست نحوی متواضع مضمون رویداد و ماجرا معر را در طول یکسال گذشته، نحوی ترسیم نموده، معانی بنده ها، سرورشی سرور و انعطاف و زبوسی رژیم و ورشکستگی آن را در همه عرصه ها نشان میدهد. بنده های سال گذشته، بنده های چهار رعب بود و بنده های سال این عیب نشینی و زبوسی، بنده های سال گذشته، بنده های سرکوب بود و بنده های سال این بنده ها، سرکوب و "عظوفت" و "سرادری" و هر دو ساختار طریقات حکومت از جنگل بحران دم - افرون حاصه و به عقب راندن جنبش انقلابی بنده ها.

سردمداران رژیم سال گذشته را مال "امنیت" و "نظم" اعلام کردند و در پایش بنده های خود، به توده ها جنگ و دستان نشان داده و سیاست جماعتی را در در دسور کار خود قرار دادند. بنی صدر در سال گذشته در چنین روزی، ضمن سخنرانی خود خطاب به سرپا زان حکومتی اعلام کرد که "از همین لحظه ارتش حق ندارد پوتین از پای در آورد مگر آنکه آن ظهرا (گردستان) از خود با بنده ها (حلقی کرد) بپاک کند". او فرمان داد که ارتش "عکس - العمل قاطع نشان دهد (یعنی قاربا ها، صدمان ها و... دهکده های ویران و قتل عام شده دیگری در گردستان بپا فریند) و آن مناطق را پاک کند!" (مطالب جدا خلی برانتزایماست). و به ثورهای مردمی حمله کرد و با اعلام "ثورای ثورا"، بنده های مردم را به مبارزه طلبید. خمینی نیز در پایش منوروزی گذشته خود، سرکوب مبارزه مردم را در همه عرصه ها در دستور حکومت گذاشت و سرپا زان را به فرمان سرپا زان ارسران مرتجع ارتش فراخواند، دهقانان مبارزه کننده زمینهای مالکان و زمینداران سرگرا هشدار داد، تصفیه و پاکسازی "دستگاه دولتی" را از کارمندان و کارکنان مبارز ناگهید نمسود، کارگران را در کارخانه به تولید بیشتر و در صورت "اخلال" به سرکوب تهدید کرد و... سال گذشته، رژیم رژیم سال استقرار "امنیت و نظم" بود، کشف معنای این کلمات برای بنده های کسی حداقل تجربه یکسال گذشته را از سر گذرانده اند چندان دشوار رسود. آنها در سرکوب کارگران در کارخانه، دهقانان در روستاها، خلق کردند در گردستان و نیروهای انقلابی و کمونیست در سرپا زان، معنای این "نظم و امنیت" را بروشی درک نمودند.

و اما در سال جدید، سردمداران رژیم، گوشیدند تا خود را با "نظم" و "امنیت"، "حکومت قانون"، "عظوفت" و "سرادری" طلوه دهند. بنی صدر اعلام کرد که امیدوار است "سال ۱۳۶۰ سال صلح باشد". (پام منوروزی سی صدر) رجا ش "سال صلح و سازندگی" را تویداد دو خمینی

گفت که "امید است امسال سال حکومت قانون باشد". و "چه نیگوست که این سال جدید را سال رحمت و عظوفت و برادری اعلام کنیم". (بیسام خمینی به مناسبت سال جدید).

عمر رژیم از سنده کلمات فوق، بنده های این بنده های عاجزانه، در واقع بنده های سرکوب و سرکوبی است که رژیم در سال پیش، سرراستی سیاست سرکوب و ترور در پایش گرفته بود.

رژیم می سنده که در پایش این بنده های سست بکماله، رسن سست تضاد فزایم می گرفتار آمده است. سیاست سرکوب عربان، در طلوه یکسال گذشته، بنده ها، "امنیت" را به جا معنای بنده ها، "نظم" مطلوب را مستفرنگردا بنده ها، بلکه سرسترا انقلابی حشش توده های و سستی بنده های توهمن بنده ها، رژیم سیاسی حاکم پیش از پیش در برپا سر "امنیت" و "سی نظم" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم، در طول یکسال گذشته "نظم و امنیت" را برای رژیم به ارمغان سپاورد، بلکه بنی شانی آن را فزونی بخشید و با بهای قدرت آن را از رزان ترا ساخت. تسلیخ "صلح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید، حکایت از این عروین سست دارد.

از جانب دیگر، بنده های "عظوفت" و "سرادری" و "وحدت رژیم در سال جدید، سرسترا و گیسری بحران سیاسی و تضادهای درونی حکومت در سال گذشته، قابل درک است. این بنده ها، در واقع بنده های کور و قیسان از نفس افتاده ای است که موجودیت خویش را به تمامی در خطمی سینه موجودیتی که فرا ترا زمانه این بنده های جناح از سوژو زای است، و درست در همین نقطه اساسی است که در وجود یکدیگر "وحدت" و "سرادری" احساس میکنند، وحدت در برپا سر انقلاب، توده ها و نیروهای انقلابی، بنده های وحدت و برادری رژیم، بنده های حازه جناحها ش است که درگیری میان خود را بستری برای او گیری جنبش توده های با فتنه اند و چنین است که یکدیگر را به "عظوفت" فرا میخوانند.

ساری رژیم حاکم، سال جدید را با یک عقب نشینی آغاز کرده است. این عقب نشینی را باید به ذخیره ای برای تکامل و تداوم انقلاب، ارتقا مبارزه بنده ها و افزایش آگاهی طبقاتی طبقه کارگر تبدیل نمود. مسجور شدن در برپا سر بنده های عقب نشینی و گامهای محدود و موقت لیبرالی، تسلیم شدن در برپا سر فتنه انقلاب و پادان به رژیم برای یک خیزش و تهاجم مجدداست. با بنده های نکته ساسی را ساختار داشت که این بنده ها سر بنده های یک توهم سده لویحا بنده استوار است. به رشد عینی جنبش و نه زبوسی های عینی تضادهای درونی حکومت و رویدادهای این تضادها، در نتیجه ای از "صلح" و "سرادری"، "حکومت قانون"، بنده در صفحه ۲۵

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جنبش کارگری



مبارزه در کارخانه داروپخش

سعدا زرکوسی و اخراج سبت از ۱۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه داروپخش که در جریان مبارزاتشان برای سود ویژه در سال گذشته فعالیت داشتند، حواختناقی در کارخانه کم گردیده بود و رژیم در روزهای آخر سال ۵۹ بموان حس حتام اعمال مذاکره و رگرش قانون ۴۸ ساعت کار در هفته را در کارخانه داروپخش اعلام کرد و روز ۲۳/۱۲/۵۹ اطلاعیه ای از طرف وزارت کار مبنی بر افزایش ۲۵ دقیقه ساعات کار روزانه حواخته شد. کارگران که تمامی فشارهای وارده سرخوش را تحمل کرده بودند، دیگر حوا صبر رفتن زسرما را بین فشار رژیم نگردیده و دست به اعتراض زدند. آنها تصمیم گرفتند که طبق ساعت قبلی کار خود را استیصال کنند. اعلامیه مسمیه نشریه "سک داروسا" که مردای آن روز در این رابطه سخن شده بودند تا تیرسزانی در روحیه و اراده کارگران داشت. کارگران علیرغم تزلزل سرخی از حشها، طبق ساعت قبلی دست اراک زدند. در این میان تلاشهای مردوران احمن اسلامی و خا شنن روسیوسست برای وادار کردن کارگران به سمعت روزارت کار، محاشی نرسید اما روز بعد سلطت صف آگاهی و نخره مبارزاتی اغلب کارگران و سپیده های مردوران رژیم مسمی بر اخراج و سکار شدن آنها، حرکت انقلابی کارگران ادا به نام است.

اعتصاب ده هزار تفری کارگران ایران تاسیونال جلوه ای از قدرت طبقه کارگر

طبقه کارگران ایران علیه سرمایه داری و رژیم حافظ آن فشار رساند. رژیم حاکم مدسوحا نسه و اسود مسارده که مدافع "مصلحتان" است. اما کارگران مهربان ایران با اعتماسات دلبرانیه خود منت حکمی سده ها بر ارجح سکوسه. سار در اینجابه درج اعلامیه تشکلات نهران سازمان اقدام مکتم حده در صحنه ۱۰

از روز شنبه ۸ فروردین کارگران ایران - تا سیومال بمدت چند روز دست به اعتصاب زدند تا سود ویژه خود را بطور کامل دریافت نمایند. این اعتصاب بصورت یکبارچه در سراسر کارخانه صورت گرفت و کلیه کارگران و کارکنان کارخانه (نزدیک به ۱۰ هزار نفر) دست اراک زدند. این مبارزات جلوه ای از روند انقلابی حش

اجتماع کارکنان صنعت نفت در شیراز

رژیم ناه سرکاری حوا و فشاری سدا سسند. ضرورت راهبمش را طرح کرد. در اس هنگام جمعیت مسوده عده ای ارجعاسل و استبه رژیم گردیدند که بحرمان عکس سگردد. لذا آنها را اگر منده حوا سندا علت ابسکار خود را توضیح دهند. اما آنها که اغلب محصل و کمس سوسند، چیزی سدا سسند که سگوسدو کارسان نشبجه ای جز اعشای هر چند ستنور رژیم و همسگی ستنو کارگران سدا سست. کارگری اظهار سدا سست که "اسها روی سا واک را سسند کرده اسد حوصی سده ها را هم ساواکی و حابوس با رسا و رسد. "سنگوی سگمت: "جرا و سدا سندگان ما عکس سگردد. سا شدوا رسدکی ما عکس سگردد و ساران ارسا ساسان سده سده که سدرور ما آورده اند. "در اس هنگام مکی ار کارگران ارجعاسل را حوصی سسند و سگمت: "سکاران امروز که ما روز بروز سسکل سسر مسوس و نوری واقعی حود را سسنا ساسیم، رژیم و حش کرده، حوص سا سگرنشین و انقلابی - سرس طبقه حاصه سس روی سس اصل برای سسلائی کردن ما دست به اعمال حصا سسکاران سسند." این گمنه ها مورد سدا شد کارگران قرار گرفت. کارگران شمار "دروود سرکار رگر" را نگار کردند.

روزی ۲۱/۱۲/۵۹ مجمع عمومی کارکنان جنگ - زده صنعت نفت مستقر در شیراز در محل سا سگاه نفت، تشکیل شد. ابتدا ساسا سندگان حده شوروا که روز قبل در همین محل استخاب شده بودند، صحبت کردند. آنها ضرورت مبارزه سسگراسه برای رسدن به خواسته هایشان را طرح کرده و در رابطه با آزادی سسا سندگان رسدا نشان، یکسی از سسا سندگان شورا گفت: "از سسائی که ما مامی راهها را برای آزاد ساس حش سسا سندگان اسسر حود سسوده اسیم و نشبجه ای سدا سده، ضرورت انجام اقدامات فاطمیری مطرح سسند. لذا سسشهاد انجام یک راهبمشای اعتراضی نمود. اسس مسئله با اعتراض یکی اراک سسشسبای حاشن مواجه گردید. این سوکوسرما به سسا عنوان کردن براکنشگی کارگران و اینکه حواسنها ای سسا ساید صوصی سسا شد، سسی در حلو سسوری از ارتفاع مبارزات و حواسنها ای کارگران ساس اما سسا سسده مسزوره افشای سسرات وی بر داحه و مبارزات سسگراسه سسای کارگران صنعت نفت فعل ارسا را سسنوان سسونه ذکر کرد که چگونه علیرغم اینکه رژیم ناه حاص سدا سده سس امتیا صصعی و افصا دی سسود، کارگران بر سسار نرفته و سسا رزه خود ادا سدا سده. حصان اسس سسا سسده با تا سسید کارگران مواجه گردید و آنها سسا ر شمار "نما سسنده زندانی صنعت نفت آزاد ساید گردید." اراک تکرار کرده و فوصی سا سسگاه راه سله زده آوردند!

نما سسنده دیگری سسزدر حصان حود مسم افشای ما هبت سسکارگری حاکمسن فعلی که در زمان

توطئه اخراج کارکنان شرکت حفاری مسجد سلیمان بداست مزدوران رژیم سابق

در پی سیاست ضد کارگری رژیم مسمی بر اخراج کارکنان که خصوص سدا رنگ ارتجائی کمونی، کسرس با سدا سست، توطئه حده سدی در شرکت ملی حفاری ساسده سسلسمان سسکل سسگردد. سسین - سرتسب که روز ۱۲/۱۲/هشتمی برای تقسیم کارکنان شرکت از اواز سه سسده سسلسمان سسباند هدف این هسبت در طا هراس اسب که کارگران ما زاده سس احتیاج شرکت حفاری را به شرکت نفت سسقل نما سسند. اما سسا سسگمنه حود مسسولسسی هسبت حدا کسره ۲۳۰۰ نفر از کل ۴۶۰۰ نفر کارکنان شرکت، به شرکت نفت منتقل حوا هسند (در جای دیگر اسب تعداد را ۳۴۰ نفر می حواسند) هسبست مسور در حوا کارگران که در مورد سسرنوشست سسبیه سوال سسگرددند، اعتراض سسکنند که تعدادی را سسشسته شده و حود ۱۳۰۰ نفر بلا تکلیف سسباند! سسین سسبیب توطئه کسشیف رژیم مسمی سسرا هم پاشسدن کارگران حفاری و سسپ سسکار کردن سخن سسزگی از آنان سسکل سسگبیره. نکته جالسب

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



اجتماع کارگران صنعت نفت در ماهشهر نشان داد که:

حنای روزبونیست‌ها دیگر رنگی ندارند!

خائس با ادعای پدیده‌گر رژیم جمهوری اسلامی برای ما چه کرده است؟ علاوه بر ما مگوشند جنگ است و شما بدمملک را خلوغ کردو ما هم حواسته‌ها سمان را سحوا هم ما مملکت ما مطلق خلوغ نمود پس چرا حاشی وشی صدر، حرسها و لسرالها در این موقع بددعوا سمان ادا سس مدهند و خلوغ کرده اند؟! پس معلوم مینود که سگ سها سهای است برای سرکوب کارگران و سادان حشنان!

سراسر مام سدا را فشا گریهای سسا در در ا سده با مسائل سیاسی، کارگران روز ۱۲/۲۷ را برای اجتماع بعد نشان تعیین مسکند، اما سکی از خائسین سوده‌ای اعتراف کرده و سحا سدی - گوید "سما همه ما آمریکا همدا سده اید!" آری روبرونیست‌های کشف که برای سربس کارگران خود را مداخل مداخل آسها فلما د مسکند، زمایی که سحسین در ما سده و عا حرم مینود، ظاهر ساری را عرا موزن کرده و سسرا ما س کارگران سسار و زحمتکن سسگرده را "همدا با آمریکا" سحوا سند آسها اراس ما را ح مینود که چرا آکا هی طفا س کارگران رسد مسکند و سها نشان سست س روزیم سراما سداران فرور سربس، آری آسها ارا سسکه در خدمتگاری برای سراما سداران ما سوسن سوده اند سسای سسند و ال سسکه ما بد عسما سسها و "ناکامی‌های" سزرگنتر اراس را سحره سسند!

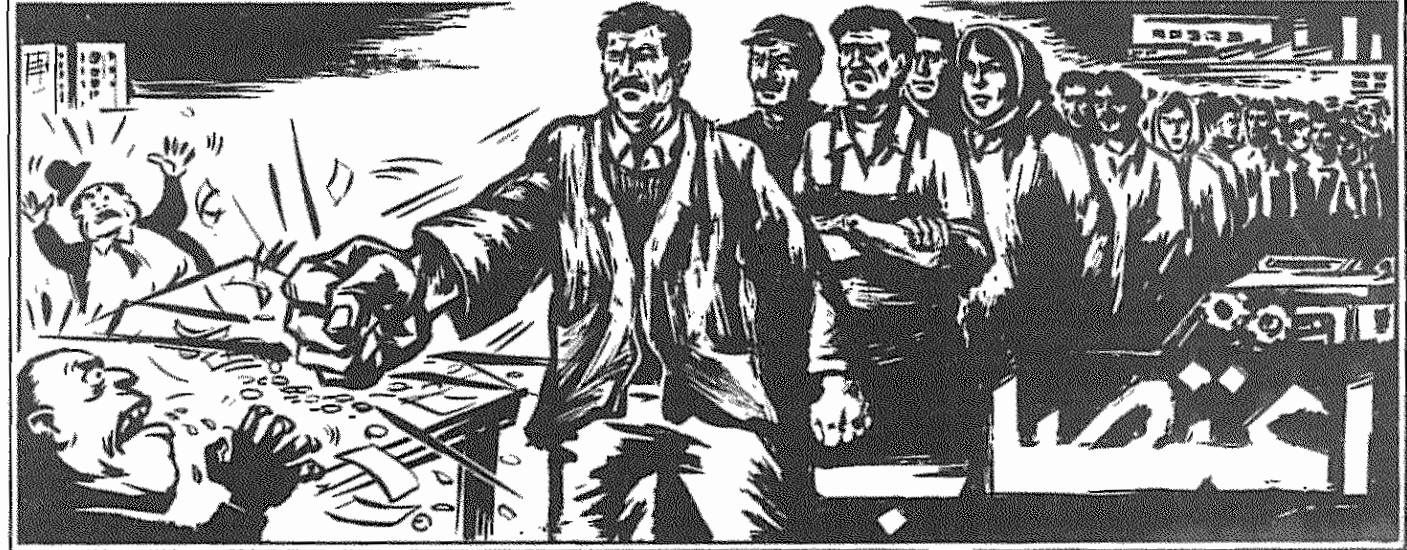
در حال در آن سلسه، کارگران سسدری از ارا حف سوده‌ای مرد و سحسکس کرده سده سده که سسخوا سسندا ورا سسک سسسد، کارگر سساری گفت: "ا س سما سوده سسکه ما س ۳۲ س کارگران حسانت کرده سسرا با سبتان هم روسی اس ما سزه سسمن آمریکا سسها را سسکما سس حسانت کرده سسند؟ سسگر سسما سسود سسکه ما سزگا سسها، سسزیه ها و سسدی‌ها را مورد حسانت فرار داد سسند؟ ما سسکول سسبه سسرب در دما را دوا سسکند و نه لسسرا لنها، سسوه م سسکسر اسسگر سسها سسدا سس سسود!" سسس سسرت سسدا سسح کارگران در سسراطی سسما س سسود سسکه هم سس ما سسند کارگری رژیم جمهوری اسلامی سسسسر سس سسده سسوه م سسچره کشف روبرو سسسها را سسسرنا سسند.

روز ۵۹/۱۲/۱۸ کارگران صنعت نفت ما سسهر برای در با سس حقوی خوش سس "سنا د کارگران سسکزه" مراه سسکند ما ما اطلاعاتی که سسر ارا عدم بر داحت حقوی سسها سس سسودن پول در اسن روز سسدا د، موا حه مینود، سسما سسرا سسسن کارگران سسوان اعتراف در مخطه سسین سسدا د اسحما ع کرده و سسما سسده کارکنان زیربوشنی و سسس دیگرا رکارگران سس سسصنها ای اسشا گرانه سسبردار سسند. اما آنچه که در اسن سمان قابل سسوه سسود، سسعال سسند سسوه سسرو سسوسسنها ای حاشن اکثر سسوی سسوده‌ای سسود که ما سسده سسبه سسلاش برای سسرفه اسسکی سسمان کارگران و دفاع از رژیم سسشعول سسودند، کارگر سساری سساع سسای "سنا سسر سسنگلاب کارگران" (که روبرو سسوسس - ها سسبر در آن سسشعول سسوکری برای سسراما سسداران سسما سسند)، سسردا سسوه د آسرا که سسجا د سسرفه و بر ا سسکسکی در مخطوف کارگران است، سسرملا سساحت. اسن سسسل اسسما گریها که موحا سسالا ر سسسین آکا هم، کارگران سسند، سسصوا سسب ما عس حسبم روبرو سسسها سسگرده، آسها سسکار سس طرح اسسکه "سقط کارگران سسسم ما سسهر سسوا سس سسجسب سسکند!" "ما سسکریا مظلوم سساشنی و سسوسق کارگران سس طرح حوا سسها سسسان ارا طریق سسا سسوی (۱) و علم سسکردن سسسله سسک سسسی کرده سسده سس کارگران را سسسحر سسار سسند، اما سسها رکارگران سسسار ر ما حوا ب سسندان سسکی اسن سسوکرا سسراما سس را سسک روی سسح کرده سسند، سسلا سسکی ارا کارگران سسصن محاط فرار دادن سسکی ارا روبرو سسوسسها ای اکثر سسگفت: "ما که برای حوا سسها سسمان سسده سال اسس ما سساره کرده و حوا هم سسکردولی سسما

اینجا است که یکی از اعضای هیئت مزیسور، مردوری سسنا حه سسده برای کارگران سسرتک است، اسن سسمرکه از حیره خواران رژیم سسنا سسود، سسسی مدت ۲ ماه هم سسوسله "دا دگا ها سسقلاب" سسسکسر سسده سسود، اما سسسها ما سسند سساری ارا و اکسها و حنا سسکاران رژیم سسما سسق سسوسط رژیم سسجمهوری اسلامی آرا دگر سسید، سسکه مدها ما سسمان سسست سسیلی اسسنا و در خدمت رژیم سسکوسی سسکارگر سسده سسند، اسن سسسله که موحب سسشع و سسخت م کارگران سسحاری کرده سسند، سسبش از سسبش ما سسست سسدر سسسی رژیم را سسرایشان اسسنا سساحت، کارگران سسرتک سسحاری سسسد سسلبمان سسها در سسروا سسنا د، سسسکل و سسار زات خود سسها سسده و اسس سسواس سسواس سسواس و سسواسه‌های سسدی رژیم سسراما سسداران را سسخشکی کرده و ارا حقوی حوشی دفاع سسما سسند.

اخراج کارگران بخاطر اعتصاب

در پی اعتصاب کارگران "سرتک سسنا سسسی آبادان سساره ۱۲۶" که در سسنا سس ۵۹/۱۲/۹ سساطر گری سسحقوی عسفا سسنا د سسها سس صورت گری سسده سسود که سسسره عسب سسیمی کار فرما و سسسروری کارگران مینود، در روز ۵۹/۱۲/۱۱ کار فرمای سسرتسح سسها سسنا سسما کار فرما سسها سساج سسده سسعی کارگران مینکند و در سسمان حال کارگران سسیدی را سسکار سسبکماره، اسن تا سسکسک قدیمی کار فرما سسمان را لوسعت اسسده که در مفا سسله ما سسار را تا کارگران سسکار سسبکسیر و مدها سسها سسدیگرا ر و اسساده و سسکاران سسار سسند، اما سسیری سسخوا سسدها سسکه کارگر سسرا سس و زحمتکنان با آکا هی طفا سس سساط سسکومت سسراما سسداران را در هم سسبجیده و سسرو سسها ای آس حکومت حاسی سسافع کارگران و زحمتکنان را سسببدار سسند.





میان خود عرق کرده بودند مسرمان فل آخربین خانه های روستا را طی میکردند. چنان همه پر آشکنر شد و بیون رنان زحمتکش بلندتر. حسی مردمانی شدت گرفته میکردند. جدا نفاقی افتاده بود؟ یا عزیزان نشان مرده بود؟ خسر آنها تنها مدافعان خود را از دست میدادند. بعد از آنسین پوورش مزدوران سرمایه داران را چگونه میتوان

بیمه از صفحه پاسداران...

اعدا می بنویسند انداختند و همراهِ آنها تعدادی پاسدار را سروروی بونده بجای رفادار مسبدان تیر فراری گرفتند و بعد از اعدا مرفقای ما، پاسداران در فلان مرفقای ما اظهار بیخیا می کردند تا از این طریق روحیه مقاومت حویانه ما را نیز شکستند. اما ما از بیخیا های پاسداران جلاد حیل های آنها را فهمیدیم. در حرمان ایسی نمائبات ما بکندا سرود می خواندیم. روحیه رفقا عالی بود. بعد ما را با دگان سرگردان و سزوروی موزا شیک حیس و سر دنا بندند و خود روی میله های لید دادند. با زحوش شروع شد و پاسداران به پناه معاینه نمودند و زدا شنیده که با مقاومت شدید ما روبرو شدند. اما قبل از اعدا مرفقی از رفقا به آنها نجا و زگرید. یکی از حاشای معروف سندج به اسم حاج محمود... غمیان مسئول شکوه روحی و یک پاسدارانهایی مسئول شکنجه بدنی انقلابیون بود. ما را در زندان شهر باسی مستقل کردند و در اولین شاقا متمان در آنجا رفیق شهید "نهیس ناوا" را اعدام کردند. پاسداران جلاد قبل از اعدا مرفیق مست کرده و تریاک کشیده و سپس از تجاوز و زحمتنا به رفیق نهیس ناوا، در حیس راه رفتن او را به گلوله می بندند و رفیق با درد و زحمت او ان شهادت میرسد.

رفیق نهیس از رفقای بود که در جریان جنگ، همانا از خمیها را مدا می نمود و رژیم ظالمانه نشان او در جهت کمک به زحمتکشان کردستان او را اعدام کرد. هنگام تحویل اجساد رفیق نهیس و رفیقی بنا م روی آثار سوختن نقاطی با آتش سیگار در بدن نشان هویدا شود. (مدت سه ماه نگذاشتند استحا می کنیم) بعد از ۴ ماه ما را از زندان اوین سرد. مدت ۶ ماه اسارت در اوین هوا خوری ندا شیم و در اکثر رطوبت یکی از رفقا هم اکنون در حال فلج شدن است. بعلمت بلاتکلیفی شروع به اعتراض کردیم اما پاسداران وحشیانه اعتراض ما را با بیخ دادند. در مرحله وحشیانه آنها پای یکی از رفقا شکست و جلو چشم ساری از رفقا در اثر مشت و لگد گود شده بود. پاسداران موی سر مرا با وحشیگری هر چه تمام میکنند. ما اعتصاب غذا کردیم بعد از سه روز اعتصاب غذا رئیس زندان

با اسلحه با سج داد؟ آنها فکر میکردند که دیگر پیشمرگان سراغمان نخواهد آمد. پیشمرگان در مستقی البتادی آماده حرکت بودند. سعی شواستند حرکت کنند. گوشه نشانی در گهای بدستان در گهای بدن اها لسی آبیادی وصل شده بود. صحت و سارا ن سوسه ها. "سورودا حتما نام سوسه ما با شیم بینان" "دو راه حما سبایدوری بزنده آه سوخت شما را فراموش می کنیم". اسان فکر میکردند که دنیا همین یک نگه زمین آبیادی است و حرمان ساریج در آن بیری مستود و سارو طیفانی می بکشد. دستها بالا رفت و تکان خورد و آخربین

بیشتر ما مدورا ز کترین کلیمان به ما توهنی نمود. بعد از رفتن او ما سرود خواندن را آغاز کردیم. روز سه روز و ما نشان سپهر منسند. پاسداران دور ما را حمله کردند که در اثر آن یکی از رفقای دختر دچار حوضری زنا نشد و رژیم محور را زد کردن او کردند. در همین حین دختران هوا دار ما حسی اعتصاب غذا را شروع

در اعتراض به بستن چشمها مراهب اتاقی انداختند پاسداری که بوی گند الکل دهانش منام را می آرز و چشماتش مثل دو کاسه خون بود بطرفم حمله کرد. اما در اثر مقاومت سرسختانه من کاری از پیش نبرد.

کردند و ما سر در آن حرکت با آنها همرا شدیم. در مقابل شهید باب رئیس زندان ما سه مقاومت اسفلاسی حواها ما دادیم که در آن ما را به زندان قصر مسئول کردند. اما ما در زندان قصر سه مدت ۸ روزه اعتصاب غذا داشتیم. در جریان این اعتصاب به رفقای ریحون و ضعیف سر و مل کردند اما رفقا ما رو حه ای سی نظیر سر و مل قطع کرده و تریخ میدادند که در حرمان ما روزه تغذایی خود شهادت میرسد. بعد از ۲ روزه زندان شهر باسی سندج مستقل شدیم هنگام اسفلاسی شکسته روحی توسط پاسداران ادا شد. در سندج بعد از از رفقا از جمله مرا سدا زنگنه های فراوان بی نتیجه از آن گذرد. و عقیدت کون در این ساینه در من وقتی که پرونده و سفر ارفقای شهید

نگاهها برای وداع برهم دوخته شد. سوسون پیشمرگان به آرامی شروع به حرکت کرد. اها لسی آبیادی ساکت بودند. دستها و چنان آشکاران پیشمرگان را در قه میگردد. روی سینه ای بلند عده ای از زنده های روسا با سینه های چوبی در دست ناگهان فریاد بر آوردند "بزی هی بوری کریکار، بزی هری پیشمرگه" (زنده ما دسبوری کارگر، زنده ما دسبوری پیشمرگه) و به صورت سوسی سروروی شمه شبه طرف آبیادی حرکت کردند. پیشمرگان در حوا ب سرود می خواندند و عدا سنان در نما مگوها و حنگها و دره ها معکس می شود و گوشه می بسجید.

روند معلوم کردید که این رفقا هر کدا مبه ۶ ماه محکوم شده بودند اما آنها را قبل از انا ممدت محکومیت اعدا م کرده بودند. آنک در حتمهای رن جوان، اس سل سوز نیرا نبیا حما سه ها و مقا و متها حلقه زده بود. مغرب در چشمهای تک یک پیشمرگان و زحمتکنان آبیادی می حوشید. رن جوان ار مسازات رفقای

زندانی ارتکجه ها، اردردها، از مقا و متهای حما سه آفرین رفقای اسرخی میگفت و بافتای حساند رژیم پاسداران و حاشای جلادین، بیسان پیشمرگان ساومان را با خلقی سمدنه کرده محکوم بنمود. زن جوان از سبیا هجالی های رژیم جمهوری اسلاسی، از حنا با و قسا و نهایی پاسداران، از بنا و ماسفلاسیون و از ندا و م انقلاب سخن می گفت و از طرف رفقای زندانی سعادتی دستکش برای پیشمرگان تهیه کرده بود اما بعلمت معانعت پاسداران آنها تک حقت دستکنان او را در خارج کرده بود. او در حال نگاه تک شوق، انگ شادی از ادا م ما زده در کنا ر پیشمرگان نهرمان چشماتش را گرفته بود، دستکش را دست یکی از پیشمرگان سازمان کرده بدین وسیله پیام نقیه در صفحه ۱۰



بیاری زندانیان سیاسی - انقلابی برخیزیم!

همشهریان مبارز!
عده‌ای از زندانیان سیاسی انقلابی شهرک شندوست به‌اعتصاب غذا و ملاقات زده‌اند.
تفتیه از این قرا را ست که روز چهارشنبه (۵۹/۱۲/۲۷) یکی از زندانیان هنگام ملاقاتش در پیدا مورد ضرب و شتم افسران زندان قسار می‌گیرد، سپس او را به مدت ۴۸ ساعت به زندان انفرادی می‌اندازند.
به همین خاطر برای اعتراض علیه فشاری که از طرف مسئولین نسبت به زندانیان سیاسی وارد می‌شود، آنها روز چهارشنبه دست به اعتصاب غذا و ملاقات زده‌اند. خواسته‌های زندانیان عبارتند از:
۱- مسئولین باید کتبا تضمین تامین جانی زندانیان را بدهند.
۲- رسیدگی فوری به واقعه روز چهارشنبه و محاکمه عادلانه آن.
همچنین آنها اعلام کرده‌اند که تا هنگام رسیدگی به خواسته‌هایشان به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد.

همشهریان مبارز!

هم‌اکنون در سراسر ایران، زندانیان سیاسی دژخیمان پهلوی، در زمان جمهوری اسلامی از زندانیان انقلابی پر شده‌اند. شکوه و عداوت کارهای روزمره رژیم در مورد زندانیان است. تاکنون چندین نفر انقلابی و کمونیست در همین بیدارگاه‌ها به جوخه عداوت سپرده شده‌اند. در همین بندر عباس تعداد بسیاری از زندانیان انقلابی که تنها جرمانه آگاهی دادن به مردم است در سیاهال بسر می‌برند، رژیم جمهوری اسلامی حتی همان قانون اساسی ارتجاعی خود را هم زیر پا گذاشته است، بیرونده زندانیان را بدون هیچ دلیلی عدتها در بایگانی نگه می‌دارد، زندانیان از لحاظ بهداشت و غذا در موقعیت بدی بسر می‌برند، اجازت ملاقات حضوری به زندانیان نمی‌دهند و ...

رژیم در حالی دست به چنین کاری می‌زند که جاسوسان آمریکا و انگلیسی را با آنها بیست احترام معازم کشورها بشان می‌کند و همین کشور - های امپریالیستی اسلحه و مهمات مدرن برای سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران می‌خرد. از دوران حاکمیت این رژیم نیز شکنجه‌گران، باواکیها و جلادهان آزادانه می‌گردند، در عسوف زندانیان انقلابی این بهترین فرزندان، خلق در زیر شکنجه و توهین بسر می‌برند. بعنوان نمونه جریان شهادت مجاهد منقریثی برای همه مردم بندر عباس و زحمتکشانی که آنرا چشم‌خسود دیدند مثل روز روشن است. بهمان ترتیب باوه - های انواری اما جمعه بندر عباس که باسن کار را به نیروهای انقلابی نسبت می‌دهند و درخواست استانداری از خانواده شهید که خواسته بودند از مجاهد بودن فرزندان صرف نظر کنند و

همچنین خردا دیوشلو سربون را که به این مجاهد تهمت قاچاقی مواد مخدر زده است، رسواشی خودشان را بیشتر می‌کند.

با افشای حقایق رژیم در سراسر ایران از زندانیان سیاسی انقلابی قاطعانه پشتیبانی کنیم!
زندانی سیاسی انقلابی به همت نوده‌ها آزاد ما بیدگرد!

هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
بندر عباس - ۱۳۶۰/۱۲/۲۷

بیام زندانیان سیاسی انقلابی اعتصابی بندر عباس به خانواده‌هایشان

عزیزان، بیام شما را در یافت کردیم. آرزو ما که ما هیچ‌گونه ناملین جانی نداریم و خارج شدن از بند ممکن است عواقب ناگواری را ما نماند گذشته‌ها را آورد. لذا افسردن شما بیده خود به صورتان معذوریم و بدین وسیله علت اعتصاب غذا و ملاقات و گرفتن به هوا حوری را شرح می‌دهیم:
در تاریخ چهارشنبه ۵۹/۱۲/۲۷ هنگامی که یکی از زندانیان سیاسی در کابین نخلین سا خا سوادها ملاقات می‌کند، موقع خروج از کابین مورد ساریسی بدنی سوان را شدی قرار می‌گیرد پس از بازرسی یکی دیگر از افسران سام محمی به زندانی می‌زوروا هات می‌کند و چون با اعراض زندانی انقلابی روبرو می‌شود او را مژگور با ساقی جنده می‌زوروا بگرسوی دوستان سورش برده‌وی را بدین ترتیب ولگد می‌گیرند که به این هم‌ما عت کرده‌وی را با سبایا حانمان اداری که هیچ صدائی از آنجا بگوش برسد ندرده و در آنجا نیز به حد کشت، شکنجاری اش می‌کنند.

این اولین ساری نیست که ما زندانیان سیاسی مورد شکنج، فشاری و ضرب و شتم مسئولین زندان رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گیریم. بدیهی است که آخرین ساری نیز نخواهد بود و ما همچگونه ساس جانی بداند و خواهنا رجا زاب و محکوم کردن عاملین اس حادثه‌ها میم.
متذکر می‌شویم بعد از ضرب و شتم رسا سی ما را به سلول انفرادی منتقل می‌کنند که در اثر اعتراض تدبیرا، بعد از دوشیا نه‌رووا و راه بندر می‌گردانند.

با توجه به مطالب مندرجه فوق ما خواهنا سهای خود را در دو مورد:

- ۱- تضمین جانی کتبی در زندان
 - ۲- مجازات و محکوم کردن عاملین ضرب و شتم و فشاری
- اعلام داشته ایم و تا حصول نتیجه به اعتصاب غذا و ملاقات و گرفتن به هوا حوری ادا می‌دهیم
ما از این تاریخ ۵۹/۱۲/۲۷ در حال اعتصاب هستیم و اگر به خواسته‌های مندرج و قانونی ما رسیدگی شود دست به عکس العمل شدیدتری که همانا اعتصاب غذای جنگی باشد، می‌زنیم. بدیهی است که مسئولین عواقب ناشی از اعتصاب غذای خشک و ... متوجه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

با درود و احترام فراوان

زندانیان سیاسی اعتصابی - ۱۰/۱/۶۰ ساعت ۱۵/۱۰

صفحه ۲۸ - بحثی ...

موردتصحر قرار ندهیم، آنگاه روش است که ساسی زما سی که طبقات گوناگون وجود دارند، سسی - نوان را در "دمکراسی خالص" سخن به میان آورد. بلکه فقط میتوان از دمکراسی طبقاتی سخن گفت" (۵).

بدستگونی، سوری تاریخ و تحلیل علمی از جامعه می‌آورد که در سر خوردن مسئله (دمکراسی)، آغاز کردن از مساسات "اکثریت" با "اقلیت"، غلط و گمراه کننده است. در واقع آنچه که ما به ما حد قرار می‌دهیم و آنرا رگ کرده مساسات طبقات، مساسات استعمارکنندگان با استعمارشوندگان است.

نتیجه‌گیری کنیم:

- ۱- دمکراسی شکلی از دولت است.
- ۲- دمکراسی بعنوان (رونا) باز برنا (شیوه تولید) رابطه مستقیم دارد.
- ۳- دمکراسی خالص وجود ندارد دمکراسی طبقاتی است.

سراسر چین نتیجه‌گیری و تنها نتیجه - کبری صحیح و مارکسیستی از مسئله، این امر بر مفهوم می‌گذرد که "دمکراسی" یعنی (خواجی از حاکمیت مردم) نیز مفهومی کاملاً طبقاتی است. هر طبقه و فشری در جامعه، سراسر با سگاه افساد - اجناسی خود، هوا خواه آگوسه "دمکراسی" می‌باشد که در جها رجوب مساس طبقاتی اش می‌کنند و ساسان دیگر (حاکمیت مردم) را آگوسه می‌کنند که در طریقت و جها - جوده بدین طبقاتی اش جاری گردد.

برای بدین واقعت است که در جامعه - حرما به داری و استعماران، ما به د - دمکراسی (دمکراسی کاد) (که حامل آن سوزواری مساند)، (دمکراسی نام بگیر که حامل آن عمدتاً افشار خرد بورژوازی هستند و "دمکراسی بیگمیر" که متعلق به طبقه کارگر است، مواجه هستیم. ساختن اس - (دمکراسی)، چگونگی و دامنه آن، برای طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد. چرا که تنها ما به سافنی به جس شناختی است که طبقه کارگر کننده سخن به مازی شعارها، علامه‌ها و وعده و وعیدها، خلاص خواهد یافت. تنها در این صورت است که طبقه کارگر قادر خواهد شد تا دشمنان خود را شناهد و با روتن بیسی به آسان سر خوردن ما بید و رسا زده تا ریخ ما را خود ساری سرقاری "بیگمیر ترس دمکراسی" پیرو گردد.

(ادامه دارد)

- (۱) و (۲) - منشاء خانواده - مالکیت خصوصی و دولت - فردریک انگلس.
- (۳) و (۴) - دولت و انقلاب - لنین
- (۵) - انقلاب پرولتری و کاتولیکی مرتد - لنین



اخبار مبارزات توده‌ها



حملات گسترده رژیم به نیروهای انقلابی و شهادت آقا ن از مجاهدین

در روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ با سواران سرما به در شهر قزوین، سروهای انقلابی را مورد حمله قرار داده و حدود ۳۵ نفر را دستگیر می‌کند. سه هنگام استخفال رنداسان در روز پنجشنبه گسه محرمه مقاومت رنداسان و تبراندازی ارسوی با سواران می‌گردد، اصغر قدسی یکی از هواداران سازمان مجاهدین شدت رحمی و سپس به شهادت میرسد. مردم شهر قزوین که مار دیگرتا هدیکسی دیگر از حمایت با سواران سرما به سود در اعتراض به اس حسانت، در روز جمعه دست به راه - بسماشی رده و شمارهای منسی سر محکوم کردن اس حسانت دادند. سپاه با سواران قزوین طی اعلامیه‌ای کوشید شهادت اصغر قدسی را امری تعادنی طوبه داده و بگردن شخص ثالث سید اردو حنی اعلام کرد که گویا مار دستگیر شده است تا نا به بدبخته‌های حوسین خود را بهمان دارد. اما حسابات سرکوبگران رژیم در طی هفته اول فروردین ماه در شهرهای مختلف گوس رسوایی آنها را ستن اربیش صادر آورده است. مردوران حکومت تا یک محه ماری مصحک در شهر تحت برآر مسراسی و همچسن در یکی از روستاهای فاشم شهر، سروهای انقلابی را مورد سپاه حم فرار دادند که محرمه شهادت دوتسن از هواداران مجاهدین گردید.

رژیم مدخلفی جمهوری اسلامی و حشترده از فعالیت آگا هگرا با به سروهای انقلابی و کموسیب، حملات گسترده‌ای را توسط همگجان خود سازمان داده و در آغاز سال شوش هسای حوسین دهها تن از مرزبانان خلق را به حواوه - های آنان هدسه کرده است. اما مبارزه و مقاومت انقلابی و همگجان در سرنا سراسران با قوس مرگ رژیم جمهوری اسلامی را سمدار آورده است. با شکه قدرت بدست و همگجان است.

آگاهی توده‌ها نابودی ارتجاع

در تمامی حملات مردوران رژیم به سراط رهما، روسروسسهای عداشی (اکثر سمن) و نوده‌ای در کنار اس مردوران و در مقابل سسل سوده‌ها و سروهای انقلابی صورت داشتند و سار دیگر در بیورگی خود را در پیشگاه رژیم سرما به داران به اشانت رسانیدند.

در حاشیه نمایشگاه:

رژیم پیکار و مگر هر دسال که حاصل کلام چهارم دسسان است در تمامی روزهای سرگسراتری سمانگاه، به فروش ۱۳ آبان مشمول بود. در یکی از روزها سبکام ساجام سس و طبعه انقلابی یکی از مردوران رژیم با چوب بر سراسرین رهسب می‌گویند تا سادرمسن ساجاطرس کمی که در آردا ترسده و فروش را متوقف سارد. اما رهسب داسن آ موربا قاطمیت و شعا سمن ستن ارتحسد می‌گویند: "این منطق شمانت" و سپس بیکیرا سه ولسند ترا قسل فرما دوسمی آورد: ۱۳ آبان ارگان داسن آ موری سازمان دانشموبان و داسن آ موران بیکار.

مشهد: ۶۰/۱/۳ - در اس روز با سواران سرما به ساس نحصی سبمراه عده‌ای جماعدار به سمانبگاهی که ارسوی سازمان دانشموبان و داسن آ موران بیکار جهت اعناء سبساها و عملکردهسهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی ارسال ۵۹ السی ۶۰ سرگراتنده بود، حمله سوده و سبپاره کردن عکسهای سمانبگاه و اساجا در دو خورد و درگیری سمداد شند ساج فعالیت سروهای انقلابی کرده است. اما رهفای ما و توده‌های حاضر در اساجا سب هوشاری انقلابی این حرکت مردوران رژیم را حشی ما سجد سواد داسن شمارهای جون "اسس است آزادی ما، مردم مقاومت کنید"، "آگاهی سوده‌ها، نابودی ارتجاع" و... اسراجا خود را بسبب رژیم ستنان دادند که این حرکت به شکل های دیگری چون سحت و اشاکری ادامه یابست.

۶۰/۱/۴ - ارمسج رود مردوران رژیم محمل سمانبگاه رهفارا اشمال کرده ساسا بید در حرکت انقلابی رهفای خلقی وارد آورد. آبان ارتسب آسکه سمانا راهم رهفای محل سمانبگاه اعناء رژیم را سبپا دارند، ستر اسبدر چادری که در اساجا رده سوده، سبگدر اسند!

۶۰/۱/۵ - سار دیگر مردوران رژیم به سمانبگاه رهفای حمله می سرت. در اس در کسری کسب یکی از رهفای هواداری نکند، رهفای سبسا دار سرکوبن معدد سراط و سمانبگاه و حشنه‌های اشاکرانه، سبگیری خود را در راه‌های طفنه کارگرتسان میدهسد.

عمراس روز بیک سبایش حیا سانی سحت سوان هدیه رژیم جمهوری اسلامی به کارگران و همگجان (کلوله)، به سرما به داران و سنج سار آزادی اسشمار، توسط رهفای سبایش در حیا سسان داسنگاه اجرا مشود. این سبایش سبسا اسشمال مردم و سر و سگشت، بطوریکه حشمت سبب سراسر آخرین جمله سبایش که ارزمان بک کارگرتود - "این است آزادی ما، کلوله سرتیده ما"، علیه حزب جمهوری، علیه لسرالها، زنده ساد بیکار سوده‌ها - حمایت خود را از سروهای انقلابی سسان دادند.



زنده یاد پیکار توده‌ها

سبب ۲۲ صفحه جرحش...

صفنی روز بیوسبب های حاشن "حرب توده" را اعناء سبماید، سوادعا های بوح توده‌سهای حاشن منسی سرتما رزه "سالیبرالها حاط سطلان کشیده و سرتسکار سبهای آسان را در ایس مورد سرملا سبما زده.

آری! حرب توده‌خاشن خود را آماده "اسشمال" ارتسمرات اصمالی در قدرت سیاسی حاکم سراسران می سباید تا رهفای سوطنه علیه اسعلا ب و حسانت به طفنه کارگر، بیکیر ترا ستنان ادامه دهد.



به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بش تانیم



شبه از صفحه ۳ اعتصاب...

کارگران زحمتکشان مردم مبارز تهران!

دوروز از اعتصاب بیرون میرویم و ما روزه جویا به کارگران کارخانه ایران میسونال میگذرد. کارگران کارخانه ایران میسونال، سال نورا ما مبارزه متحدانه خود آغاز کرده و سال رشد و گسترش هرچه بیشتر مبارزات طبقه کارگران ایران بر علیه طبقه سرمایه داران و رژیم مای آنها خواهد بود. کارگران ایران میسونال با اعتصاب خود نشان دادند که پیروزی های نسبی دست پیدا کنند و رژیم جمهوری اسلامی و اداره عقب نشینی در مقابل مبارزه متحدانه کارگران شده است. حال نسیم حریان در این دوروز چگونه بوده است؟

روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۸ اعلامیه ای از طرف شورای فلابی به هیوار نصب کرده بود که نوشته بود: از شروع سال جدید یک ساعت به کار کارگران اضافه میشود. این عمل صدکارگری نورا که دنیا را اعمال گذشته و حوزة کوچکی از خدمات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به طبقه سرمایه دار است. کارگران را چشمگیری کرده و مدای اعتراض بر حق کارگران سوار ساری حیرتی بلند میشود. کارگران در آن روز خواستار و لسه مطرح کردند و بدینا آن سراسر اعتراض کارگران ساعت ۱۱ صبح کارخانه را تعطیل نمودند.

اما روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۷ کلیه کارگران در اولین روز بعد از تعطیلات عیدونی سرکار آمدند، با ساعات کار زیاد شده مواجه شدند. در این روز کارگران ما فکری و اطای رنگ و صدلی سازی و ریخته گری و نسبی از ما شن شاپ، به اتفاق تمام مالین ساری ساری جنوبی همگی بطور یکپارچه دست از کار کشیدند و خواسته های خود را به ترتیب زیر مطرح نمودند:

- ۱- تعطیلی پنجشنبه ها - دادن ماه رگرم و ما سه
- ۲- ۲۰ روز سود ویژه (بسیار از ۲ ماه سودی که خود رژیم بردا خنده بود) - ۴ - انحلال شورای فلابی و ایجاد شورای واقعی - ۵ - بازگشت کارگران مبارز احزابی سرکار خود.

شورای فلابی و صدکارگری این کارخانه، مدتهاست که بر علیه منافع کارگران و در خدمت مدیریت و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی سنگ تمام گذاشته است. کارگران این کارخانه بروشنی پی برده اند که این شورا، از منافع آنها دفاع نمیکنند. یکی از کارگران در میان کارگران اعتصابی فریاد زد: "ما یک شورای واقعی میخواهیم که از حق کارگران دفاع کند، نه اینکه سوکر سرمایه داران باشند." خواست بعدی

کارگران، بازگشتن کارگران اخراجی سرکار بود که بعلت دفاع از منافع کارگران و صدیست سرمایه داران خونخوار را سرکار خود اخراج شده اند. اما در روز اول اعتصاب، هنوز کارگران کارخانه ما لا کملا در حریان اعتصاب کارخانه حویبی قرار نداشتند و سرکار خود بودند.

عوامل صدکارگری و سرکار رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، از مدیریت گرفته تا نورا و احصی اسلامی و کمینه کارخانه بطرف و آن طرف می - دویدند و گوش میگردیدند که اعتصاب را بجا بمانند. اما بعد اعتصاب، عوامل رژیم را آن داشتند در ساعت ۲/۵ کارگران اعتصابی را در سالن ساری ساری حویبی، جمع کرده و برای آنها سحرانی کشید. هدف این عوامل صدکارگری حوا نآیندن اعتصاب و راه انداختن تولید بود. تا حیت رژیم سرمایه داری ایران هرچه بیشتر بر شود. اما این نوظنه نقش بر آب شد. در اینجا این کارگران بودند که با استیالات بی دربی خود و اعتنا گریبهای خود عوامل رژیم را محاکمه میکردند. کارگران در این روز جلسه را تبدیل به صحنه ای برای افشاگری و محاکمه عناصر ضدکارگری نمودند. یکی از اعضای نورا، شورا را رسوا کرده و گفت: "ما دو سال است سرمایه را شره ما لبه نام و این را من امروز اعتراف میکنم."

و افغاناس به ساسده نورا، ما نام اعمال صدکارگری خود، این یک حرف را بدرستی گفت. رژیم جمهوری اسلامی دو سال است که ما وعده و وعده، سرکوب و زندان و شکنجه بر سر ما گذاردند و نگه زده است و در این دوران، ما ما به قریب کارگران و سپهره گشتی از حاصل کار و زحمت آنها و غارت ثروت های طبیعی جامعه ما به نفع طبقه سرمایه دار رسیده است.

در همین حین، "شخ الاسلامی" که از طرف هیئت مدیره برای قریب کارگران آمده بود از نرس کارگران محصور به مرکز جلسه ندویکی از ریبوتی آسی های ضدکارگری که منخواست به نفع سرمایه داران و رژیم مای آنها صحبت کنند از طرف کارگران مورد هجوم فرا گرفته و محصور به قرار شد. بر اثر فشار و پیگیری منجمده کارگران، رژیم و اداره عقب نشینی شد و ساعات کار منتهی گذشته اعلام شد.

کارگران مبارز ایران میسونال!

سرای گرمین کلیه خواهدهای خود، ما بسنی ما روزه را متحد و یکجا رجا دادا مه داد. ای بسنی ما راه رسیدن به حقوق خفته شماست. برای اینکه بتوانیم متحد و یکجا، به مبارزه برای گرمین تمام خواهدهای خود را بدهید، ما بسنی عناصر ما زنکار و صدکارگر را در میان خود ما گرفته و سرورن کردیم. ما بسنی مدای حق طلبان و ما روزه جویا به خود را به گوش همه کارگران رسانید. در دهه

کارگران ایران یکی است. ما بدین تلاش کمینا هر چه زودتر کارگران اخراجی که به علت دفاع از حق کارگران اخراج شده اند سرکار خود را برگردانیم. الان زندانیهای رژیم، از کارگران سراسر روسفکاران افلابی برنده است. بروی بسنی که تعدادی کارگر ما روزه جویا به حرم آگاه کردند کارگران دیگر به زندان سینه دارند. ما بسنی به درود سوار همه کارخانه ها سوشنه بود که: "کارگران ریدای سی آ را بدیا بگردند." ما به همراه تمام سی رحمتکشان و مردم مبارز آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کلیه کارگران زندانی را خواه سار شویم. ما بسنی تلاش کمینا هر چه زودتر این شورای صدکارگری و انجمن اسلامی، این چشم و گوش حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی را مسلح کنیم. ما بسنی ما گذاشتن یک مجمع عمومی، از کلیه کارگران، به افشای هر چه بیشتر شورای ضد کارگری بردا خنده و ما بدگان واقعی خود را که از ما ریبوتی و آگاه هنری کارگران ما شدند انشعاب کنیم. فقط ما اینجا دهه کارگران است که مینوا بسن طبقه سرمایه دار رژیم سرمایه داری را ما بود کمین و سراسر جمهوری دمکراتیک خلق را احیا کنیم. در جمهوری دمکراتیک خلق، بسنی حکومت کارگران و مردم مبارز و رحمتکشان ما، ما تحت رهبری طبقه کارگر، دیگر از ظلم و سبزه - کشتی طبقه سرمایه دار را کم حیری بسن و حوضتی و زندگی بهتری برای کارگران و همه زحمتکشان ما به ما بدهید ما بد.

ما سودا و نوظنه های سرمایه داران و رژیم حامی آنها! زندانی سیاسی مبارز، کارگر مبارز، زندانی آزادی ما سگ گورده! گسترده ما با ما دو هم سنگی همه کارگران ایران!

سر قرا ما جمهوری دمکراتیک خلق! ما رمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکلات سپهران) ۱۳۶۰/۱/۱۰ الف - ش ۲۱

بند از صفحه ۱ پاسداران
افلابی ما مرفعی زندانی را به پیشمرگان اعلام نمود. او از بدت شوق نمی نواست سخن گوید. پیشمرگان من نجس منافع و ما افلابی نما مرفعی زندانی و زندانیان کمونیست سراسر ایران بسن ما بسند که ما آخرین فطره چون در راه آزادی کارگران و رحمتکشان و خلق - های ستم دیده سیکار نما بسند. آنگاه پیشمرگان فهیران و رحمتکشان ما سردر مفرود "هیری گل" را سردا شد. ما بسن دلاوران کردستان و زحمتکشان، بادی سکوت شب و آنکس و در کوچه ها و دنیها سنده بود.

فان، مسکن، آزادی

"ملی کردن تجارت خارجی" و هیاهوی رویزیونیستها

دست‌های نه‌ستار "تاج‌الحرای اصل ۴۴" در سون اساسی، تجارت خارجی را ملی کند. از سوز روسیونیست‌های کینه‌کار سونده‌ای واحرا سرراحت روسیونیست‌های حدیدالولاد، نه‌شیراگسرت، مطروح شده‌وسه‌سوان داروی سمره‌آمانی برای درمان تمام دردهای مزمانه - ناری واسه‌اسران - ارفقیل نه‌اصطلاح قطع واستحکمی نه‌اسرالیسم، کنترل نسورم گراسی با حکار، گام‌گذارن درجهت "راه‌شدن سوسرماسه‌داری" و... در سون و گراسا اسلام سوسود، روسوی دیگرو (روسیونیست‌های "سهه جهایی" راشواب "سوشی" که بیاده‌کردن ایس اصل وامول ماسدان مینواسد برای نحسار و سارارسان "ملی" موجود آورده‌لنگ بوده‌واسن خط را خط واسنگر نه‌اسرالیسم روس اعلام میندازند) اردو صاج حاکم، حزب جمهوری اسلامی وخصوص سگ گراسی‌نوی درون آن سوسود را طره‌ادار پروپاقرص "ملی کردن تجارت خارجی" و "کوتاه کردن دست واسطه‌ها و محسکری" نشان مینده‌ود حداقل در حرف برای احرای آن سسا صاج رفصت صاج و نشا سه‌سکند، صاج لبرالها سراسر گره خود را محال‌دایس اصل نشان سسی - مده، ولی حواسن آن است که مافلا ناپاکان جنگ را احرای آن صرف نظر شود و ساسکه "حرف برای آن ارسا سگام سگام" استغاده‌کرده، واسمیت آن است که ملی کردن محساروت خارجی "خود حلفه‌ای است ارسک زسوره‌افندامات مرسوط سبم‌کده اره‌گام مروی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی سه‌مروبه مرحله‌ا حواء درآینده و در مجموع سگ گراسی‌نوی سسنت دولتی سسردن سسرا ریش استنادار حاکم کل هیات حاکمه بطور عموصاج حزب جمهوری اسلامی آن بطور اخص را نشان مینده‌د، ارحمله سبتوان سسایس واسمیتات اشاره‌کرد:

۱- ملی کردن "ساک‌ها"
۲- ملی کردن "سرحی ارسا سب‌سورگ"
۳- احاد سب‌اگر نه‌سبه و سوسرخ کالای سه‌سلسور احرای "ملی کردن تجارت خارجی"
۴- ملی کردن "اموال خاندان سب‌سلسوی و سربا نه‌داران فراری واحاد "سب‌با سستمسفن" و احاد سب‌سکهای سسوانی سولیدی و حدماسی ارامراد سسکا سب‌اوام و سسکل دولتی
۵- "سب‌سرمین" واحاد سب‌سبان هابه‌دهنا نشان ارسطریق "هیات‌های هیبت سسری" سسورت سساع و سساکسیرل دولتی سسفوراحاد "سککه سولیسدی سساع"
۶- سسفراری "سب‌سیدی حوا سب‌اوام و سسکل صرف عمومی سس ارسشوع جنگ
الیه سسنام اس سسما هه‌ا حنی ارسطس
اسکه سساده‌سب مرحله عمل درآینده سس سسور - حوردا سب‌وما در شماری‌های گذشته "سب‌سار" سهه سرحی ارسا اشاره‌کرده‌اسم، ولی آسکه سسسه سسلسا سسایس موصوع مینا سسکه در سسبجه سسس مقدار عملکردها هم‌کنترل عمومی دولت سسطور سسوما لنگب دولتی سسطورا سس سسرا مورا سسنادی

رسیده‌است، در ساره‌این سسش، سساون سسوزوانی مجلس سسراگان سسکونه: "سسش سسواسی سسامل سسرتک‌ها و موسسات سسواسی سسولند و سسورسج اسب که در سسشور و سسواسط سسواسط اسلامی سسکل مینشود."
اس ارسطراط سسثوری، ولی آسکه که سسبه سسرا سسبک مرسوط مینشود: روسا سه "جمهوری اسلامی" سسوج ۶ دی ۵۹ در مقاله‌ای تحت سسوان "در حال حاصره‌سده ۷۰ تا ۸۰ در سسار واردا سس توسط دولت اسحام سسکسره" سسس ماصه‌ای راکه در سسس مورا سساون و رارت سسارگاسی اسحام

اردوره‌شاهه مرساب سسسورنده‌است، چنا سسجه سسطاس آمار، سسش دولتی در ممان شاه سسشار ۵۵٪ واحدهای تولیدی را در سسسکسرت، سسحال اسکه در رژیم سسلی ایس مقدار سسش ۷۰٪ در واحدهای سسولیدی سسمنی وکل امورا سسکی رسده و ارسطراط سسارگاسی خارجی هم‌سبم سسش خصوصی سسبا سه ۴۲٪ کل واردا سسرت، ایس سسوا سسبه ریشی نشان مینده‌سکه سسحرف سسظر از علل سسلسای آن - سسگ گراسی سسسرت سسبه سسکسرت سسکل سسش ارسسرا مورا سسنادی ارسوی رژیم جمهوری اسلامی مینده‌سشود.

● انگلیس در "نقد سسرتا سه ارفورت" اعلام کرده که حزب نه‌سواند با آنچه که "سوسالیسم دولتی" نامیده مینشود و نقطه اشتراکی داشته باشد که در آن دولت موصع کارفرمایان خصوصی را اشغال مینکند. و "سهایس طریق قدر با سسشرا اقتصاد و سستم سسناسی در سسگ دست سسرتکس مینشود."

داده، چاپ‌کرده است، سسراسا سس اس ماصه، معلوم مینشود که:
اولاً: سه "سرتکسبه و سسورسج کالای سسرای طرات، سسوجات و حورب و گاه سسوجود آسده و مرساکس سسگری سسرد در حال سساسی است.
ثانیاً: سسگاسی مرساکسبه سسرا سسبیل است:
۱- نه‌سبم و جمع آوری اطلاعات راجع به واردا سس، هادراس، واردا سسکسگان و ماسه‌سکسگان (سوسسج اسبکه ۴۴ هزار سسلم کالای واردا سسبه سسیران واردا مینشود.)

این که گراسی سس سسنت دولتی کردن اسناد ارسا سسکل هیبت، حاکمه سسطورا عموصاج حوسی آن سسطورا سسب سسکاسا ارسکدام علل سسلسای سس - سساری سس و گراسی‌های سسایس - اسسلسای سس سساشی مینشود، مطلب سسبی اسب که سساید سس آن بر داحت، ولی مافلا در اسسحافظه سه سسکاسا سسوسه‌ار آن سسسی اصل تجارت خارجی "سب‌داحه" و سسش سسسرحول سساله سسرماسه‌داری دولتی و سسنام آن در سسایس رژیم جمهوری اسلامی را سه‌اسده مرسکول مینساشم.

۲- سسکل احصا سس حرسده‌سده توسط سسش خصوصی و سساده‌کردن سساسب "ارشا‌دی" در مورا سسبها
۳- سسکل سسبب حرسده‌سش خصوصی.
ثالثاً: دولت خود را سه ۶۰ تا ۷۰ در سسده واردا سس سسش خصوصی را واردا سسکند.
رابعاً: سسش خصوصی سساید ۴۰٪ واردا سس خود را سسلسا سسرای سسورسج در احسار این مرساکس سسکدارد.
حامی: کالاهای راکه دولت واردا مینکند سسگرسش خصوصی احازه واردا کردن آسها را سسدارد السسواس سساله که خود ایس مرساکسبه سسورسج تا سه حد در سسس سطح هم‌سوان سسسه سسره سسب جناس واردا سسش خصوصی سسکل داشته میناشد، مطلقاً اسب که سسجان احتساج سه‌سسنت میندارد، و سسعلوم است دولت سسوزوانی که میندفع مینساع طسقه سسرا به‌دار مینساشد، طسما سسسواد ارسطریق سسشوه و سسوسه و ماسه‌سروشهای که سسار - سسرماسان سسبان و سسسه سسور و گراسی‌های دولتی را سسسرت، آلت سسسا اسسنا و سسحلف اسس طسسه سساشد.

ملی کردن تجارت خارجی در سسثوری و عمل در اصل ۴۴ قاسون اساسی دست بخت مجلس سسراگان، سه‌سوج ماسکبیت در اسسناد سسجمهوری اسلامی اسران سسش سسبی شده‌است: دولتی‌سسی، سسواسی و خصوصی در مورا سسش دولتی سسکسسه مینشود: "سش دولتی سسامل کلیده سسساع سسورگ، سسایس ماسه، سسارگاسی خارجی، ماسان سسورگ، سسبکداری، سسبسه، سسوامن سسرو، سسبدها و سسککه‌های سسورگ آسراسی، را دیو و سسولوسسوزون، سسبست و سسکسراف و سسلسی، هواسسما سسش، سسکشرا سسش، راه‌ورا آسس و ماسسدا سس هاسب که سسورت ماسکبیت عمومی و در احسار دولت است." اسسده در سسار سسش دولتی مینسار "سش سسواسی" سسریا سسکده که اگر چه ماسکبیت آن متعلق به دولت سسوزوانی سسبست ولی سه‌اشکال مینسلف سسش کنترل آن است - حوا هه‌ار آن سسوج که اسسراد در رژیم سسسدا سسبی سسده‌وسسال مینشود (ماسسش سسکهای سسواسی سسولیدی حدماسی) حوا هه‌ار آن سسوج که رژیم سسبده ماصه سسود (سسکهای سسبای سسرا سس، سسواسی سسولید، سسواسی سسحرف و...) و سه رژیم سسسدا سس

در ساله کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری
نکته مهم این است که چه طبقه‌ای کنترل میکند
و چه طبقه‌ای کنترل میشود

ارمان قرن نوزدهم، بورژوازیست‌ها و
رویزوسیست‌ها سعی میکردند تا اگر با سرمایه
داری رقابت آرا دهنده احصا رواج پیدا
دولتی چنین برداشت نخرید آ میز را آرا
دهد که گویا سوسال لیسیم سنوانا و طریق احصا
دولتی بورژوازی صورت مسالمت آمیز بود و
سازره طبقه‌ای "فرار بود" انگلس بدنبال
ابنکونه افکار روویروسوسیستی که در سوسیالیسم
سرمایه‌داری صورت حزب سوسال دمکرات آلمان
وارده شده بود مبارزه کرد و سرمایه "ارنا دمکراتی
اصمادی" و "مداخله دولتی در اقتصاد" را که از
سوی بیسارک در آلمان پیاده شده بودند
نخستین حاشیه‌ها سوسال لیسیم فرار گرفته بود،
نحت عنوان "سوسال لیسیم دولتی" گویند. انگلس
در نقد سرمایه‌داری صورت "اعلام کرد که حزب نمی
شود تا آ تا جبهه "سوسال لیسیم دولتی" نامه می
شود فقط اشراکی داشته باشد که در آن دولت،
موضع کارفرمایان خصوصی را اشغال میکند و
"به اس طریق قدرت اشرا را استثمار نماید و سیم
سوسیالیستیک دست منجر می شود". (نقد سرمایه
ارפורت) انگلس در همین رابطه در "آنتی سوسی
دموکراسی" میگوید: "دولت سوسیالیستی
که باشد، ما همه ما شش سرمایه‌داری دولتیست
سرمایه‌داران و مجتمع ایده آل سرمایه‌داران
را دارد. (اس دولت) هر چه نیروهای سوسیالیستی
سختی را در احصا میکند، تبدیل آن به مجمع
سرمایه‌داری کامل تر شده و تعداد بیشتری از
شهرودان را تحت اشتما رده‌ساز و در "کارگران
همان کارگران مزدور و بورژوازی را باقی خواهند
ماند. روابط سرمایه‌داری با پیدایشی شود بلکه
برعکس به آ فریب در حوضه اوج چویدنگا مل پیدا
میکند". (آنتی دورسنگ)

نظر را روشن کردن سوسال لیسیم از طریق احصا
دولت سرمایه‌داری "بدون مبارزه طبقه‌ای و
بدون انقلاب پرولتری، پس از مرگ انگلس توسط
رویزوسیست‌های خاش خون سر نشناختن و
کاوشنکی تکامل با سوسیالیسم تا گرد حلیف
انگلس محسورند که با آن ها مبارزه کرده و تشریح
روویروسوسیستی شان را افشا کند. لنین در همین
سالها نوشت: "مداولت نرس اشتماء، تسسز
بورژوا - رفرمینست‌هاست که مدعی اند به اصطلاح
سرمایه‌داری احصاری با سرمایه‌داری احصاری
دولتی دیگر سرمایه‌داری نیست و میتوان آنرا
"سوسال لیسیم دولتی" نامید. (به نقل از پیکار
شوربک - سیاسی شماره ۲ صفحه ۲۶۶)

نرها ی کاوشنکی و برشتاین بعدها
توسط روویروسوسیست‌های مدرن روسی شکا
بورژوا و امیربالیستی یافت و خود را در "راه
رشد غیر سرمایه‌داری" برای کشورهای تحت سلطه
و "زادنده" فرموله کرد. و اتفاقاً همین فرمول

است که امروزه روسی روویروسوسیست‌های فدائی
(اکتریت) و سوده‌ای مورد سلط و روح فرار
گرفته و بعنوان تنها راه سمت گیری سوسیالیسم
سوسال لیسیم تحت رهبری "جوده بورژوازی دمکرات
(آیت الله حبیبی) به خوردنگارگران، رخصکنان
و روشنگران داده شدند. سراسر اس این بورژیم
"جوده بورژوازی" حبیبی با بدستبرد احصا
را محدود به بخش دولتی و سوسیالیستی کرده و سوسال
اصفاده را روابط احصا دی، سیاسی، نظامی و
فرهنگی با سوسیالیسم و "سسیم حبیبی سوسال لیسیم"
(بدون اشنگا حبیبی به هژمونی پرولناریای
داخلی باشد) مرحله به مرحله را "استقلال سیاسی"
("اعتماد نهی") به "استقلال اقتصادی"
(پرونده‌ای که در آن فراردار سوسال و آرا استقلال
اصفادی به "احصان سوسال لیسیم" وارد نمود اما
سرای اشنگا به سحر "اصل روویروسوسیستی رجوع
کنیم، سحر بدلتی ای سراسی را کنار گذارده و
نقل قولی از شوربک روسی سوسال لیسیم روسی
آدریت را در همین باره می آوریم:

**برقراری کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری تنها با شیوه دمکراتیک - انقلابی و از طریق
ارگانهای توده ای بفتح انقلاب است نه با شیوه های ارتجاعی - بوروکراتیک .**

"در رشد سرمایه‌داری، بخش دولتی صد
سرمایه‌داری و نظامی ها را که به شیوه دمکراسی
اداره میشود میتوان سنوان تکلی سراسی
تکامل پذیردی و مجمع عسمرهای ساساسات
سوسال لیسیم تولید سلیم کرده دولت نهایی
سوسال لیسیم ار راه حبیبی بخش های دولتی می
شود که کمکیهای مؤثرتری به اشنگا دمکوره‌های
آرا دهنده سرمایه "کات" وارد شده است. (جوده
داری صفحه ۱۲۸)

دقیقا سراسر همین سراسر است که امروزه
روویروسوسیست‌های فدائی و توده‌ای و سوسال
اص ۲۲ فامون اساسی "دا و هو ارسا دا ندا حبه
و در واقع گوش میکند که اول پرولناریا،
رخصکنان، روشنگران، انقلابیون و طبقه‌های
ایران را به سراسر سوسال لیسیم حاکم کند و
شاسا راه سراسی جذب رژیم بورژوازی حاکم،
به سیم امیربالیستی سوسال امیربالیسم
روسه هموار نماید.

نکته مهمی که امروزه روویروسوسیست‌های
فدائی (اکتریت) توده‌ای و دمکرات‌ها شش سسه
ما رگسیم از روی آن میباید، دقتا همین
سوال است که تا در ساسات "دولتی کردن" رژیم
جمهوری اسلامی چه طبقه‌ای در چه طبقه‌ای کنترل
میکند؟ این همان مطلب حبیبی است که حزب
توده در زمان رژیم امیربالیستی آن کرده سراسی -
کشید و چنین نبود سسدا دنگا رطری رشد "حبیبی
دولتی" رژیم سوسال لیسیم سسوا ادا درون رژیم
شاه "فرار بود" او با همین توجه روویروسوسیستی،
آب نظیر سراسر "کک"های سوسیالیستی در رژیم احصا
دو آ می... صریحا
لینس خود در مقاله "خطر ملاکت و راه مبارزه
با آن" هشدار میدهد: "در حقیقت ساسال لیسیم

کنترل به اس موضوع منحصر نبود که کسی چه
کسی را کنترل میکند، یعنی چه طبقه‌ای کنترل
کند و چه طبقه‌ای کنترل شود. در روسیه
جمهوری ما در ساسال لیسیم سسوا ادا رگا سسای "ساسال -
الاحصا ر" به اصطلاح "دمکراسی انقلابی" ساسا
کمون ملاکت سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
ساسا حبه سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
سراسر سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
نند و سراسر سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
دا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
سیدون ساسا رگشت سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
با کهنه سیدون سراسر احصا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
به سراسر سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
ارطری سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
برداشت، واس همان است که اس اراها و منویک
- های ما آرا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
(مسحا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا)

اس نظور لیسیم در ما سسوا سراسر سسوا
صل ارا انقلاب اکثریتی سسوا سسوا سسوا

که همگاری اس اراها و منویک ها با دولتی
سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
کا ملا ارد سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
در حبه سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
حال از روویروسوسیست‌ها با بدیدرسند: شاسا
طری کنترل دولتی سوسال لیسیم و امیربالیستی
سراسر رگان و رخصکنان سراسر سسوا ادا رگا
به سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
به سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
داری منحرجا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
کموسیسیت و پرولناریا در ساسال لیسیم سسوا ادا رگا
مهم است یعنی اشنگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
طبقه‌ای پرولناریا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
حساب، روشنی‌های مولده صورت سسوا ادا رگا
سولند و احصا دولتی سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
حانه‌های دولتی سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا

برقراری کنترل دولتی سراسر احصا
سرمایه‌داری تنها با شیوه دمکراسی - انقلابی
و از طریق ارگانهای توده‌ای به فتح انقلاب
است به سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
اس که چه طبقه‌ای کنترل دولتی سسوا
سرمایه‌داری سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
دهنده اس موضوع اشنگا سسوا ادا رگا
کنترل راه چه سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
ارحاعی - سوسال لیسیم سسوا ادا رگا
سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
سوسال لیسیم سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
حساب و سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
راه بفتح سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا
ارطری سسوا ادا رگا سسوا ادا رگا

ادامه "لطف" امپریالیسم آمریکا

روز اول فروردین ۱۳۶۰ یک فرونده هواپیمای سوئینگ ۲۴۲ سروری هوایی ارتش جمهوری اسلامی (که آرم "هواپیمای ملی" را بر بدنه خود دارد) برای حمل مهمات جنگی از آمریکا به آبی کشور پرواز کرد.

همچنانکه ما سابقا گفته ایم، روابط رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم خون آشام آمریکا پس از آزادی موقتاً به گروگان نهایی جاسوسی وارد مرحله جدیدی گردیده است و از اولین منابع آن سطح روابط سیاسی و اقتصادی و... و ویژه آدامه فروش تجهیزات نظامی از طرف امپریالیستهای آمریکا است. رژیممی که چپ و راست، بدترتس نیست ها را به نیروهای کمونیست و انقلابی وارد آورده و مرورا به آنها را "آمریکایی" میخواند. آنچه آن مورد "لطفاً" امپریالیسم آمریکا واقع شده است که ارسال تجهیزات نظامی و مهمات از طرف امپریالیسم آمریکا رفته رفته شده است. وطنی است که ارسال لطیف و مهمات از طرف امپریالیستهای آمریکا است به ایران نشاندهنده علاقه امپریالیسم آمریکا به حفظ و گسترش روابط دوسانه با رژیم جمهوری اسلامی و کمک به تحکیم و گسترش سرمایه داری وابسته در ایران میباشد.

آدامه هرید سلحه آمریکا، علاوه بر اعطای ماهیت و سیاستهای حیاسنکارانه جمهوری اسلامی یکبار دیگر چهره آمریکا را نه رویرو نیست. های حاشی (ارتشدهای و "اکثریتی گرفته شده" ها) که شب و روز به محیرگوشی جمهوری اسلامی پرداخته و "آسرا" "قهرمان" "سارزه" "سد" امپریالیستی" قطعاً ذکر کرده و به روبرو سوار و سوارواری ایران عمل شده اند. براساس سراسر ملا می سازد.

آری! درست در روزهای که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، دوام سالگرد سحرآمیز اسلام جمهوری اسلامی را با بوق و کرنا " جشن گرفته و در ساراه "ساررات شمنع" "با امپریالیسم آمریکا به قلم فرمائی پرداخته و صخره خود را پایه میکشد، هواپیمای ارتش ارتجاعی برای حمل مهمات جنگی به آمریکا پرواز میکنند. واقعبیت ها چهره جاسوس و عوامفریبان مرتجع را میدرد و آنان را در پستگاه سوده ها افتا میکند.



اینکه دو جناح سرروژائی "حزب و" "لیبرالها" هر یک به دنبال کد امیک از ایس اشکال سرما به داری مسرود، و با بگا "عین دولتی" و سرما به داری دولتی در برتا معامدای آنها به چه شرنیبات است، موضوعی است که ما بعد در بر خورده مایست معادلهای حجاجهای حاکم نومصح داده شود.

(اکثریت) از طریق جهنگل سیمی معواهند سرما به دولتی شدن تجارت خارجی را بیساده کند: "با به آنها (عمده فروشان) را با مکا سیمی جاسوس گرد که سوا عمال اسخار سرما را ر کند و راه حاره آن اجادا سادسه های سماوسی است. اتحادیه شماری سرد-خروشان، اتحادیه سماوسی کارگاه های سیمی و صنایع کوچک در رنده های مختلف، اتحادیه شماری کنا ووران" رویروسسهای هدائی (اکثریت) طلست مالکت اسرما به سرگ شماری رعمده فروشان را به منظور شکوفا شی تولید کوک "معواهند. سهام موعطه گیری های آنها برای ایس اشکال تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کوچک که در اشبحران و جنگ روه "ورسکیگی میروند سا بکدیگر میخندند و با عیاب و مساعدت دولست اسرما عی سورژوائی اسرما به خود رفا سسل سرما به سرگ دفاع کنند! به عبارت دستگیر کشور پرا سیون" پسنسهای آنها، یک رده سیمی سماوسی های معمولی سرما به داری است که تحت سیاست آرشادی "دولت سورژوائی فسرار داشده و سورژواری کمک میکند که شمحران و تارماسی عمومی غلبه نماید. سیمی کبیسه های آرشحهای که در ورولسا لیسهای آلماسی و پرودوسیشهای تارماسی برای "حل" دردهای سرما به داری می بچند. سرور سما و رویرو - سبسها و آن ماهه میگردد. ایس اشکال نه های سرما به داری هم گونه اسرما طی سا ارگا نه های نودهای در موسسات نهاد که ما بدنه نسیم و دمکراتیک انقلابی، سر مرکز تولید و کنترل دولتی ساررت داشنه ما شد، سلکها ایس اشکال نه ها خود یک شکل از موسسات سورژواری منتهی در شکل کشور پرا سیون آن میباشد. السه خرابی هم از رویروسسشها اسنطار رسمی رود. هما بطور که هر دولتی کردی سیمی تواند معواون یک گام در جهت موسیالیسم تلفی کرده، هما بطور هم شکل کشور پرا سیون موسسات تولیدی و توزیعی سیمی - تواند در خدمت ایجاد پیش شرط های موسیالیسم تلفی کرده. زیرا شکل "سماوسی" فقط یک شکل از مالکیت است و میخنوی طبقاتی آن می تواند از یک طرف ما سد کشور استیوهای دهه های رمار لیس را ستالین و روسوی دیگر ما سد شرکتهای سماوسی زراعی "شاه" "سماوسی" های تولید رژیم جمهوری اسلامی باشد

خلاصه کنیم: اعزای طرح "دولتی کردن تجارت خارجی" و طرح هایی ما سدان که از سوی رژیم جمهوری اسلامی با مطرح شده و با در حال پیاده شدن است، فقط می تواند نشان دهنده راعطی باشد که سورژواری ایران برای عیاب به ایران اقتصادی - سیاسی و حشر... از ورشکستگی کامل خویش در پیش گرفته است. این طرح ها در سه تریس حالت خود سیمی توانسد چیری هراترا از اعصار تجارت خارجی "دور" این رها شاه و با سرما به داری دولتی در کشورها شی چون سوریه، الحرابر، مصر و لیبی باشد. البته

پیاده میکنند با از طریق دمکراتیک - انقلابی سیمی از طریق ارگانهای نودهای در موسسات تحت کنترل در آمده... ارگانهای که از مجتمع کارمندان جز، با تنگها، اتحادیه های کارگری اتحادیه های دهقانی... تشکیل شده است. لیبی خود در مقابل سیدای دو روش چنین میگردد: "تصادفاسی موجود در سیاست حکومت ما هما با در ایستگاه این حکومت - برای اینکه ما به اثر با سورژواری بهم محور دور نشد - "اشکال" ما آن نگلند - به عملی نمسودن کنترل ارتجاعی سوروکراتیک با چاراست و در عین حال به آن نام "انقلابی - دمکراتیک" مذهب و در هر قدم مردم را مفریبند و بدین طریق موجب اسرما روخنم سوده های میگردد که همسین حدی بیش تر اسرما را سرگون ما خنداند.

و حال آنکه سوبزه اعزای اقدامات انقلابی دمکراتیک که مخصوص طبقات شمنعش سیمی کارگران و دهقانان و مخصوص نودها را در اتحادیه ها نمسوزد - امکان سرفراری واقعی - تریس کنترل سرخواگران و موعوا به سترتس سارزه علیه سیمتی در آمده ها را هم ما آورد. (از "خطر فلاتک و راه سارزه" آن" صفحه ۵۰۱) و همسین طور در نومصح "دمکراسی انقلابی" سگوید:

"اگر اصطلاح "دمکراسی انقلابی" را سنا به یک جمله فالسی نظا هرا مبرویک معواون مشروط در - نظریه گریم و در معهوم آن سنا بدیشیم "آنگاه سیمسیم دمکرات سیمی کسیکه عملا منافسع اکثریت محروم را در نظر دارده مسامع اقلیت را و انقلابی سیمی کسیکه هر چیز با سبخش و سپری شدهای را به عظمی ترین وسی اما ن توزیعی شیوه ها در هم می شکند.

تا آنجا که سرما معلوم است به در آمریکا و به در آلمان به دولت و به طبقات ها که کوچکترین ادعائی برای عنوان "دمکراسی انقلابی" که اسراها و منشیوکیهای ما مدعی آنند (و آسرای - حیثیت میکند) سارند. (هما سنا صفحه ۴۹۲) ساسرایین، امر کنترل سرمایک ها و موسسات سیمی و تجاری و... باید توسط خود ارگان های انقلابی نودهای صورت گیرد که اینها خود سیمی - تواند جدا از رهبری شورا های کارگران، دهقانان و سایر برزحمتگان (بمنوان ارگانهای قدرت سیاسی) باشد، وگرنه شیوه های ارتجاعی - سوروکراتیک رژیم سورژوائی برای سرکسز تولید، فقط می تواند سنا رکا رگسبران و رحمتگان را تشدید نماید. در واقع در هر سوه همسین استگار نودهای و از طریق این شیوه های دمکراتیک - انقلابی است که قدرت و اسنماد واقعی طبقه کارگر و متحدین او شکند شده و پایه های قدرت سیاسی شان ریخته میگردد. و این همسان بگنه اصلی است که در سرما به کنترل دولتی سیرولسا ریا سیمت است و تا شیر مستقیم سر سارزه طبقاتی او علیه سورژواری میگردد. حال سیمسیم که رویرو سیمت های هدائی

آتش سوزی در کبیر آوارگان

در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۹ سراسر افتادن فانونی که سرسنگ کبیری آویزان بود، کبیرها نواده های جنگزده فلاحیه (شادگان) دچار حریق شده و همه همتی این آوارگان را که زندگی فلاکت آوری را در کبیر میگذرانند، به خاکستر تبدیل میکند. این اولین و آخرین ساری نیست که ما تا حد آتش سوزی در کبیرها ویا جا در آوارگان جنگ ارتجاعی کنونی می شویم. سبب آن آوارگی چگونه در اردوگاه بهبهان یک خانواده ۵ نفری کشته شدند ویا چندین تن در آغاخاری زیر آوارها جان سپردند ویا

و این در حالی است که سال انقلابی هتلا و دیگر ماکن سرما به داران توسط آوارگان رسدکش، از سوی سردمداران رژیم ضدحلیسی جمهوری اسلامی "حرام" شمرده میشود. و این در حالی است که رژیم پروروش فرا هم کردن مسکن و امکانات برای زندگی را برای آوارگان، در سوخت و کربانی تسلیم می خود میدهد. آری سپاه زحمتگنان هستند که همه همتی خود را در آتش جنگ ارتجاعی از دست میدهند.

اقدامات انقلابی از دیدگاه رجائی

به دنبال باز دیده های "شربعانی" سنی صدر از اردوگاه های آوارگان جنگ که در اثر سرخورد های عوامی به بیابان های، جنگ زدگان آوارگان آنها را باز دیده های "ناها ه" نامیده اند، رجائی سر توج برای اینکه از قریب عقب ستاند، در تلاش برای فریب آوارگان (که ما مبارزات دلاورانه خود، رژیم ارتجاعی را با مشکلات نهران زار و پرور باخته اند) در روزهای آغاز سال از چندین "اردوگاه" دیدن نمود. نخست وزیر "مکتبی" در یک مصاحبه تلویزیونی (۹ فروردین ۶۰) پس از اینکه علت تارها یعنی آوارگان و شرایط طاقت فرمای زندگی این زحمتگنان را به گردن "گروه ها" (مظهور نیروهای کمونیست و انقلابی است) انداخت، از کارهای انجام شده "برای آوارگان بمبوان" اقدامات انقلابی "جشمگیر" برادران "مکتبی" اش یاد کرد و آنها را کارهای سازنده نامید. شش ماهی سر توج بگونه کلیه مرتجعین تاریخ فراموش میکنند پس "اقدامات انقلابی" را به اطلاع زحمتگنان ما رساند. چرا که "اقدامات انقلابی" رژیم جمهوری اسلامی برای جنگزدگان و آوارگان جز آزار کردن آب به زیر آوارگان در شا هجوع شیراز، "مدانقلاب" و "عربان" و.... خواندن آنان توسط آیت الله های مرتجع، "فراری"، "تسو" و "تسزدل" و

احبار جنگ

"مربکا" شی و... تا میدان آمان توسط سپاه پاسداران سرما به، کتک خوردن زحمتگنان آوارها ز دست عوامل زمینداران بزرگ در حیرت نطع آب و برق و حیره غذایی و نفت آوارگان ملک شهرها صفهان، زندانی کردن نمایندگان کارکنان آوارها شرکت نفت، محکومیت حساسان سبب شده آوارگان ماهنرو... جزیه دیگری ست و از جمله این "اقدامات" با نده نیرساران رفیق شهیدمان محمود صدیقی که در کربلای رگانه گرانه در میان آوارگان اعدام شده اشاره کنیم. اما رجائی حاشن و همپالکی هایش چه کسای را سخا همدیگر سینه آه نهنها آوارگان زحمتگن بلکه کارگران و زحمتگنان ایران هر روز سش امروز قتل به ما هیت حیا نکتا را به رژیم جمهوری اسلامی پی برده ویا مبارزات گسترده و دلاورانه خود ساختی در حوضها بنها و خیانت های رژیم میدهند

تفرقه بینداز و حکومت کن

رژیم ضدحلیسی جمهوری اسلامی سبب تفرقه بینداز و حکومت کن را در میان آوارگان جنگ سرپیشه ما است. مثلا در اردوگاه دادنگاه صنعتی اصفهان، آوارگان انقلابی و آگاهان در سلوک ۴ و آوارگان نا آگاه و ما لایزال در سلوک ۵ اسکان داده است و میگوید مردم سلوک ۵ را بر علیه سلوک ۴ تحریک کرده و از طریق آنسان، سرکوب مبارزات آوارگان زحمتگنان را به پیش برد. رژیم برای جلب آوارگان سلوک ۵ سعی خود (اگر مسمور شود) حاسی را میان آوارگان تقسیم کند) ایندانه آبان میدهد و سبب که نوست به سلوک ۴ میرسد، سببانه های دروغی ما ستند "تمام شد" و... می آورد. اما مبارزه متحد و یکپارچه آوارگان زحمتگن، این سیاستهای ارتجاعی رژیم را نقش بر آب خواهد ساخت.

"بخشناه پر خیر و برکت"

احبار طی بخشنامه ای که از طرف وزارت نفت صادر شده است، کلیه کارمندان جنگزده که کمتر از ۱۰ سال سابقه خدمت داشته باشند، با طرح "سالی ۴ ماه" اجراج خواهند شد و مبلغ بیزاحتی سه آتان بیش از ۴ هزار تومان نخواهد بود. (با در نظر گرفتن حقوق اکثر کارگران و کارکنان زحمتگن میزان پرداختی نصف خواهد شد) بدین ترتیب رژیم یکبار دیگر "خیر" و "سرکات"

جنگ ارتجاعی سرخورد و میشود، اما مبارزات یکپارچه کارکنان جنگزده اجازه نخواهد داد که رژیم به تدریج خود همچنان ادا میدهد. ستل از بدای آوارها تدریجاً مبارزان جنگ را در راه آزادی طبقه کارگر - مشکلات امضا ن شماره (۹)

جنگ قدرت در کنار جنگ ارتجاعی

احبار گروه های گرمی (که خود را کاندیدهای مجلس کرده بودند) آغا جنگ گروه چریکی خود را سبب سبب سداران هوا دارش گسترش داده و ضروری هم در اوار برای خود گروهی دریا ست سداره در رئیس خودی که در میان عوامی سرسند، موفق میشود چندین قلمه طلحه کلانیکف بدست بیاورد. در این میان با سداران هوا دار حمران به تدریج سداران گرمی رفته و از آنها سخا همد که عسبت ها "زاده آنها تحویل میدهد. این امر اسناد به حدال لفظی و سپس به درگیری مسلحانه میان دو جناح ارمز دوران منجر میشود. بدین ترتیب می بینیم که جنگ قدرت میان جناح های حکومت، حتی به حینه های جنگ ارتجاعی هم کشیده شده است و هر یک متکثر شد با شت بیشتر در جنگ با خود، دست به عوامی در میان سوده ها رده و قدرت خود را تثبیت میکند.

فراریک فرمانده مزدور ارتش

در روزهای آخر سال ۵۹، یک سرهنگ طسان که بدست سپهی در نیروی هوایی ارتش جمهوری داشت به اتفاق خانواده اش با یک هواپیمای نظامی از ایران فرار کرده و به کشور ترکیه پناهنده شده است. رژیم جمهوری اسلامی که مدعی است سابقه چری را از زوده های مردم پنهان کرد، کلمه ای در این باره بیان نکرده است. رژیم که از اولین دنبال حاکمیت ارتجاعی اس به از ساری ارتش مزدور شاه خاش بردا خود فرما بدندان مزدوران را خطیر کرده و در اس" ارتش اسلامی" گذارده، نمیتواند هم این حقایق را بگوش مردم ما برساند. چرا که نمیتواند زحمتگنان ایران بگوید که از ارتش نا هتلا هی با فرماندهان مزدور و آمریکا اش تنها با نظر دنگری داشت. مگر فرماندهان همین ارتش بودند که سال گذشته فرمودند که "داشند؟ (و مدال سینه "توبه" کردند و مورد "عفو" قرار گرفتند!) مگر فرماندهان همین ارتش نبودند که همگی کوبترهای آمریکا اش را در طرس سماران کردند؟ مگر سبب در صفحه ۲۵

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

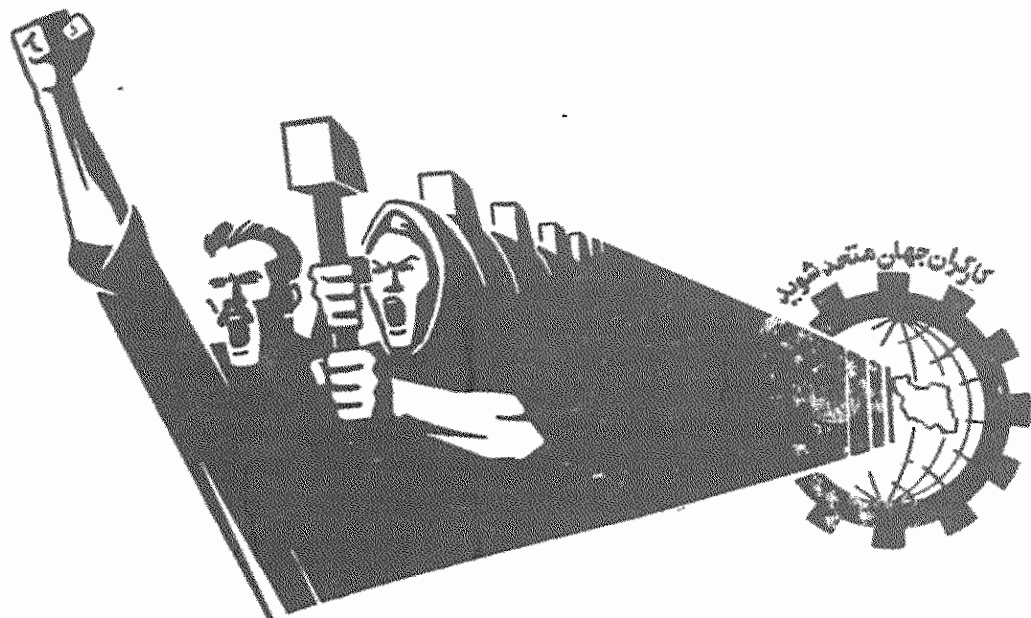
کارگران بشود و تمام دستاوردهای شری، تمام سرفیات حاصل از کار برای بهبود وضع اساسی که کارمندان استفاده نمودند و مسوان و سببهای برای سرکوسی و... رفقای کارگر! پس با شیدا نیروی معاف برای سردمضم که در پیش است آماده شویم. بگذارید صفوف پرولترهای سوسیال دمکرات (در آنگاه که کمونیستها سوسیال دمکرات می گفتند - پیکار -) هر چه مستحکمتر بسته گردد! بگذارید کلام آنها هر چه دورتر رود! بگذارید مسازره برای حواسته های کارگران هر چه سی با کاه تر صورت گیرد! بگذارید جشن روز کارگر - هر ازان رزمده جدید را بخود جلب نماید و نیروهای ما را در مسازره بزرگ برای رهاشی همه مردم، برای رهاشی همه آهائنی که ربوع سرما به درون هد گسترده تیر کرداد!

لنین (۱۹۰۴)

حما می شروتها را براهم میسازد، سراسر عمرشان در مسازره برای نکه ای نمان، با چارندکار را همچون مدفع گدازی کنند، بیرو و سلامیستان را ز سر جمع کم رشنی از کف نه هده و در آلوکهای دهات و بیابان دحمه ها و بینوهای شهرهای بزرگ دچار قحطی باشند.

ولی اکنون دیگر رجمتکشان محروم علیه پولداران و استثمارگران اعلام جنگ کرده اند، کارگران همه سر میبندند میرز مستدناگرا از مزدوری، رفقا سرو احتیاج رها سازند، آنها برای چنان نظام اجتماعی نسرده میکنند که در آن شروب حاصل از کار مشترک، به منشی شروتیست، بلکه تمامی کسانی را که کار میکنند بهره - ورسازد، آنها در بی آسند که رمیست کارگاهها، کارگاهها و ماشین آلات را به مالکیت مشترک همه رجمتکشان در آورند و تقسیم آنها را به غنی و فقرا زمینان سردارند، سحوا هده شمره کار نصیب خود

رفقای کارگر! (اول ماه مه) روز کارگر سردیک میشود، روزی که کارگران همه سر میبندند با سی شان راه آگامی طغیان، همبستگیشان در مسازره علیه رورواستما را نشان از انسان و مسازره برای رهاشی خودهای رجمتکشان از کرسنگی مفرو و تحفیر جشن میگیرند، در این مسازره سرگ دود سبیا در مقابل یکدیگر فرار دارند: سببای سرمایه و سببای کار، سببای استثمار و سردهگی و سببای سزادری و آزادی، در یک مومشتی خون آثام شروتیستند کارگاهها و کارگاهها، اسرار و ماشین - آلات را فسمه کرده و میلیونها مترز مین و نلیهای بول راه مالکیت خصوصی خود در آورده اند، آنها دولت و ارتش را به خدمت گرفته اند تا ما سدهگیهای وفاداری شروت اسانشه شده شان را پای دارند، در دگر سومیلیونها نفر محروم محصور به تنهایی بولداران اسدنا آج رده بید سزایشان کار کنند، آنها که با کار خود



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!



چرا اول ماه مه ۱۸۸۶ پدید آمد؟

۹۵ سال از اول ماه مه ۱۸۸۶ میگذرد و ۹۵ سال است که این روز به عنوان روز همبستگی کارگران جهان جشن گرفته می شود. اینک سالهاست که در روز اول ماه مه در بسیاری از کشورهای جهان، کارگران با پرچم سرخ به حسابها میریزند و در اتحاد خونین طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران را جشن میگیرند.

ده سال است که کارگران جهان، روز اول ماه مه، روز دلاوریهای کارگران نهرمان شیکاگورا عنوان نموهای از سالها سردیی امان طبمانی بر علیه استثمار گرامی میدارند.

اکنون قبلی از تشریح حوادث اول ماه مه، به جلاله ای کوتاه و روشفیت طبقه کارگر در این دوران و مخصوصاً ساعات بلولانی کسار طاعت سرمای طبقه کارگر می برداریم.

اینک ده سال است که طبقه کارگر در عرصه جهانی بعنوان طبقه ای مستقل ظاهر شده است و از همان اوائل سدانش خود، مبارزه خویشین این طبقه نهرمان بر علیه استثمارگران آغاز گردیده است.

پس آنکه طبقه کارگر موجود است، مبارزات خود را در عرصه های اقتصادی - سیاسی و ایدئولوژیک به پیش برده، در عرصه اقتصادی، و برای بهبود شرایط کار

و شرایط زندگی، کاهش ساعات کار، بیمه، بهداشت، مسکن و ... به مبارزه پرداخت. و در عرصه سیاسی، او به سر بردن برای کسب قدرت سیاسی یعنی درهم کوبیدن حاکمیت سرمایه داران و مبارزه برای تحمیلی

حاکمیت کارگران پرداخت.

یکی از مبارزات عظیم کارگران، بیگاری برای کاهش ساعات کار بود. سرمایه داران برای استثمار بیشتر سرمایه داران، بیگاری می کشیدند (ما برای نموه کارکنان

کا پیتال (سرمایه) اثر دورا ساز کارل مارکس آموزش رویشهای کسیر کارگران جهان چند مثال ارا نشانما بر سر حد مرگ کارگران در سالهای سردک سال اول ماه مه ما و رسم

نا نشان دهیم که چگونه طبقه کارگر جهان توانست است در مبارزات خود طی دو قرن اخیر، سرمایه داران را محصور کند و به کاهش ساعات کار متن دهد.

"از ساعت ۲ و ۳ صبح کودکان ۹ ساله و ده ساله (تا عل در کارجات سوری سازی) از خوانگا حرکت حویش بیرون کشیده میشوند و محصور میگرددند برای محور و سمر تا ساعت ۱۰ و ۱۱ تا کارکنند. اعضای بدن آنها بیژمرده میشود، ما نشان حمده و جیره مان سپرده میگردد."

"نمی ار کارگران کسرت ساری بران کمتر از ۱۳ سال و دختران کمتر از ۱۸ سالند... روزانه کارس ۱۲ تا ۱۵ ساعت بوده است، همرا با شکنجاری و غذای غیرمکفی که معمولا در کارگاههای مسموم اربا رگوگرد صرف میشده است."

"... سن بفر از ۱۹ دختر جوان کارگر نما سب اسکندرسسحه کارحوی العاده، سمار شده بودند، دیگر کارگرسکشند، برای اسکسوا سم دیگران را اسددار سگاهدارم، محصورمانا به آسجاداد و فرما دکسم، دنی میگوید: کودکان اعلیای نجات جنگی نمی سواسند خدمت های خود را از سگاهدار به و در واقع ما خود سسر اکثر از حمت حسن سواسانی را دارم.

لایت سورن اظهار میمانند: من ۱۳ سال دارم... در زمان گذشته ما با ساعت ۹ سرورمان عمل ارا، نما ساعت ۱۵ ب کار میگردیم. برمان گذشته همان سهای محروح من درد میگرد که نمی توان سسما ر سرما دکردن حلوسگری کم. امدن میگرد:

سرخهای که اسجاب هفت سال سن نداست ومن عادت کرده بودم که او را به هنگام آمدن و رفتن قلمدوس کرده و ارف نگذارم. وی معمولا ۱۶ ساعت در روز کار میگرد، چه ساعتی اقتاد که من

احارا از آن خود را مدممانه و عدا ده هم سر او ی بیلوی مناس خود اسساده سودو حقی نداست آرا سرک کنده ارا کار سنادارد.

مدن سرت س مادر من سورده، در کنار سار را ب نهرما نما به طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی ووازگون کردن حاکمیت

سرمایه داران که در انقلابا ب ۱۸۴۸ اروپا وکمون ساری (۱۸۴۱) ما هد سسسم. سار را ب طبقه کارگر برای کاهش ساعات کار و بهبود شرایط زندگی را نیز می بینم؟

بدین سرت کسوستنیا در آن زمان سسنا به رهبری سار را ب طبقه کارگر

سرای واژگوسی سرمایه داری می سواد حسد ونه سسنا کارل مارکس و فردریش انگلس ا مورگان کسیر طبقه کارگر در این دوران چگونگی کسب قدرت سیاسی را به طبقه کارگر می آموختند. بلکه رهسودهای اصولی سیز برای کاهش ساعات کار طبقه کارگر جهان ارا سمدادند. در سار سار ۱۸۶۸ اسرنا سوال اول به رهبری کارل مارکس در کنگره خود در زسو، برمان سسر ا حطاب به کارگران جهان ساد رکورد:



۱- اعتصاب کارگران کنگره (فرانسه) در سال ۱۸۷۰

" محدودیت قاسوسی کار روزانه سفستین سرتی است که بدون آن سلاهای سشتر در جیت سسودومع طبقه کارگر ورها شی او سکت سور و سسود... کنگره، هسنت ساع کار را سسوان حداسوسی کار روزانه سسینهادمی سعاد.

یکه حالت اسجاب که نفریما سطور هرمان، به فاطمه دو هفته، کنگره، سادیه کارگری آمریکا و کنگره اسرنا سوسال اول، بدون اطلاع بگد سگوردر مورد هسنت ساع کار روزانه سسیم بسکاسی میگیرند.

مدن سرت سسنا کارگری، سفا صله هزاران کیلومرا رکد سگر سسکاسی سراط سولمد، رهسودی سسگان ساد سسکندوسس سرت سار را ب طبقه کارگر در اروپا و آمریکا، علاوه سسبکسار

سرای کسب قدرت سیاسی، سسنتله سار ره برای کاهش ساعات کار سسنت ساع در روز سسر در سسور کار حویش میگردارد.

سسیی اکثر در سسنا ر ضغه کار کر اروپا سما سطور که در انقلابا ب ۱۸۴۸ اروپا وکمون ساری ما هد سسسم، سارهای کسب قدر ب

ساری و انقلاب سوسالی سسی وواژگوسی سراما س... سرت سسری دارد، سار را ب طبقه کارگر آمریکا سار را ب حویش خود برای کاهش ساعات کار، سس

حاص حویش را در سسنا ر طبقه کارگر جهان بر علیه سرمایه داری می ساند. سار را ب طبقه کارگر آمریکا در سرترا عا زنده و در





حقیقت سالهای ۲۹- ۱۸۷۰ و ۸۹- ۱۸۸۰ را میتوان نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر آمریکا محسوب داشت. کارگران در این سالها علیه طولانی بودن ساعات کار، کمی دستمزد و نبودن قوانین منفع کارگران و رحمتکنان با سرمایه داران درگیر شدند. برای نمونه میتوان به اعتصابات عظیم کارگران راه آهن آمریکا در ۱۸۷۷ اشاره کرد. سرمایه داران اعضا سیون را به گلوله بستند و بیش از ۳۰۰ کارگر را در جریان این اعتصابات کشتند. این مبارزات در بیکار خوبی دهه هشتاد کارگران آمریکا ناشربا رپیادی گذاشت.

کارگران آمریکا با نفه سا رمانده سی و رهبری توسط اتحادیه های کارگری را در طی چندین سال داشتند. یکی از همین اتحادیه ها بود که به استرنا سیونال اول پیوست. پس از ملاتی شدن اتحادیه سراسری کارگران (عصوان سرتنا سیونال اول) سندر بچ اتحادیه دیگری سمام "فدراسیون کارگران آمریکا" یا گرفت. این تشکلات که در سال ۱۸۸۴، ۵۰۰۰۰ عضو داشت، همچنان معتقد بود که سارزه سرای هنت ساعت کار مسئله اصلی و گرهی بیکار کارگران آمریکاست. بدین ترتیب ساییک بر ما سه در امدت در چهار سبب گنگره خود در هفتم اکتبر ۱۸۸۴ اعلام داشت که:

"فدراسیون اصاف و اتحادیه های متشکل کارگری ایالات متحده و کانسادا مقرر میدارند که از اول ماه مه ۱۸۸۶، هشت ساعت کار روزانه مدت فائوسی کار خواهد بود و ما سوبه میکنیم که سام تشکلات کارگری سبزدر حوره فعالیت خود از تاریخ فوق این تصمیم را سه مورد اجرا گذارند." فدراسیون که سندر بچ نیرو مند سرتنه و کارگران سبشتری جذب آن گردیده بودند، پس اریکسال فعالیت حول شعار هنت ساعت کار در روز در کنگره ۱۸۸۵ خود تصمیم گرفت سرمایه ی تصمیم گیری سال گذشته خود، یک راهبما شی سبزدراول ماه مه ۱۸۸۶ سربا دارد. همچنانکه اول ماه مه نزدیک میشد، سر

تعدادا اعتصابات و تظاهرات کارگری به پشتیبانی از شعار هشت ساعت کار در روز نیز افزوده میگشت و در عوض سوز و آزی هراسانتری گشت.

رورنامه های سرمایه داری، این روز را از پیش روز "قیام کمونیستی" اعلام کرده و از دولت خواسته بودند تا نبوه کارگرانی را که در این روز به خیا با آنها خواهند ریخت به گلوله ببنند و رهبران آنها را سهدار بیاویزد، تا دیگر کارگران جرات چنین اقداماتی را نکنند. اما تبلیغات بورژوازی از ی سببی سرکوب غش اعتصابگران کارگران را سترساند.

۴. ۱ ماه مه ۱۸۸۶

روز اول ماه مه ۱۸۸۶، سراسر سده، اعتصابها و تظاهراتی در شهرهای نیویورک، بالتیمور، واشنگتن، دیترویت، سنت لوئیس، پیسبورگ، میلواکی، سینیناتی رخ داد، اما مرکز اصلی اعتصابات و تظاهرات در سیکا گوبود. از چند روز پیش شهر پر از سربازان، پاسبانان و گانگسترها شده بود، ما حان صنایع ارگانهای سرکوب رژیم و مطبوعات واسته برای سرکوب کارگران آماده شده بودند. رورنامه های سوز و آزی از مردم سی سواستند که:

"هر تیر چراغ سرق را با حسد آویخته یک کمونیست تزشین کنند."

"سینه یان را به گلوله ببنند و سدر رهبران آنها را با طاب اعدام سالا بکنند."

روز اول ماه مه ۴۰ هزار کارگر در سیکا گوا اعتصاب کرد و سه روز بعد تعداد اعتصابیون، از سمرهشتاد هزار فرگذشت. در تظاهرات دور و راه، کسی کشته نشد. اما در روز سوم، پلیس، کارگران بی سلاح را به گلوله بست. پنج کارگر اکتست و پنجاه کارگر را زخمی کرد. روز ۴ مه، کارگران راهبما شی اعتراضی عظیمی سراه انداختند. یک جاسوس سرمایه داران سسی را به میان جمعیت افکند که در نتیجه هشت پلیس و چهار کارگر کشته شدند. پلیس این سبب را بهانه قرار داده، سدی سدا کارگران را به گلوله بست. هفتاد کارگر را کشت و بیش از ۱۵۰ نفر را زخمی کرد. مقامات دولتی بدنبال این جنایت رهبران جنبش اعتصابی را دستگیر کردند و پس از مدتی آنها را به بیدادگاه سرمایه کشتاندند.

در بیدادگاه سرمایه داران

بیدادگاه سرمایه داران آمریکا، از یکطرف شکوه و عظمت کارگران شهرمان اعتصابی را بیان میکرد و از سوی دیگر جنایات و ریاکاریهای سرمایه داران را سراملا میساخت. دولت با دادن رنوه و اجیر کردن جاسوسان، گواهان قلبی سبیدادگاه فرستاد که شهادت دادند، سبب را رهبران جنبش اعتصابی سدر وون جمعیت افکنده اند. در حالیکه رهبران جنبش اعتصابی دلاورانه از منافع طبقه کارگر دفاع کرده احتیامات دروغین رژیم را افشا ساختند. آنها استوار و مستحکم به محاکمه نظام سرمایه داری پرداختند.

"اشپیتس" کارگر کارخانه سبوق و تعمیرات الکتریکی در بیدادگاه سرمایه داران گفت:

"اگر شما تصور میکنید که با جلوگیری از راهبما شی کارگران، ندادن حق و حقوق آنان و کشتن رهبران کارگران و دار زدن ما، میتواسید جنبش کارگران را که میلیونها نفر از مردم زحمکش، ففیرونیا زمیند و ستمدیده سجات خود را در آن حش می سبند، از سبب سربید، سخت در اشتباه سده، مراد سرتنید. اما بیدادگاه شما فقط حرفه ای را با کشتن ما خاموش میکنید اما پشت سرتان، سعله ها ارهه ساسا زبانه خواهد کتند. این سله ها هم اکنون از میان مردم ربا سه میکشند و شما نیروی خاموش کردستان را دارید..."

کارگر دیگری "فویرا نگل" کارگر جاساعه در بیدادگاه گفت:

"کارگران اینک در سافته سده سالاتحادیه سبستگی و سارزه سسجمعی میتوانند سراین مشکلات سبروز شوند کارگران در بیدادگاه در اتحادتان چه قدرت سبررگی وجود دارد، سرای همین است که کارفرما ها با بنام خوا سبی میکنند اتحاد کارگران را سبم بزنند و راهبما شی شان را سخوس بکشند. ما کارگران جمع سدی سمو خواستیم یک اتحاد حقیقی تشکیل دهیم تا سایدیک چندم حقمان را سبیس بگیریم، اما حالا سرازادادگاه و زندان در آوردم. آیا این است معنی عدالت و انصاف جامعه ما."

علیرغم اعتراضات و مبارزات کارگران



سرا سرجهان و سازمانها و احزاب انقلابی دنیا، چهار کارگردان، روفقا اسپتس، فویرا گل، باروتروف و غیره عدا و عده‌های دیگر از رهبران جنبش اعتماسی به زندان محکوم شدند. سوزوآزی مزورانه چند سال پس از تیرباران آنها کوشیدند عدا و عدا کردن اینک در حریان دادگاه عدالست بدرستی اجرا شده و افراد سیگناهی تیرباران شده‌اند، جنایاتش را بیوشاند و خود را از تیررس خشم کارگران دور نگاهدارید. علیرغم این سرکوب وحشیانه، نزدیک به ۵۰۰ هزار کارگردان آمریکا توانستند، حق هشت ساعت کار روزانه را بدست آورده و بنفیه سبز چند ساعتی از کار هفتگیشان کاستند.

جنبش کمونیستی، اول ماه مه

راز روز جهانی کارگر می نامد

پس از زهم‌ها شدن انترنات سونال اول، رهبران کارگران جهان، انترناسونال دوم را تدارک دیدند. کنگره انترناسونال دوم در ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹ که معادف با مدین سال سقوط "باستیل" بود، در پاریس تشکیل گردید. در این کنگره که کنگره جنبش کمونیستی آن زمان بود، نمایندگان کارگران آمریکا پیشنهادی را مطرح ساختند:

"از طرف کنگره روز اول ماه مه هر سال بخاطر کشتار کارگران شیکاگو، بنام روز کارگردان سرجهان اعلام گردد و در این روز کارگران تمام دنیا، هر کجا که هستند بیاد گذشته‌شدگان، معدومان و زندانیان شیکاگو محاسنی با دیودی تشکیل دهند و خواهی که کارگران را مطرح سازند. تمام کارگران در این روز می‌توانند با تشکیل دادن اجتماعات و راهپیماییها، اتحاد خود را محکمتر کنند و صفوف خود را گسترش دهند. برای پیشرفت‌های سال گذشته طبقه کارگر شادی کنند و جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود برسانه‌ریزی کنند. خلاصه هر سال نمایشی

ار اتحاد و قدرت کارگران سرجهان نشان داده شود... هم‌کنون ما در آمریکا این روز را با نام "روزیا سوسیالیستی" قهرمان طبقه کارگر را مگذاریم کرده‌ایم. و هر سال در مقیاسی وسیعتر از سال پیش این روز را گرامی می‌داریم. در این روز کارگران آمریکا با هم سوگواری می‌کنند که در دفاع از حق و حقوق خود، سرخست ترودر مبارزه بر علیه سرمایه‌داری مصمم‌تر باشند. بیاییم این روز را بنا بر روز طبقه کارگر روزا اعتراض به ظلم و ستم و بیداری، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه‌داری در سرجهان و روز همستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم."

کنگره بین المللی دوم نیز قطعنامه زیر را تصویب کرد:

"کنگره تصمیم گرفت نظرات بین المللی عظیمی را سازمان دهد. بطوریکه در یک روز مبین در همه شهرها و کشورهای، توده‌های رنجبر کارگران را به هشت ساعت و اجرای دیگر تصمیمات کنگره پاریس (انترناسونال دوم) را از دولتها بخواهند، از آنجا می‌کند که فدراسیون کار آمریکا در اجلاس در ۱۸۸۸ در سنت لوئیس تصمیم به برگزاری نظرات مناسبتی در اول ماه مه گرفته بود. این روز برای نظرات بین المللی پذیرفته شد کارگران کشورهای مختلف بر طبق شرایط محلی آن کشور، می‌توانند این نظرات را سازمان بدهند."

اول ماه مه ۱۸۹۰ در بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکا جشن گرفته شد و در آمریکا طبقه کارگردان به اعتماد زد. در کنگره بعدی انترناسونال دوم در ۱۸۹۱ (کنگره بروکسل)، در تکمیل کنگره پیشین اضافه کرد که روز اول ماه مه باید به نمایشی جهت ارائه خواهی کارگران برای بهبود شرایط کار و تامین صلح میان ملل تبدیل شود. قطعنامه تجدیدنظر شده بخصوص بر اهمیت عظمت طبقاتی نظرات اول ماه مه برای هشت ساعت کار و دیگر خواهی که منجر به عمیق شدن مبارزه طبقاتی خواهد شد، تاکید داشت. همچنین این قطعنامه تقاضا کرد که کارگران در هر کجا که ممکن باشد "متوقف شود. اما اپورتونیستهای انترناسونال دوم (بخصوص حزب کارگر انگلستان) با پیشنهاد شروط اعتماد شدید مخالفت کرده و کوشیدند نظرات اول ماه مه را به اولین یکشنبه بعد از ماه

مه (که تعطیل بود) موکول کنند. بالاخره کمیونستها در کنگره پاریس (۱۹۰۰) اپورتونیستها را شکست داده و دستور توقف کار در این روزها را به نظرات صادر شد. بدین ترتیب اول ماه مه، "سرخ" روز کارگران جهان علیه سرمایه‌داری جهانی بدل گردید.

روز اول ماه مه، یک روز کاملاً سیاسی و بی‌اگر منافع تاریخی طبقه کارگر است

اکنون در سرجهان، روز اول ماه مه جشن گرفته میشود. گرچه ابتدا، تنها جنبش کمونیستی بود که به گرامی می‌داشت این روز بزرگ می‌پرداخت، اما اینک صحن اینک امپریالیسم و ارتجاع در سرجهان به سرکوب کمونیستها و انقلابیونی که به برگزاری این روز می‌پردازند، می‌بازد می‌کنند، اما برای عوام مریخی و از آنجا که گرامی می‌داشت این روز مورد استقبال توده‌هاست، به رسمی کردن تعطیلی اول ماه مه و حتی سرکاری نظرات و میتینگها نیز می‌پردازد. رژیمهای ارتجاعی و سرمایه‌داری نیز در این روزها شکستهای می‌ریزند. اپورتونیستها و ریبزیونیستها نیز برای خدمت به بورژوازی در این روز آستینها را بالا می‌زنند و میکوشند با طرح خواهی اقتصادی و قابل قبول بورژوازی، از تمام طبقه کارگر با منافع بورژوازی جلوگیری کنند، اما از نظر کمونیستها، مضمون جشن اول ماه مه مضمونی کاملاً انقلابی است. درست است که این روز بر مبنای مبارزات طبقه کارگر آمریکا برای هشت ساعت کار روزانه در نظر گرفته شد، اما جنبش جهانی کمونیستی این روز را بعنوان روز بیسان اراده پرولتاریا برای انقلاب و نایبودی طبقات نامیده است. در کنگره ۱۸۹۳ انترناسونال دوم در زوریخ که فریدریش انگلس آموزگار کمپروپیشوای کارگران جهان نیز در آن حضور داشت، قطعنامه تکمیلی زیر در مورد اول ماه مه افزوده گردید:

"نظرات اول ماه مه بخاطر هشت ساعت کار روزانه، باید مضمون نمایشی اراده‌ای قاطع طبقه کارگر برای نایبودی تمام طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد."

تاریخچه برگزاری اول ماه مه در ایران

طبقه کارگر فهرمان ایران سیزدهم -
دوش با کارگران جهان در طی سالها سلطه
حکومتهای ننگین شاهنشاهی کوشیدند
همبستگی خویش را با کارگران جهان
در روز اول ماه مه جشن بگیرند.

با شکلگیری حزب کمونیست ایران به
رهبری رفیق حیدرخان عمواوغلسی و
تشکیل اتحادیه های کارگری، برای اولین
بار در ۶۲ سال پیش، یعنی در ۱۱ اردیبهشت
۱۲۹۹، هزاران کارگرد تهران و جند شهر
دیگر، اول ماه مه را با شکر و سبزه جشن
گرفتند. این مراسم را "ثورای مرکزی
اتحادیه کارگران" که از ۱۵ اتحادیه
کارگری سوخته و زهره رهبری حزب
کمونیست ایران فرار داشت، برپا داشته
بودند.

علیرغم ترور و خفقان حکومت رضا خان
فردر و علیرغم ممنوعیت برگزاری جشن اول
ماه مه، کارگران فهرمان ایران در سال
۱۳۰۷، محفای مسافرت به سرگزاری جشن
اول ماه مه کردند. در تهران ۸۰۰ نفر در
باغی واقع در دروازه دولت تهران گرد
آمدند و با سرودهای انقلابی برلسزوم
اتحادیه کارگری طبقه کارگرهای فشرده
همچنین کارگران شهید کوهنگی و
کارگران شیرزدر کوهها و اطراف شیرز

انضامی درجهای رجوب مورده قبول بورژوازی
مدل کرده اند. در حالیکه ما کمونیستها به
مطمنا ما اولین تظاهرات کارگری سه
مناسب اول ماه مه، یعنی تظاهرات
کارگران آمریکا در اول ماه مه ۱۸۹۰، در
"میدان اتحاد" نیویورک و فاداریم که:
"ما همزمان با سایر در راه برقراری
هشت ساعت کار روزانه هدف بهائی خود را
که بر اساس اختن نظام مزدوری سرمایه داری
است از یاد نخواهیم برد."

در اجرای همین سیاست کمونیستها در
رمان جنگ جهانی اول، شعار نیست ساد
جنگ را به شعار اول ماه مه بدل کردند و
لیکنحت اول ماه مه ۱۹۱۶ را در آلمان با
همین شعار برگزار کردند و در خلال جنگ دوم
جهانی برای اول ماه مه با شعارهای سر -
غلبه ما ششم در سرا سر جهان سرگرا شد.

مدین سربس کمونیستها سرخوش را
با سرمایه داران و همه رو بیژونیستها و
اپورتونیستها در برگزاری اول ماه مه
با طرح شعارهای سیاسی سر علیه طبقات
ارنحایی و اشتیاق کارکنان سبکسد، چرا
که نیروهای ارنجائی میگویند شعارهای
اول ماه مه را با شعارهای اقتصادی مورد
قبول بورژوازی به حد کنند.

رو اول ماه مه، روز مفا بله طبقه کارگر
با سرمایه داری جهانی است. روز همبستگی
کارگران جهان است. روز فریادنا بود
با طبیعات ارنحایی سرمایه دزنده بساد
سوسیالیسم است.



به همین خاطر است که لنین نیز با طرح
مسائل حزبی اقتصادی در اول ماه مه سه
مخالفت کرده، این روز را بعنوان روز
خویش را با کارگران مستقل خویش و بسا
شعارهای طبقه ای خود، جشن میگیرد.
شعارهایی که لنین در ۱۹۰۴ برای اول ماه
مه طرح میکنند عبارتند از:

زنده ساد هشت ساعت کار در روز!
زنده با دسویال دمکراسی انقلابی
بین المللی!

با دسویال خود کما مکی حسابت آمیز و
چپا و لگوساری!

و شعارهایی که در اول ماه مه ۱۹۱۷ در
از انقلاب اکسیر (مطرح میکنند، عبارتند از:
درود برای اول ماه مه!

درود بر برادری ملتها (این شعار،
شعاری سرمد جنگ امپریالیستی است)
درود بر انقلاب سوسیالیستی!

لنین در اثر دیگرش در مورد اول ماه
مه یعنی روزهای ماه مه در خا رکت کسه در
نوامبر سال ۱۹۰۰ نوشته است، تظاهرات
اول ماه مه را پیشگامی سرکوبنا پذیر
می نامد و معتقد است:

"این پیکار برای آزادی سیاسی مردم
روس بود و در نتیجه برای فرصتی تازه
برای تکامل طبقه ای پرولتاریا و
مسارزه آشکارش به خاطر سوسیالیسم
خواهد بود."

لنین در همین اثر رهبران حزبی
خا رکت را از طرح خواسته های حزبی اقتصادی
در این روز سرحدر میدان ردوبه اسن خاطر
آنها را سرزنش میکند، برپاسمی خواهد که
سرشت سیاسی روز اول ماه مه به جوجه
برده پوشی شود.

آری اول ماه مه از دیدگاه کمونیستها
همواره با هدف انقلاب وواژگویی سرمایه
برگزار میشود و به یادگاری رهبری
و رویزیونیستی، رویزیونیستها در سرا سر
جهان اول ماه مه را به روز طرح خواسته های



۳- تظاهرات نیروهای کمونیست، اول ماه مه ۱۳۵۹

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران



بطور مخفیانه جشن اول ماه مه را در این سال برگزار کردند.

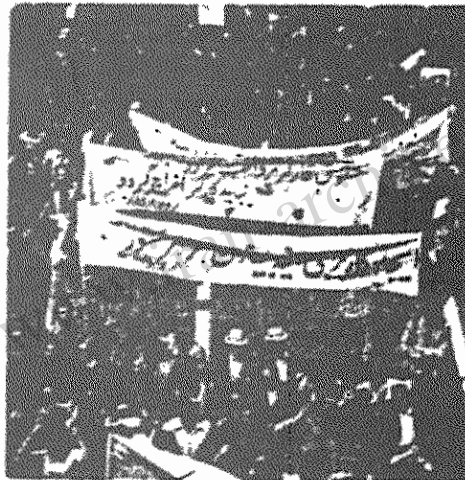
در سال ۱۳۰۸ که "جمعیت کارگران نفت جنوب" بوجود آمده و توانسته بود کارگران نفت را بسیج و متشکل کند، کارگران تصمیم گرفتند اول ماه مه را با یک اعتصاب عمومی جشن بگیرند. جا سوسان شرکت نفت قضیه را به رژیم شاه شاهان اطلاع دادند و در نتیجه رضا شاه شاهان برای جلوگیری از سرگراری اعتصاب عمومی ۲۳ نفر از نمایندگان کارگران را زندانی کرد. اما کارگران با همستگی خود در روز اول ماه مه دست به یک اعتصاب یکپارچه زدند و آن را سه روز تمام ادامه دادند. نیروهای نظامی رضا شاه مزدور به اعتصابیون حمله ور شده و ۱۵۰ نفر از کارگران را زخمی و ۲۰۰ نفر را دستگیر و ۵۰۰ نفر را نیز اخراج کردند.

در سال ۱۳۱۰ کارگران اصفهان، تظاهرات در روز کارگران را انجام دادند و با شعار "زنده باد اتحاد ما کارگران ایران" در خیابان چهارباغ اصفهان به راهپیمایی پرداختند.

با قلع و قمع حزب کمونیست ایران و استقرار دیکتاتوری سیاه رضا خانی تا سال ۱۳۲۰ کارگران ایران نتوانستند به برگزاری جشن اول ماه مه بپردازند. رهبران اتحادیه های کارگری به زندانها افکنده شدند و نهضت سوده ای شدیداً سرکوب گردیده بود. با رفتن رضاشاه شاهان و حوی که به برانجنگ جهانی دوم پیوسته ها روی کار آمدن مردم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در ایران بوجود آمده بود، کارگران ایران با شدت بخشیدن به مبارزات خویش بر علیه امپریالیسم و ارتجاع، به برگزاری مراسم اول ماه مه پرداختند. در این میان کارگران نفت جنوب، بعنوان پیشروترین کارگران ایران نقش برجسته ای داشتند. پراختیاریترین مراسم کارگری این دوران جشن عظیم و پیرشکوه اول ماه مه ۱۳۲۵ در جنوب بود که ۸۰ هزار کارگر صنعت نفت دست به تظاهراتی بزرگ زده و قسدرت

همستگی و اتحاد طبقه ای خود را نمایانند پس از کودتای آمریکا ش ۲۸ مرداد، کارگران مبارز و انقلابی تنها در دستجاتی چند سرفه بطور مخفیانه مساعرت به سرگراری جشن اول ماه مه میکردند.

با سرنگونی رژیم شاه شاهان توسط توده های دلاورمیهن که با قدرت لایزال کارگران و زحمتکشان ایران عملی شده بود، کارگران همچنان تحت مشارستشمار و سرکوب سرمایه داران که با زهم قدرت را در دست داشتند ماندند. اما انقلاب آنچنان نیرومند بود که علیرغم سرکوبهای جمهوری اسلامی، مبارزه در سراسر ایران علیه سرمایه داری و استبداد ادامه داشت. در اول ماه مه ۱۳۵۸، دو سیر مساعرت به سرگراری اول ماه مه کردند. یکی رژیم جمهوری اسلامی به همراهی همه نوکراسان و زحمتکشان حزب توده بود. دیگری نیروهای



۲- اولین مراسم اول ماه مه پس از قیام بهمن کمونیست و انقلابی. صف عظیم کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در این روز در تارخ ایران بسیار بقیه بود. نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر در تهران از جلوی خانه کارگر که در آن زمان در اختیار کارگران انقلابی و کمونیست بود، حرکت کردند و با رژه ای با شکوه قدرت عظیم طبقه کارگر و نیروهای کمونیست را به نمایش گذاشتند. صف انقلاب در این روز آنچنان عظیم و پیرشکوه بود که با نشان و چماق داران ارتجاع نتوانستند علیرغم حملات خود به صف تظاهرات کنندگان، کوچکترین خدشهای به عظمت این روز وارد آورند. گرچه سفلت انحرافات حاکم برجسته کمونیستی، شمارها، پلاکاردها و قطعنامه تظاهرات دارای اشکالات و انحرافات مشخص بخصوص در ارتباط با هیئت حاکمه بود و هنوز حش کمونیستی

دیدگاه درستی نسبت به قدرت سیاسی حاکم نداشت، اما بهر حال تشکیل صف مستقل در این روز، آسهم با آن تعداد عظیم، برای همیشه در تاریخ میهن ما یادگار خواهد ماند. در دیگر شهرها نیز در همین سال تظاهرات کارگری سهری نیروهای انقلابی و کمونیست برگزار شد که تظاهرات کارگران آزادان بخاطر شرکت چندین هزار کارگر در این اهمیت برجسته ای بود. اول ماه مه ۱۳۵۹ نیز با تظاهرات نیروهای انقلابی و کمونیست همراه بود. اما در این روزمانند سال گذشته یک صف عظیم و پیرشکوه به پیدارنگر دید و عظمت سال گذشته تکرار نشد. با زمان چریکهای فدایی خلق بطور جداگانه و با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، با زمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر و راه کارگر مشترک در این روز دست به راهپیمایی و میتینگ زدند و روزجهانی کارگران جشن گرفتند.

امسال در شرایطی کارگران قهرمان ایران به استقبال جشن جهانی خویش میروند که بیشتر و بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را شناخته و از آن روی بر میگرددند. اکنون طبقه کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر درمی یابند که با بستن با مسلح شدن به آگاهی طبقه ای در تشکیلات مدافع کارگران یعنی سازمانهای کمونیستی گرد آمده و در جهت رهبری انقلاب و بنا بودی سرمایه داری و استبداد مبارزند.

بدین ترتیب کارگران ایران در جشن اول ماه مه امسال می بایستی شکوه و عظمت قدرت طبقه ای خویش را به نمایش بگذارند و با هر چه با شکوه تر برگزار کنند. این جشن، صف مستقل خویش را جلوه گرمانند، بگوئیم با بسیج و سازماندهی کارگران میهنمان، با طرح شمارهای بیانگر حضور مستقل طبقه کارگر و بسیج نگرمنافع تاریخی آن، روز اول ماه مه امسال را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

درود بر اول ماه مه!
درود بر طبقه کارگر جهان!
درود بر ما رگیمیم - لنینیمیم،
بگانه اید شولوزی طبقه کارگر!
مستحکم باد همبستگی جهانی
طبقه کارگر!

نا بودید ما سرمایه داری جهانی!
زنده باد سوسیالیسم!
با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان اوج میگردد!

در جهان کمونی گراش اصلی را رند مباره طبقاتی و انقلاب تشکیل میدهد. بحران، جهان سرما به داری را فرا گرفته و مباحدهای طبقاتی و توسعه مبارزه طبقاتی و ملی علیه بورژوازی و امپریالیسم به مرحله جدیدی از گامیل گسود دست یافته است. اس مبارزات اگر چه در سرزکوب بورژوازی و امپریالیسم بطور روزافزون در سطح و عمق اعتلا مییابد، لیکن از نقطه نظر رهبری شدیداً دچار ضعف مییابند. وضعیت دهی حقیقت پس المپلی کا رگرو حقیقت های ملی شدیداً آلوده به روریوسم و رفرمیسم بوده و آنجا که از فرمت انقلابی تا لثعل بر جورداریسد، ما قدر رهبری پرولتاریائی میسازد. اما سنی واقعتاً با مع از آن میگرد که حقیقت های کارگری به تعریف انقلابی علیه بورژوازی دست زده و سوی صرف قدرت سیاسی حرکت کند و سادی در برابر حقیقت های آرا دیحی را سنی در جهت نابودی قطعی امپریالیسم تح هر تنگ. ل. انجا دسما سنده. معذنان رهبری مارکسیستی - لنینیستی سرورمد در عرصه جهای مخرسندان گشته که حقیقت های کارگری در جهان را خوب ماسات بورژواشی محدود ما شده و با حقیقت های آزاد سحن در سنده راه سازش با صدا انقلاب در علیند. سه ای لحاظ در برابر ما رگسنت لنینیست های سوار جهان و طایف عظیمی قرار داده. آنان برای آنکه نتوانسد به انکاء طبقه کارگر و خلقهای جهان انقلاب را به سرانجام برساند و سوسیالیسم را مستقر سازد، با نیروی روریوسم و انقلابی را هر چه و سمنترا مینا نموده و نوده ها را سراسر با سینگ می مارکسیستی - لنینیستی سنج کس کرده و سرنگونی بورژوازی را وسیعاً نادرک میکنند در سطح پس المپلی اگر چه هر چه سمنتر ترا سطح عینی در جهت انقلاب تحول مسا بدور خود سه اعتراض و عصیان و مبارزه در سوده های ملیوسی بیش از پیش سدا ر می شود، اما تا زمانی که ان سیداری با مارکسیسم - لنینیسم در سنا میگرد، علیه مبرسات تگسوده ای که میبوا سدر میسند انقلاب وارد ما رد، سمنوا سده سیروری عظیمی منتهی گردد. مملما اگر چنا چه ترا بط دهی یعنی اجزای و سایر مباحدهای کمونیستی در ضعف قرار نمی دانند، مبارزات کمونی اریطر عسق و سطح به در خات سنا سده ای ارتقاء نامده سده، اما هم اکنون سیر به سب شدت مبار ستمگبری و استنما روروزاری و امپریالیسمها و سوسیالی امپریالیسمها مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان همچنان به او جگری خودا دانه میدهد.



آمریکا -

جدیدی بس معدومیان، در شش ایالات آمریکا برای اعتراض جمعی خود دست به اعتصاب زدند. در اس اعتصاب ۱۱ هزار کارگر سرتک تصدیه و علم عتقا رهای نیس بورژوازی، کارگران همچنان به مبارزه خودا دانه میدهند. سسال گذشته اعتصاب معدومیان آمریکا ۱۰۱ روزه طول انجا مید. سغلازه جدی بیش از چستگنان حمل و نقل در سلا دن سنا جهت اعتراض دست زده خود و آمو رگاران ایالاتها بو علیه ستم آ موریسی ارتقا عی و برای اعتراض حقوی خود دست به اعتصاب زدند. دوا آمریکا علیه مرم عدم وجود حرت کمونیستی قدر سمنند. کارگران زیر ستم سار انجا را با امپریالیسمی به مبارزه خود ادا به میدهند. و این امپریالیسم با امپریالیسم سنی سرتک سحت حکومت بورژوازی را رسیوا سسار د.

ایتالیا -

در همنه گذشته، سی هزار کارگر سالانیسی برای اعتراض به کار اوریس لبر، ستم سمل محدود سنیای اعساری و عدم کاقوی اعتراض حقوی، دست به راهبیمائی زدند و سب سب مبار سقرا رگنا ویران انالسانی سا حواسا اعتراض جهای فراورده های کشاورزی، در مرکز سبر رم سسده را هیماسی اعتراض آمیز دست زدند. در حال حاضر انالسانا بحراسی سرن کشور اروپای غربی است. سورم و کراسی شدند، کارگران و دهقان سسنان ر حقیقت را نخب سار رگدا نتند و آنجا را به مبارزات گسوده سری گشته اند. بورژوازی، ساسوان ارض بحران سسسم، در همان زمان که فشار نیس امپریالیسمی را سروی بوده هانطور وسیع وارد می سنا د، سحنهای مختلف سنا سندگان سرما به داری را به مبارکت در قدرت جهت حمل معطلات فرا حوا سده است. در حال حاضر وولسب انشلانی "ارنا لدو مولرانی"، "ار اجزات" دمکرات مسیحی"، "سوسیالیست"، "سوسیال دمکرات" و "جمهوری خواهان" متشکل شده است. سدن سب سب اکثر سنا سندگان سیاسی بورژوازی، برای مشابه سار او جگری مبارزه طبقاتی، در دولت انشلانی قرار گرفته سده سوظنه علیه حقیقت سمنولسده و در رویه جدی اس امکان کاملاً محتمل است که بورژوا - روریوسم سنیای حاش حسز ب

"کمونیسم" انالسانا رهبری سرتک سب، در قدرت سبیم کرده. برای سوزواری شرکت دادن روریوسمیسیای حاسکا را با لسانی در دولت ما سرفدر تصدی جهت به اجراء گنا سدن حقیقت سده ها و با سس گنا سدن نامده آن سشار می - آمد. اما حقیقت اس است که بحران کمونیسی انالسانا، سگ بحران ساشی است و کونش های سچگدا م ارجحن های مباحثات و ارجح سسده روریوسم سنی سمنوا سدرند و توسعه سسار زده طبقاتی و انقلاب را سسما سده.

انگلستان -

ار سه ماه پیش، موج جدیدی از اعتصاب کارگری سراسر انگلستان را در سبرگ سسما است. اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ، در اعتراض به سس معادن قدیمی و سسکار شدن آنها و اعتصاب کارگران و کارکنان سنا در سنا ل شرقی انگلستان سوسه های اس اعتصاب سسنا هستند. در حال حاضر انگلستان سندا در بحران فرورفتد و سورم و کراسی، شدیداً سدی کارگران را و صم بر سنا حده و روح سنا اعتراضی و مبارزاتی را در آنان ارتقاء بخشیده است. اما سنا سنا سس سکل کمونیستی قوی در میان کارگران سفود سار و سحن میس از کارگران تحت نفوذ سروشی امپریالیسمی با سده "حزب کارگر" قرار داده است. اس حزب سوسنه گسوده است تا از مبارزات کارگران سوا سنا سده سده و آن سرا و سلهای جهت به عقب راندن حجاج امپریالیسمی سگر سنی "حزب سنا سده کار" قرار داده. اما سنا سنا ادعان سوده که کارگران، نخب ستم رورانی سرو ان سنا سار و علم سرم حواس سهران سوزوا - رهرو سمنند و ما سس سسنگائی، سطور خود خودی به معنا و سب سسوری دست زده و خواهان شدت عمل و سغتری علیه بورژوازی می ساسند. سس سطور معالنه سار او جگری مبارزات کارگری و سسار کردن حقیقت سوده های کارگری که "حزب کارگر" را به سنا سسیر سده، اجراء سده ای ارسا سندگان "حزب کارگر" اعتصاب کرده و حزب امپریالیسمی سار سسما "حزب سوسال دمکرات" سوج سسود آورده است. برای سنا سحت اس حزب ارتقا عی کاقی است سرحی از رهبران امپریالیسم آسرا سنا سس "رای سسگر" سالیها سنا سده با رلمان انگلس و روروزاری کاسه سلی، "سودا ون" و سرحا رجه اسس انگلس "سرتلی و سلیا سس" و سراسی آموری و سبرورس کاسه "حزب کارگر" آری اسان سنا سدر سهران "حزب کارگر" سه رهبران طبقه کارگر، سلیکه رهبرانی امپریالیسم و دشمن طبقه کارگری سنا سدن سنا سبکه طبقه کارگران سسروهای سسقی و گسده را ارجحود دور سنا ر سوسیالیسم ممکن سست.

یوگسلاوی -

در همنه گذشته سوده های شهری و حصوصی دا سسحوسان ایالت "گوسوا"، به سنا سسرات اعتراض آمیز گسوده ای دست زدند. اما سس سنا سرات دومین سنا سراسی است که در ا سس

چرخش ضد انقلابی جدید رویزونیست های خائن حزب توده

دردم سالی که از عمر جمهوری اسلامی می گذرد، در ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و احاطه های تکمیل دهنده رژیم تفصیری پدید آمده است و در حاشیه ها کم (حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها) روز بروز در شمی با توجه به های رحمتکش خلق و سازش با امپریالیسم مستتر اربیش عمل کرده و می کنند. اما مبارزین و نویسندگان - های خائن "حزب توده" در سرچو در رژیم جمهوری اسلامی را، همه ما هست واقعی رژیم بلکه اهداف ضد انقلابی این با در مترجع واریا سان سویال امپریالیستش، تعیین می نماید. در روزهای سخت حاکمیت جمهوری اسلامی که قدرت دولت در دست لیبرالهای خائن - بارزگان و همپالکی هایش بود بارزگان، نریه، سخاسی برای "حزب توده" و حال "ملی و انقلابی" بود و شرکتکنان در "دولت موقت" دلسلی سازش و نصیحت "انقلابی" آن دولتست خائن و ضد انقلابی، اما بتدریج که قدرت حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت بالا گرفت و اساس حزب در قدرت سیاسی از موضع برتر سرخوردارند و سیزده موازات آن با تشدید اختلاف بین لیبرالهای خائن و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، "حزب توده" نسبت به لیبرالها، ۱۸۰ درجه تغییر کرد. آن "انقلابیون" و "رحال ملی" نه "امید" امپریالیسم آمریکا (مردم ۵۹/۱۰/۲۴ - مفتح اول) پیرو "خط سوسیالیستی" (هماسا و بیشتر نمایانده های مردم) و... مسدود شدند. حزب خائن توده که تحقق اهداف ارتجاعی خود را در محیز گوتی و در پیوستگی بخش غالب حاکمیت یعنی حزب جمهوری اسلامی میدید، به پیروی از سیاستهای حزب مزبور در مخالفت با لیبرالها شروع به تبلیغ علیه لیبرالها نمود. شماره های نیمه دوم سال ۵۹ "مردم" تنها نگرایین واقعیت است.

"مردم" شماره ۲۳۸ شنبه ۱۸ بهمن ۵۹ در گزارش متوسط به جلسه "پیش وپس" از کتیا نوری خائن می نویسد:

"... تنگی نیست که در حاشیه ما، علاوه بر لیبرالها، نیروهای ارتجاعی دیگری، از جمله امراطیون مذهبی، هم هستند، که با هرگونه پیشرفت اجتماعی مخالفت میکنند... (تا کجا از ماست) در همانجا کتیا نوری با سخ می دهد:

"... در این طیف وسیع و رنگارنگ هواداران سوسیالیسم علمی تا ارتجاع وابسته

امپریالیسم که با هم خط قرمزی هست که نیرو - های منظور عمده ما امپریالیست در سطح آن قرار میگیرند و نیروهای منظور عمده هواداران امپریالیسم در طرف دیگر.

... ممکن است که بعضی از نیروهای آن طرف خط هم را از نظر بعضی دیگر خصوصیات "مترقی" تر هم باشد، مثلاً سوزواری لیبرال را بگیریم که طرفدار سازش با امپریالیسم است ولی ممکن است بعضی از ما با دیدگان آن با اصطلاح "متمدن" تر هم باشد... طبیعی است که چنین چیزی نمیتواند برای ما معیار ارتجاعی و یا مترقی بودن باشد..."

کتیا نوری خائن در همانجا ادامه میدهد:

"روزها ما... قسمت اعظم مباحثات خود را به توطئه های امپریالیسم آمریکا و لیبرالها اختصاص داده است "و ادا نمیدهد": "... از طرف دیگر همین سوزواری لیبرال همیشه ارتجاعی بوده است (یعنی الان ارتجاعی است - پیکار) وقتی بود که سوزواری لیبرال در حیطه سروهای انقلاب قرار داشت... اما حالا که شرایط تاریخی عوض شده است، همین سوزواری لیبرال آن طرف خط قرمز قرار دارد." (مردم - ۵۹/۱۱/۱۸ تا کتیا نوری)

ارماست (در همین مقاله را "انقلاب اسلامی" و "میزان" عنوان شده است) میگوید:

از اینگونه مطالب در شماره های نیمه دوم سال گذشته روزی نامه "مردم" فراوان است. اما با تشدید نقادها لیبرالهای خائن و جناح "حزب جمهوری اسلامی" و دخالت غیبی که حاوی نکاتی است که لیبرالها بودند نسبت به لیبرالها حزب توده برای اینکه هیچ "شانسی" از دست ندهد و اگر یکبار به تفصیری در موازات قدرت موجود آمد "سرش سی کلاه" نماید، از حالا "دورا ندیشی" کرده و چرخشی دوباره در مورد لیبرالها موده است کتیا نوری خائن در جلسه "پیش وپس" میگوید:

"همین الان با این که دهها و دهها نامه برای ما میرسد که چرا اعلام نمیکسیم آقای بنی صدر جزو لیبرالهاست. ما از همین کاری استنکاف میکنیم، چون ما برای لیبرالها پایبندیم، بطوریکه و موسسگری شقانی حامی قائل هستیم و هر کسی بگوید "آقا، بنده میخواهم همه چیز را دبا شد که اگر ما لیبرال نیست... ولی ما هیچوقت نگفتیم که لیبرالها را کمالات تبدیل به ضد انقلاب شده اند... (مردم - ۶۰/۱/۱۰ تا کتیا نوری)

ایحس خائن های ارتجاعی که لیبرالها را در ۵۹/۱۱/۱۸ ارتجاعی خواند و کتیا نوری مدعی بود که "هیچوقت نگفتیم که لیبرالها کمالات تبدیل به ضد انقلاب شده اند" فقط ارتجاعی مرخص و سانس با ران شادی خون "حزب خائن توده" و سردمداران حیانتشها ش نظریکات سوری ها سرمی آمد. حزب خائن توده با رهم "سوی کتیا" که نشان داده است. لیبرالها تعرض دامنه داری کرده اند، بنده ها در مقابل حزب جمهوری اسلامی فرار گرفته اند لیبرالهای خائن سرارزش مسلط هستند... و امکان قدرت گیری بیشتر لیبرالها وجود دارد. حزب توده در گذشته حیانت سازش با ران داده که برسد آن کسی است که قدر رسد ما ند. اگر لیبرالها شی چون بارزگان و سربردره و ولست مسلط باشد، حزب توده مجبوراً آنها را میگوید و روز دیگر که مفتح بر میگردد، خائنس حزب توده به آسانسوسی یعنی ها و... میروند، مهم آن است که حزب توده مشتاقاً با رو با و سوزواری ارتجاعی حاکم سوی آن جناح سرود که قدرت بیشتری در حاکمیت دارد.

کتیا نوری خائن که روزی "انقلاب اسلامی" را از سخگومان سوزواری لیبرال "ارتجاعی" معرفی میکند (مردم ۱۸ بهمن ۵۹) خاطر مقام ریاست جمهوری که کسی در حاشیه نیست، میگوید و سرور سمای قدرت گیری آینه شده لیبرالها که از نظر حزب توده یعنی نیست، وی به یکبار "غیر لیبرال" میشود و کتیا نوری سینه اظهار می بردارد. علاوه بر اینکه ارتش باط بسی در روزها ما انقلاب اسلامی سرکشی پوشیده نیست، فقط خائنس فرود پای خون رو بر بیرون نیست های حزب توده متوا سندان واقعت را که کسی صدر در این لیبرالهای خائن و مترجع قرار دارد، گتسان سما به رو بر بیوست های خائن حزب توده، چه خوب این گفته ها سینه لیس را که میگوید: "سپاست رو بر بیوستی عسارت است ارتعیمی روش خود را و امدهای سنا و واقع دیگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز با نشیبات و آرده در حاشیهات سیاسی، هماسوش کردن منافع اساسی پرولتاریا و حاشیهات ملی کلیه رژیم سراسر ما به داری" (ما رکتیسم و روز بیوستیم) در عمل یکبار دیگر واقعت می سفند.

آری! رو بر بیوست ها به "سالا" حتم و خسته اند و حاشیه حزب توده، این سوکران سوزواری، در جهت بیاده کردن اهداف سویال امپریالیسم شوروی، اما ده خدمت به سوزواری اسران هستند آنها خوب آموخته اند که چگونه "ما حوادث روز" تطبیق حاصل سما به، و در این راه خائنس و متوا سندان رکتیسم و کتیا نوری های ضد انقلابی که "ما" حوادث روز "مطبق" با دستما بند.

این چرخش جدید علاوه بر اینکه سوتلیسون

شبه در صفحه ۹

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

مجلس بزم است یا جلسه دادگاه؟

عکسی که ملاحظه می‌کنید از کنگره ۱۰ فروردین است و جلسه دادگاه انقلاب برای رسیدگی به پرونده‌ها سوسی "امیراسطام" را نشان می‌دهد. محمد اسلام محمدی گیلانی در کنار احمد حاج سعید - حوادای و دکتر سجایی و امیراسطام که هر سه



عکس سخنی از جلسه دادگاه امیر اسطام را نشان می‌دهد

مؤدحصرات برایش سرد شده و راه ۸ سال حبس محکوم کردند. همین "دادگاهها" برای یک رفیق هوا دار در مرسوس به آنها نه بیخ ملامت بیگسار و نه سال حبس برنده اند و نه به "سنگ انداختن" در حوادث دانشگاه آوار رفیق احمد سوادین را به اعدام محکوم نمودند. و در مقام جمود صالحنی راه و طلب بحم الدینی را در سر سر به بهای به بحثش اعلامیه سرور کردند. آری، این احکام تند و علاقه خاطر کمونیست بودن این رفقا و دفاعات آن ارماسع کارگران و ریحسکنان سوخته و علت مهرما سوسی دادگاهها مثال درسا دار علوی و سیبند با ساسا نخلج و امیراسطام و... این سوذکسه سال اخره دسده خبر در صف دشمنان زحمتکشان و کمونیستها قرار دادند و حکام شرع باید در برابر کارگران و ریحسکنان، در برابر کمونیستها و انقلابیون دسدهای رهرا گیس خود را به سماش نگذارند و در برابر دسدها در صف دشمنان آنسنان قرار دارند. همچنین صفت شرع باید دست به عمالکتی های حاشی نمان سوسی ساررگاها و امیراسطام ها و... مهر و عطف ستان دهند مگر نه این است که هر دو از سرمایه داران و مدافع آنان اند و باز مگر نه این است که جا خود سسه خود را سسی سرد؟!

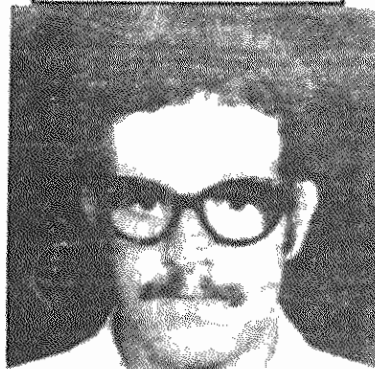
سازمان بیگارد در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۱ ★ ★ ★

و دشمنان مروجه، گمراهی و طبقاتی خود را علیه فرسودگان دلاور خلق نظیر دکتر سرور سرداری، سپهرام، مهدی علوی نوسری، محمود صمدی، سعادت و همه طرفداران کارگران و ریحسکنان میبرند. اینگونه صحبه ها که در "دادگاهها" امیراسطام "تند و سبوسودر" دادگاهها در برابر علوی که برای آمریکائیان و ساواگان، نهاد نخلج ناری ساسوسی سکرد سیرند و در برابر علیرغم آنچه حاشیها که

اگر آن بهیست آزادی همسود و غیر اول و کبیل مجلس شورای اسلامی هم میساخته اند سسه مسود. خبره حدان و خوش و سنی آنها تا نگذردن ساسا صافه خلاد، همسین محمدی و اسالین در هنگام صدور رای اعدام و در سنان سبب به کمونیستها و دیگر انقلابیون مفا سسکسید. همسینان محمدی سل خطا لیلی، حبسی (اوار) همسین (کرمان) موسوی (سرور) و سدها سخواوری سیری و دیگران با جسم

سالگرد شهادت رفیق ناصر توفیق‌میان



۱۸ فروردین ۱۳۵۸، یکشنبه - پس از فراموشی "جمهوری اسلامی" و ساسان مسلح ارتجاع و ساساران سراما به راه سسما شسی کارگران نیکو در اصفاهان بورس سرد و سسده رسادی زحمتی کردندند. رفیق ساسرتوفیقسنان، ارداسجوسان کمونیست دانشگاه اصفاهان که سحاطرفما لسنهای سسکی ساسدر انقلابسینی اش مورد سسما سانی ارتجاع قرار گرفت سسود، در اس راهیمانی با گلوله مزدوران سرمایه سسها دت رسسند رفیق ساسراما رسالین حرمان موسوم سسه

سالروز قیام خیابانی

حاضر ۱۶ فروردین ۱۳۶۰، روز ساسماج - محمد صاسانی را علیه سسما دوار سسماج در سرور سراسمی سمداریم. ساسام صاسانی ساسنگران حبس ساری سس است که سسکت و سسکوت سسین خطفا، آنها را از حرکت سسار ساسی ساسسما ارد و سسسال سسسر سسکتی سسار سسده سسراسام سسار سسسروری سسوده های سسکتی و ریحسکنان است.

سرمقاله...

"عطوفت"، "وحدت" سروری رژیم سسوا سسکسود. سال جدید، سال بگون و ریحوت حبس، سال وحدت دروسی و سسکسما به های قدرت رژیم سسوا سسسود ارتسین روز رژیم سساره ای سسوا سسدهانت که در سال جدید، ارتسین آغاز سساست سسکوت سسودرا کماکان در دستور سسار سسده سسراسر سسین سساست و وحدت دروسی خود، سسرسرا و سسکسیری سسده سسما سسها سس، سس سر سسچ جوانی سسسند.

سالی که در پیش است، ارد سسگاه انقلاب و طبقه کارگر، سال ارتفاع آگاهی سسوده سسها، سسرس سسار سسده طبقاتی و سسال سسصمف و سسلاسی و اسسساط سسار هم سسسرور سسجام کم و سسوط سسسرور سسرا سسیت سسفراد سسوا سسدهود. سسین سسالی سساررگاها!

فرار... ۱۲

فرماندهان سسین ارتش سسسند که سسور سسار و سسکوت خلق کرد راه سسرا سساورده؟ مگر همس فرماندهان ۱۰۰۰۰ سوسی جهت سسب که سسکوری و سسرد سساج و فرمانده سسوز سسروی سسواشی اعلام سسکند که سسصبه های ارتش (کدام سسصبه ها؟) سس سسسطورش اعدام و سسرکازی سسوز سسای سسون سسسی، آرسوده و سساری که در سسرا سسوده سسها سسورت گرفت سساست! سسکسور (سسسطورش کسسور سسما سسدهاران است) سسره و سسادی رده سساست. (انقلاب سسلاسی ۱۱ فروردین ۶۰) در ارتش سسای سسین فرماندهای سسرا ارتسین سسردور سسهم سسا سسوا سسای سسظای و سسهرامی اصصسای سسا سسوده اس - که سسسا سسدهون سسکساری و سسای سسای سسگران سسورت گرفت - سسار سسار سسیمی است. ارتش دست سسورده سسیر سسای سسریکا، سسکسای سسای سسروا سسکسار دست سسشم سسوده های ریحسکنان سسرا سسوز سسال های سسوز سسیر سسالم آمریکا در سسرتکیه "سسه" سسیرند!

★ ★ ★

خط "۳" در اصفاهان سسودیش از سسرتورش سسبه سسازمان سسوا سسشی سسای - سسده سسولوشیک آن سسرتکیه دانت سسها دت رفیق سسار سسرتوفیقان که از اولیس نهادهای سسین کمونیستی سسین اصفاهم سسود، کمونیستها را در طی کردن راه سرخ او کسراه آزادی طبقه کارگر سسود سس سسروا سسوار سسرتکرد. سساین سسرامی و آرمایش جا سسود!

يك نکته پندآمیز!

بکما رديگر چهره واقعي اس حاشيس به خلق و انقلاب را سر مولا مسارد. اسدا به دو مطلب ريريوحه کسد .

"حلقه‌ای از سلسله‌ای آخوسها، قرار است امروز بعد از ظهر در تهران، بدست گروهک های آمریکا شي - ما ثوئسي (سوزه "بيکار" ، "رزمندگان" و "راه کارگر") بحالک انقلاب سرا گردد . " (مردم - سده ۲۳ دی ۵۹) و سسر "مدا انقلاب آنگار، گروهک های آمریکا شي - ما ثوئسي و ... " (ما سحا) وسز "مردم (نماره شنه ۱۸ بهمن ۵۹) نحم عنوان "نوطه مدا انقلاب و ما ثوئسيهاي آمریکا شي براي اجاع آشوب حشني دشمنوسه "جب ماشي هاي" اقليت ما همراهي گروهکهاي، ما ثوئسي - آمریکا شي بنگار و رزمندگان و ... صح ديوروسي درسه آشوب کنادن بهران کرده ... و ... " اس ما ملاح نظ هراب ... حشني ندهوذا انقلاب وما ثوئسي - ما سس اريسين رسوا بندد " (ما گندها ارماس) حرب حاشي سوده دردی وسپس ۵۹ "راه کارگر" و ندا ثيان (اقليت) اراکه اريترارکنندگان نظ هراب ۲۲ دی سوده وسيررفقاي مدا شي (اقليت) که سرگزارکننده نظ هراب ۱۷ بهمي (در بزرگداشت سا هکل وسام بهي) سودسا حرکت ارماس به ارجاعي وواسه حشوه "آمریکا شي" ، "مدا انقلاب آنگار" ، "مدا انقلاب و ... صحوا سدا ما سحا مله کنسرا رکنما هاسدو سرورا که هم "آمریکا شي" سودهو هم "مدا انقلاب" در ديرو "حبهه منخد خلق، حبهه سدا سيرا لسي

کنا سوري حاشي، سر سده ما ندحاس بکمار "حرب سوده" در "طسه پرسش وبا سخ" (۵۹/۱۲/۱) صنن پا سخ به مسودر حوي، ارحلهه مظار لسي همدر مورد "حبهه منخد خلق" که از طرف اس "حزب" علم شده است بيان نموده و در سخني آران گفته است: "در مورد سارمان محاهدین خلق و برحسي گروههاي ديگرا حمله "جریک های اقلیت" ، "راه کارگر" وغيره هم ما کنما کن معتقد سیم، سنا هنگامي که عکس آن ثابت نشود، رهبري واعاي آنها با لقوه در حبهه منخد خلق، حبهه سدا ميربا لسي ودموکراسيک فراردا رسد ... " (مردم - دو شنه ۱۰ فروردین ۶۰ تا کندا رما ست) ايسکه جدا مری باعث شده است که کنما سوري حاشي در مورد رفقاي مدا شي (اقليت) و " راه کارگر" حشني اريزي سي کرده و آنها را ارمسحدين باشوه حرب توده سنا رآورد، قبل اهر جيز سده مواصع سا زمان ندا ثيان (اقليت) و "راه کارگر" سويزه در سر خورد سدر و سوزوسيم خر و سچسي . و سوسيال اميربا لسيم شوروي سرمگردد، ايسدو بغا طر سبر لرات سستما رتا ن نسبت به روسو - نيم - مطلبی که ناراها از سوي ما سآن سرحويه شده است - آنجان "میدی" در دل کنما سوري و حزب حاشي سوده سوجودا ورده اسد که ايس دار و سده مرتجع سوا سدا تها را در "حبهه منخد خلق" اسدا عي خود حاي دهدوا سن مسئلدرگ خط سيري جدی براي رفقاي مدا شي و راه کارگرا ست که علت اس سر خورد کنما سوري حاشي رانه در مشي ومواصع حزب توده سبلکه در ديرو ننگيلات خود و در گرا يثات رويريوسيمي حاکم سراسا زمان سنا جسوسما سبندوتا ديبر شده س فکر چاره سنا سده . اما سنا اس مطلب از سوي "کنا سوري" ،

و دمکراسيک "قرار سدها | علاوه بر ستمين گرايان رويريوسيمي در راه کارگرو ندا ثيان (اقليت) که اساره اريزي سي کا ملا سقاوت سا لازا س حرب سوده (مردم ۶۰/۱/۱۰) داده است و در بنا سآن اسار سده سنا اسدو مطلب متخا سدهو اسکه در سروهاي ديگر نده سسیرما هوي اجاع سده سنا سدهه عقي ردا لت "حزب سوده" وما هسب ارجاعي اس سا ندر سسکارا ست که هر لحظه سوشي مسچر خدوار ۵۹/۱۱/۱۸ تا ۵۹/۱۲/۱ سيرو - ها شي را که ندا انقلاب و "آمریکا شي" سدا سده از "منخدین" خود سندا د سسما سدا ارمسنا ن تمس حورده و طبغاي طبعه کارگرا س سمسوان انظاري داس ت رويريوسست هاي حاشي حرب سوده هسنا سکه در سر خورد سدر سزم سنا هسب حاکمه کنوني سنا داده اسد، براي سحسي اهداب ارجاعي خود حشمت به اري سنا سنا سوسال اميربا لسي تان چاره اي سدا ر سدر اسکه "سا ن راه سرج رور سحر سده" سدا انقلاب و انقلاب مثل هريده سده ديگرا حشني در سده سست و سچدر روبراي اس حاشي سسیرما هسب سدهد، در واقع اس ارماس ارجاعي کار - گرايان سوسال اميربا لسيم در اري سنا سنا سستود که سراجي سوا سدا کنما سي را که در عم آنها "آمریکا شي" و "مدا سلا شي" هسنددر "حبهه سحد" خود حاي دهه .

چرا که اسه براي اس حاشي سسسي کنده اس س فراموشي سیردن سماع آسي و آسي طبعه کارگرو و حرکت اري سنا سنا ي روروي سحوشي ستماع مدا انقلابي خود اري سنا سنا سدا

س اسر مولا سدن حرمان تقسيم بحضبا سرمس سس سروس سدا ن، هسب هفت نفره با سجن اعلامه

بحوربه عتب سسبي نده و سسبم خود را لسو سکنده، اما سدا ر سدر روز سخي ارا راي رايه سروس سدا ن اريو سس وا کندا ر کرده و ا خاره سسر چاره سآنها ميدهد، اس موضوع سحلق سسده دهقانان "حرو سقلي" را سمي اسگيز سده در سسخه سنا ررات آنها ونگا ست ما لکنس چها ر سسر اريدهقانان سسنگر سيشود، دهقانان رحمنکن سحدويکنيا رجه سروي آرا دي رسا سسنا ن در داده سسري سينا سروس سس سسوده، در ا سرتنا ر دهقانان طبعه اي سا حوردهقانان و ملا سوروري

رغس هسب ودا سنا ن سنگل سسود که در آن ملا سوروري سا نهيد دهقانان سگوبه: ريس را سس دادم و هر گيس حرفي سسر سروکار س با ساسه اري سس سا سده. دهقانان سا سسدن اس حرب حشمنگس نده و ملا سوروري را سسب تکت سسر سده. در اسسر سارزات و سقاومت دهقانان، رسا سنا ن آزاد سسوده، سنا ررات دهقانان "حرو علسنا" و "حرو سقلي" سرعليه سوطه هاي سدهه سسي هسب هفت نفره و اگدا ري رسس کنما کن ادا سدا رده .

مبارزات دهقانان نیشابور بر عليه هيئت ۷ نفره واگذاری زمین

سنا سور محضبا سويدون اطلاع دهقانان رحمنکن اراضي مذکور را سس ۶ سفا ر سروسندان محل تقسيم ميکنده و سعيدي ميکنده که ا رطري جهاد سارنگي سنا م سسضعسن براي آنها س طبعه چا سزا حدات کند، ا مرادی که هسب هفت نفره رسنا ر اسس آنها تقسيم سکنده سرج زيسو مي ساشد: سح مادي وشيخ عبدالله ما م جمعه - هاي "حرو" ، حاج حشني خد اقلي، حاج سيران - قدمباري، حاج مادي مرتدلو، حاج عبدالوهاب سساري دهقانان "حرو علسنا" سحس اطلاع اري سس جريان ما هم سسده نده و در محل کار هسب س متحصن سسوده، آنها بدون سسخه سسري اري سس سس استا سدا ري خراسان رسه وسس سا سراجعه سسده رور سنا "خراسان" در حشدي حرمان را از رور سنا م مذکور خوا سار سيشود .

سدا سال او سسري سارزات دهقاسي در سراسايران وسر سس انقلابي آنها براي سدا رده و تقسيم رسنيهاي دولتي و مالگي سس خود ر سيم جمهوري اسلامي، صنن سركوب حشنيهاي دهقاسي دست به فرم زده و سا ايجا دهشنيهاي هفت نفره واگدا ري رسس درسي آرام گيردا سیدن سارزات دهقاسي سراسده، هسب هفت نفره سسکل از سسره - خوران ر سيم، سنا س ما هسب طبغاي خود، در حمايت از رسينداران، سا سحلقههاي دهقاسي در اکثر سقا ط ايران مواحه سده، چه اسن هسبها ر فرم ادعائي ر سيم را سمي سوا سسند سدون فرسب دهقانان و سسنياسي اوسنا فح زمينداران و مالگي اسحا مدهد، آنچه که ملاحظه سسکنده گوشاي ارمسگردهاي سدههقاسي هسب هفت نفره در روستاي "حرو علسنا" در سنا سسور و سبارزات دهقانان بر عليه فرسب سار سهاي اسن هسب سس ساشد:

در تاريخ ديمه ۵۹ دهقانان سس رسس "حرو علسنا" سا سحا دو هسب سسكي خود، سوطه هاي فرسب سار س هسب هفت نفره را حشني کرده سسده، سريان از اسن فرار سوده که حدود ۱۰۰۰۰ هکنسار زمين سدا ملاح ملي شده در اراسي "اکبر آساده" رلگي و "اردو سخن" سوجودا ست، هسب هفت نفره

مقاله آموزشی (قسمت اول)

بحثی پیرامون دموکراسی

دموکراتیسم کاذب، دموکراتیسم ناپیگیر و دموکراتیسم پیگیر

بر مردم ما سود و زیاده بیسته تلاش منکرده اند تا آن
مشارکت را در اختیار مردم و در حقیقت مشارکت را
خاموش کنند، ما بیطرفت مشارکت را در اختیار مردم
و غرضی شدن در هر جنبش سلطه شاه و امپریالیست
شمارگان و در حقیقت مشارکت را در اختیار مردم
بنواستند تا موج حسینی سوار شود و ما مع
بیطرفت آن شده و خود را در قدرت برسد و سر جای

خواهند شد، ما نانی را که انقلاب دموکراتیک و
صدا میریالیستی ما در رابطه ما آن، پیش روسا
گدا شده است، با روش سیاسی درک ما شایم، و این
خود بخش میهنی از حل مسئله است.
حال، با درک اهمیت دینمایی به شما حس
صحیح از مسئله (دموکراسی)، ما این پرسش می -
برداریم که "دموکراسی چیست؟"

آیا بر اساسی همه طبقات و اقشار مختلف و خواهان آزادی و دموکراسی می باشند؟
آیا توقع و خواست همه طبقات از "دموکراسی" یک چیز است؟

دموکراسی چیست؟

لغت (دموکراسی) در سران ریجبه عنوان
(حاکمیت مردم) معنا شده است. اما لفظ مردم
نشانگر چیست؟ آیا مردم، یک توده ای شکل است
و یا محتما می دارد؟ "حاکمیت (مردم)" چگونه
در "دموکراسی" های موجود در تاریخ تحقق می -
پذیرفته است؟
سرای با سخوشی ما این سؤالات سرگشت
مختصری به تاریخ، ضروری است:

در آغاز، هنگامی که جامعه هنوز به طبقات
تقسیم نشده بود، دموکراسی بصورت کاملی برقرار
بود. جماعات شری در آن دوران، به شکل
دموکراتیکی سازمان یافته بودند. همه اعضای
جماعت (سره، شیلو و...) در شورا های عمومی
شکل کاملاً برابر، در ساره، مالیت های مشترک
خوش، تصمیم می گرفتند. همه صلح بودند و
امور را به متوسط تمامی مردم، اداره می کردند.
هر در یک انگلیس این دموکراسی کامل ابتدائی
را نشان می دهد. حاشی تصویر می کند: "... و این
ساحت تیره ای، با تمام سادگی کودکان خوش،
چه شگرف است! همه امور - بدون سرازرها،
ژاندارها با پلیس خوشی می جوشد، بدون سضا،
پادشاهان، حکام، والی ها با قاضی ها، بدون
رئسان ها بدون حاکمات، تمام دعوا ها
منازعات توسط همه کسانی که به آنها رسوا
است، تیره با قسله، با هر تیره در میان خود -
حل می شوند... خانه بصورت اشتراکی و کمونیست
- و توسط مقداری خانوار اداره می شده، زمین
ملک قسله است، فقط باغ های کوچک بطور

حکومت بهلوی بنسندنا ما سدگده سرما به -
داران سواست طبقه کارگر و توده راجتکش را
استعمار کنند، اما کارگران و راجتکش را خواهان
سرگوشی شاه و سرگوشی دولت سرما به داران و
قطع دست امپریالیسم ارتشورما و خواهان رفاه
و آزادی برای کارگران و همه راجتکش را نخست
سرمواستند و بودند. در همین زمان رهبران
خرده سوزواری مرده غلبرما که مخالف شاه و
سلطنت او بودند، شدیداً مخالف قدرت گیری
کارگران و راجتکش بودند و او را سرما به -
داران دعوا می کردند. انقلاب کناره گدس
سرگی را به کارگران و راجتکش را با موحت:
ارخرفها و شمارهای مشترک با بدچسب ششده -
گیری بودند که خواستهای و ماسع تیر، مشترک
است. اگر چسب کسب، در سطح و قایم سوفسب
شده ام. برای دست یافتن به درک عمیق و
صحیح از وضعیت و ماسع طبقات مختلف، بطور
تحلیل از وضعیت و ماسع طبقات مختلف، بطور
کسب که هدف ما است و سواست مشارکت برای
این شمارها، ما همگی است یا نه؟ و در صورت
یکی بودن، ما کجا و ارچه چسب یکی است؟ تنها
راه تشخیص وضعیت تحلیل طبقاتی است. چرا
که هر طبقه ای هنگامی که شمار و خواسته ای را
مطرح می سازد، بر اساس ماسع و سبازهای مشخص
خود می سازد. ما برای تنها شناختن این
ماسع است که ما نشان می دهیم، آن طبقه یا
فشار اجتماعی چه هدفی از طرح شمار مشخص دارد؟
و ارچه چسب این شمار را مطرح می نماید؟ تنها
کجا به خاطر تحقق این خواسته و شمار سباز می کند؟
هرگاه ما چسب روشی، یعنی ما تنها روش
علمی به مسئله "دموکراسی" را فرود ما شایم، قادر

بر خوردن موضوع دموکراسی و روش طبقات
مختلف نسبت به آن، در ساسی انقلابات دوران
مماس، همواره یکی از مسائل اساسی و مسود
بحث بوده است. حاصه در جوامع طبقاتی
امپریالیسم، ما سدگوشما، که بوده و سببی از
"سوزو و دموکرات" ما سببی بحث عظیمی از
خرده سوزواری، در صفت انقلاب حرکت می کنند،
بیطرفت انقلاب در هر گام خود این مسئله مهم را
مطرح می سازد. این واقعیت، هم اکنون در
رشدگی روزا ما خود را به روش شریب تکلیسی
نشان می دهد. امروز ما همه می گوییم که همه کس،
همه طبقات و اقشار را آزادی و دموکراسی حق
می گویند. توده مردم خواهان سرفزاری دموکراسی
هستند و هر دو جناح حکومت، یعنی مدر و چسب
جمهوری املایی ادعا می کنند که ماسع حقوقی
شده و راجتکش هستند و ماسع در حال حاضر که
ما هیبت حزب جمهوری سباز ریش برای مردم
اعضاء شده جناح سبب مدر ما آزادی و دموکراسی
میرسد. حال مسئله مهمی که انقلاب در پیش روی
ما می گذارد چسب است:

اولاً: آیا بر اساسی همه طبقات و اقشار مختلف
جامعه، خواهان آزادی و دموکراسی می باشد؟
ثانیاً: آیا توقع و خواست همه طبقات از
"دموکراسی" یک چیز است؟
تجربه خوشین تمام، این درس بزرگ را به ما
آموزت که: هیچگاه از حرفها و شمارهای مشترک
سباده سبده گیری کسب که ماسع هم مشترک است
در مشارکت طبقاتی مرا حلی می رسد که طبقات و
اقشار مختلف شمارهای مشترکی را در صفت
مشارکت بر ما می رسد، اما هرگاه ما مانده اس
واقعیت ما این نتیجه بر سبب که هدفها و ماسع
آنان سرگوشی است، مسلماً دچار سباده سببی
محسب گشته اس. قبل از فاسب سبب ما را سباز
سباز و سبب: در جریان انقلاب شمار طبقات و اقشار
مختلف ما همه سبب گره خوردند. کارگران و
دهقانان، کارمندان - کاسبها، دهان سبب و
دانش آموزان بر ما سبب زدند: شاه ما سبب سبب
شود. ما طالب جمهوری، استقلال و آزادی هستیم.
هنگامی که مشارکت و سبب و سبب و سبب
سلطنت و اسب به ما امپریالیسم را سبب
رما می که مسلم شاه حاشن مظمار سبب است و
"یک پای سلطنت سبب" ما بزرگان ها و
سبب ما، سوزو امپریالیسم سبب سبب
آمدند و ماسع طاسه شمار دادند: "ما به سبب".
آبازاری و ماسع سبب سبب سبب
سبب گرفت که: خواستها و اهداف سوزو -
سببها، ما خواستهای کارگران و راجتکش
یکی بود؟ هر دو این گروه ها سرگوشی شاه
یک خواسته و هدف را دنبال می نمودند؟
رشدگی نشان داد که هر گرا سبب سبب
است. سرما به داران سبب که هر گرا سبب
سرگوشی رژیم ما سبب بودی سبب امپریالیسم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

موقت در اختیار خوارها گذاشته می شود .
معینا حتی یک ذره زدنگاه آداری و بیچسبده
ما ضرورت پیدای می کند . طرهمین یک قضیه در
مورد آن تصمیم بگیرند و در سببتر موارد ، رسوم
دیربای کهنسال همه چیز را تنظیم کرده است .
فرد محتاج نمی تواند وجود داشته باشد . خانوار
کمونیستی و تیره بوط باف خود در قبایل پسران ،
سپاران و معلولین جنگ عمل میکنند . همه
آزاد و برابر هستند . منجمله رنان . هنوز نه
حاشی برای برده ها وجود دارد و نه علی القاعده
برای انقیاد قباثل سگانه . " این جنبش
دمکراسی ، سرچه پایه های اعتمادی بنا شده
بود ؟

"ماحت تیره های در شکوفاشی کامل ، متفلسفین
یک شکل بی نهایت عقب افتاده تولید بود .
یعنی یک جمعیت فوق العاده کم ، برانگنده در
یک سرزمین وسیع ، و بنا براین علیه کامل
طبیعت خارجی برانسان - که برای او بیگانه -
مخالف و غیرقابل فهم بود . . . قبیله ، برانسان
- در رابطه با خودش و نیز در رابطه با بیگانگان
بود . قبیله ، تیره و نیا دهای آنها ، مقدس و
تلفظی نا پذیر بوده اند . یک قدرت عالیله ، که
بوسیله طبیعت بنا شده بود . و مرد در احسان ،
بنده را روگردار خود ، مطلقا تابع آن بود . اگر چه
خلق های این عصر ممکن است شگفت انگیز
بنمایند ، آنها بهیچ وجه تنها بر نیا مته بودند .
هما نظوری که ما رکن میگوید . " آنها هنوز نه
سدن ف جماعت بدوی متحمل اند " (۱)

۱ این دموکراسی کامل وابنداشی همچنانکه
انگلس بیان می نماید برپا به (نیوه تولید)
بی نهایت عقب مانده ای استوار بود که مالکیت
اشتراکی را اجتناب نا پذیر می نمود . بر اساس
سطح نا چیز تکامل نیروهای مولد ، ابزارهای
ابتدائی و منابع معاش محدود انسان (گردآوری
و تکار) ، کار مشترک همه نیروهای جامعه ضروری
میگشت . زمین و تمامی ثروت های آن مشترک
موردا استفاده قرار میگرفت . تمامی ثروت و
اموال موجود متعلق به (گمون) بود ، در نتیجه
طبعاً ثمرات این مالکیت مشترک و کار تولید
مشترک به طور مشترک تقسیم میشد و طبقات و بهره
- کشی وجود نداشت (و نمی توانست وجود داشته
باشد) . نیا دهای دمکراسی شورائی برپا یسه
چنین مناسبات تولیدی بنا نهاده شده بود . در
یک کلام آن چنان دموکراسی ساده ، کامل و
ابتدائی روینا شی بود که برچنان زیر بنای
استوار گشته بود .

با رشد نیروهای مولده و پیدایش تقسیم کار ،
مالکیت عمومی پدید آمد و جوانه های اختلاف در
ثروت و موقعیت ظاهر شد ، طبقات در عرصه جامعه
ظاهر شدند . مردم به دسته های مجزا تقسیم گشتند ،
و در رابطه با تولید نقش و مقام متفاوتی را اشغال
کردند . بر اساس ضرورت تاریخ ، برده داری بسه
جای کمونیسم اولیه نشست و جامعه به بردگان و
برده داران تقسیم شده ثروتمندان استعمارگر و

مغرای استعمار شوند و پدید آمدند . اما طبقات
با مافع متضاد میبایستند با یکدیگر تضادی
سازنده باشد ؟ خیر . ما رده مداوم و آشکارمان
طبقات رودرپروا اجتناب نا پذیر بود . سه این -
ترتیب " لازم نگه قدرتی وجود آنکه در ظاهر
بر سرچا همه با بسند با سرچو درها را تحفیف دهند
و آن را در محدوده " نظم " بنا دارند . و این قدرت
که ازها همه بر میخیزد ولی خود را بر سر آن فرار
میدهد ، و خود را بیش از پیش از آن سگانه میکند
دولت است " (۲)

دولت - این قدرت عمومی مسلمان دیگر
نمی توانست همان " سازمان مسلح خودکام
خلق " باشد ، زیرا با تقسیم جامعه به طبقات ،
اینگار غیر ممکن شده بود . سه براس رنده رنده
ارزش پدید آمد . (مالیات) ها وضع شد ، فوا سس
چاری گشت ، و مفا مات آداری در مفا اجرا کننده
و کنترل کننده فوا سس ظاهر شدند . دولت سه
دستگاه های آداری و مسلح خود سهوا ن " یک
سپروی سوم " در جامعه ظاهر گشت که وظیفه برقراری
" نظم " را بر عهده گرفت . اما " دولت " که از بساد
و ساز ز طبقاتی بر چا سته بود ، مسلمان دولت
طبقه قوی نیرو از نظر اقتدای مسلط ، مسعود .
طبقه ای که قدرت اقتدای را در دست داشت و
از طریق دولت ، قدرت سیاسی را هم در جنگ خود
میگرفت ، اکنون دولت نما بنده " عمومی " جامعه
و با مصلاح نما با سگر (حاکمیت مردم) بود . اما
مردم به طبقات تقسیم گشته بودند و (حاکمیت)
نیربا لاجبار میبومی کامل طبقاتی نایند بود
بدیگونی است که تاریخ بیان میکند : در

دموکراسی برده داری یونان با ساس ، بردگان
از همه حقوق مدنی و سیاسی محروم بودند .
برابری ، حق رای و انتخاب برای بردگان
مفهومی نداشت . دولت دموکراتیک برده داری ،
دمکراسی متعلق به تمامی طبقه برده داری و
در مقابل آن دولت استبدادی برده داری ، دولتی
بود متعلق به یک گروه از برده داران که
منفردترین و بر سرمدترین آنان بود و اسداد
خود را بر کل جامعه حمل می نمود . در واقع
این " گونه دولت " دموکراسی برده داری و
استبداد (اولگارشی) برده داری ، دو شکل
حکومتی بودند که محتوای هر دو آنان را اساسا
میسنی سر بهره کشی ار کار بردگان و حاکمیت
برده داران تشکیل میداد .

با جایگزین شدن نظام تولید خود االیسی
برجای نظام برده داری ، ساخت اجتماعی نیز
دچار تغییر گشت و مفا سق با آن شکل و مفا ختمان
دولت نیز تغییر کرد . محلی بودن ، پراکننده
بودن و خودکفا بودن تولید در نظام تولید خود االیسی ،
وجود تمهیدات خدمت اجباری دهقانان بسسه
مالکان ، مالکان کوچک به مالکان نیرومندتر
و . . . سلسله مراتبی راه وجود آورده بود که یکی
ار مشیعات اصلی سازمان سیاسی و دولتی را در

(۳) نمونه دمکراسی برده داری ، آتن و البکارشی
برده داری ، اسپارت .

دوران نشو و نما تکامل میداد . سلسله مراتب
(دموکراسی) و استبداد که لازمه سده کشیدن
دهقانان بر زمینهای آریانان بود (دهقانانی
که دیگر برده نبودند) ، ویژگی های دستگاه
دولتی خود االیسی بود که محور " دموکراسی برده -
داری " را احساب نا پذیر می نمود .

نارند از اتولید و وسیع نشدن تقسیم کار
و پیدایش سرمایه داری ، انقلاب عظیمی در جامعه
صورت گرفت که تمامی اعتبارات و مفا سسات
جامعه خود االیسی را با خود کرد . سه - سوزواری
" دمکراسی " را در مفا سل استبداد پیوسته خود االیسی
عمره کرد . خواهان برقراری جمهوری (دموکراتیک)
کردند . دمکراسی سوزواری ، در رویداد خود
سکامل و متکا ملتشد ، تا آنجا که طاهرا هرگونه
سما رهای سیاسی را از میان برداشت . اگر در
" دمکراسی " برده داری کامل روشن و مشخص بود
که بردگان از حقوق سیاسی محروم بودند و لیس
" دموکراسیک " ، جامعه طبقه برده دارانست ،
اگر در دولت خود االیسی فرون وسطی ، کامل آنکار
بود که سیران قدرت سیاسی در رابطه مستقیم
با مقدار زمین تحت شلک است ، در کا ملتتری و
بیرنده سرین جمهوری دمکراسیک سرمایه داری
اس سما رات بنجم نمی خورد . حق رای عمومی
و همگانی است و دولت طاهرا از طریق اسحات
عمگانی تعیین میگردد . حقوق سیاسی مسردم
طاهرا در مقابل ناسون ، مساوی طعمدا میخورد و
گونا همگان در قبائل ناسون با یکدیگر مساوی و
برابرسند . اس اس طاهرا دمکراسی سوزواری ،
(در رابطه با مفا سسات) در ادامه مفا ناه سسین
خواهم گفت) .

حال زمان آن رسیده است که تریف مشخصی
(دموکراسی) را بسسه بگیریم : " دمکراسی شکلی
اردولت است " (۳) و " دمکراسی با تبعیت اقلیت
از اکثریت هما سدیست . دموکراسی عتارت از
دولتی است که سبب اقلیت از اکثریت را
تحدیق دارد ، یعنی سازمانی است برای اعمال
قوه قهریه سسنا سیک یک طبقه بر طبقه دیگر ،
یعنی سخی آراهالی سرخش دیگر " (۴) (تا کید
- ا با خود لیس است) .

بر اساس این تریف مشخصی و دقیق از
(دموکراسی) ، کا ملا روشی میگردد که سراسر
ساخت ما هیت (دمکراسی) ، میباید محتوای آن
شکافنه گردد . چرا که بررسی شکل ، بدون بررسی
محتوای آن ، هیچگاه واقعتا راسان نخواهد
داد . یک جمهوری دمکراتیک ، یک شکل حکومتی
است . ما هیت دمکراسی آن چگونه روشن میگردد ؟
با شکافتن محتوای این جمهوری .

شکافتن محتوای یک دولت و حکومت چگونه
صورت میگیرد ؟ با این طریق که مشعر ما شیم ،
آن دولت ، ارگان سلطه چه طبقه و با طبقه
میباشد ؟ بنا براین ، هنگامی که مسئله دمکراسی
 مطرح میگردد ، ملاحظه این سثوال در پیش روی
ما قرار میگیرد : چگونه دمکراسی ای ؟ دمکراسی
 چه طبقه ای ؟ چرا که " اگر فکرسلم و تاریخ را
 بغضه در صفحه ۸

پیکار

هدف بورژوازی از بحث آزاد

علیه هر دو جناح ارتجاعی به سیخ آنها سرگرد
شعارهای انقلابی سپردا زد، عمدتاً در مقابل
حزب جمهوری اسلامی فرار گرفته و این حزب
مرتجع را تنها مسئول نا سامانی ها و سراسر
سخت زندگی خود و فقدان اولسه ترین حقوق
اجتماعی و سیاسی میداند.

اما وحکمی فرانسده با رمانی خوده ها
سنت به رژیم - حتی اگر مساعلی حمله آن
ظرف بگ جناح ما شد - کل رژیم را در سینه
منافع هر دو جناح را در سینه با سطر می اندازد
و سهمین جهت در ساسه های آیت الله خمینی
در سر خوردن ما توده ها و سربوهای سیاسی حرضی
بجنم سحوره، احمراسی مدیرین ارتباطات ما
حمیمی ارفول وی گفته است:

"ما لسه سوم مربوط مستند همن سخت آزادی
که ما گروهها را دعوت کرده بودیم و ایشان پرسیده
که در چه مرحله است و اسها ما سده و سخت کشند که
البتنه من گفتیم اسها عوام نمکنند " که ما اسبت
نداریم " گفتند: چترجه آسها امنیت دارنند،
ما سده عرضان را بر سده و چرا هم دلشان خواست

ما همواره گفته ایم که دو جناح ارتجاعی
رژیم جمهوری اسلامی، بدون اینکه در سرکوب
شده ها، سربوهای کمونیستی و انقلابی و خلق -
های غیرمان انقلابی سس آنها وجود داشته اند
اردو نبویه سنها و سسرای ادا مه سرکوب و استعمار
شده ها اسفا ده میکنند، سنی صدر خاش در حالیکه
دستی آغشته خون خلق های غیرمان کرد و
نرکین و دانشجویان انقلابی دا سگا سها ست،
در کنار سرکوب، هرگز نبویه "نان قندی" را سسر
بر او سوش بکرده است در حالیکه جناح خیانت بسته
حزب جمهوری اسلامی سحرانه سرکوب و اجتنای
دلستنه است و البته ساست اجریمورد ساست
همسنگی آست الله خمینی فرار داسه و ار حاسب
وی سسرا عمل نده است.

او حکمی حمنی اعلائی شده ها و افزاش
با رمانی شده ها سبت به رژیم جمهوری اسلامی
که در انر سکا سها وساست های سکا را سسه
لسرالهای خاش در "آر ادبخواه" ساسشی
سروا سده ها سوس می محبوش که سنی صدر
خاش و دیگر همبالیگی های مد انقلابی اش در
مورد سکنجه، جماعتاری، سانسور و آزادی سسراه
اسدا حنند، لسه سسرا آن مسوچه جناح حزب جمهوری
اسلامی گردید، و در سینه شده ها ای سا آگاه در
انتر نلسانت سسرت کارا سله لسرالها و سسودن
بک سطب کمونیستی نوی که ما موسسگری عا طع

بعداً رحمت برونند "سپس سنی صدر آفا فه میکنند :
" اما سوارم که همه این فرصت را غنیمت شمارند
کشور ما در بیک موقعیت و وضعیتی است که اگر
فرصتی که سسرای حل مسائل کشور از راه
آزادی داریم... اس فرصت را سسرای این کار
از دست ندهیم، دیگر معلوم سبت که در آینه سده
شردیک فرصت سبت سبیا وریم، سنا سسرای حاضر
سشوند و در این سسها شرکت کنند... نا بلکسه
شرایط جوا حمنی ما بیک حوآرا موسالیمو آ ماده
سرای حرکت سازنده سسل امروز سشود" (اطلاعات
۱۵ فروردین).

البتنه علاوه سسربوهای مد انقلابی نظیر
"امت"، "خاشمن"، "توده ای" و "اکثریتی"... که
اراس "است" سر خوردا ره ستنند، سسوروازی
کوشش میکنند تا سسروی اسن نکته سربوهای
سسر لری سطر ما هدین را سوسی حود بکشاند و
با آنها سگفتگوی مستقیم سسند. اس مطلب
سنا سگرو حننت سبیا سها که از رشد سنا رما سبتنی
شده ها و کوشش ارتجاعی آنان برای سسکردن
حنش شده ها و سده انحراف کشیدن آن سبیا شد،
آیت الله خمینی که سرکوب هر مخالفی را سخت
با م سرکوب "کفار" لازم واجب سسورد و حننی
حاضر سشود لسرالهای خاش "حسبه سلی" را سسز
سحل کند و میگفت "سرو سسک سشوند" حالا در اثر
بقیه در صفحه ۳۰

سالگرد شهادت رهبران خلق کرد



دهم فروردین اسال، سباده سسوسی و
چهارمین سالگرد شهادت قاضی محمد، سدر قاضی
و محمد حسین سس قاضی رهبران حنش کردستان
در سالهای سسبت رژیم و سسسته سها سسریا سسسم
شاه حلاهد سس اس سرکوب خلق کرد و "جمه سوری
کردستان"، اسن سده ره خلق کسسر در ادر روز
۱۵ فروردین ۱۳۳۶ در سها سباده آرا و سبت.
سی و چهار سال پس از شهادت قاضی محمد و
ساراش، خلق دلوا کرد سدا در سسگری از گذشتنه
براختنا رو برن سب و فرار حود سها قدمهای اسنوار
سرد روا ره های انقلاب سز دیک سمش سسودودر
کوهستانهای همیشه سسروز کردستان سها سها
دلوری می آفرینند.
سادههان خلق کردگراسی سباده!

آسها، در جهت حفظ منافع طبقاتی ارتجاعی
خود، سس حنش انقلابی حننهای ایران سسسه
وارد آورد. در تار سح حننهای کمونیستی و
دمکراتیک جهان و ایران با سسویه های فراوانی
از نلسنهای ارتجاعی طبقات حاکمه مرتجع روبرو
هسنیم که سگو سده رطریق سسود سسربوهای سسارز
و کمونیست سوا سسته اسده سسات حدی سسریکسر
حنش های کارگری و انقلابی وارد آوردند. از
اسرو بکی اروپا سب سسلسن و اعما سزا سها
و گروههای کمونیستی و انقلابی، سساری آنان
سرای مقالله ساولنه های رژیم جمهوری اسلامی
ار طریق سسودن اسن عوامل و مردور اسش در اسن
سربو سست، سخص مرتجع و اسلازی که عکسش را
می سسبند بکی از اسوا سسان جمهوری اسلامی و س
احتمال زباده سب سدار سسما سبده است، که در سسول
چده ما گذشته سسما و سب مختلف سسده سسود در
سنگلات رفقای هوادار را داده ولی در اثر
سر خوردنهای سسبارانه و انقلابی رفقا سسرت سسه
سنگ خورده است.

اسن مردوران اسنار طریق خرید سسریسه و
کسک مالی و... اظهار سسما بل و علاقه سب ما زمان -
های انقلابی و کمونیستی سسوده و سسب کوشش
می سباید که ز سسبه سسره خود را در اسن سربو سها
سوجود سبیا و رندا ما ساندکی سسباری انقلابی و
سار بر سسز گرفتن حرکات و اعمال آنها سسبتوان
و با بداس مزدوران را سسنا سساشی و سسب سسره
حاشنکا روحانبت سسبه سساشن را افشا کرد.

مزدوران ارتجاع را در رهلباسی افشا کنیم!

سده اسبه مبارزین کمونیست و انقلابی!



ارتجاع سرای مقالله سها سسناهای سسرو -
های انقلابی و کمونیستی علاوه سسشوه سهای
راسج سرکوب و سسز سسره گیری از کسک سهای
"سی ساشه"، "رو بر سسبت" های خاش "توده ای"
و "اکثریت" و... از طریق سسودن سزا سهای
کمونیستی و انقلابی سسکوندن ساسنا سسشی
سعالین اسن سربو ها و اطلاع ار کم و کسب سعالین

سابقه از صفحه ۲۲ ۱۲ فروردین ...

"حسد" ما امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست های عربی "نموده" داده شد. ملاقاتهای سری بین بهیسی ها با سرکارها، بپردی ها و و نمایندگان امپریالیسم در ایران، رد و ارتداد تحت وزیر "انقلابی" سه ملاقات سرزیم گیتی شناخت و فوکل و فرارهای جدید گذاشته شد. سفارتات خریدار سلاح از آمریکا مجدداً داده شدند اسناد غارتگرا به متوسط به سلطه امپریالیسم آمریکا بر ایران ساییدند و از زیدت خودهای رجمکش پیمان نگهداشته شد. روابط سیاسی - اقتصادی با سوئال امپریالیسم روس و کشورهای شوروا و ریبوسیستی زبان خلفهای ایران ساختت بشتری ادامه یافت. کجای کارشامان آمریکا شی را کارشامان آلمان شرقی و گرفتند، ارش تا هسانی سررسد با سازی خود هر ما بدهان آمریکا شی که در روس کشتارهای وحشانه ۱۷ شهریور تهران، انجمن، سربیز و فراردا نند، بظهور نرسیدند و خاشیسی چون فرعی، نرمد، تا کروا لاجیره فلاحی مردود را مل کشتار مردم شیراز (حتی دو روبریس از قیام سپهمن) در روس ارش "اسلام آورده" قرار گرفتند. سرخی فرماندهان مردود ارش دست به کودتا زدند و ملی مجدداً مورد "قبو" بران گرفتند. مقامات و وابسته به رژیم تا همزن و آوان امپریالیسم در مقام خود اسفاده نند و مجدداً سه خلفهای ستمکش ما محمیل شد. ما سوان سیاسی ارتجاعی دست بخت "حرکان" خاکم بر سر نونند زوده ها کشت و
و بالاخره در شش ماهه اخیر ما در گرفتن جنگ ارتجاعی که در نتیجه ما هیبت و ساسه سببهای ارتجاعی شوروا و ای خاکم بر ایران و عراق و بنانه هوست و اراده شوریم مرتجع ایران و عراق سرزیمتکنان دو کشور تمهیل شده است زوده های سببزاری کشته و محروح شدند و قطعی گوانی، بیگاری، فقر و فلاکت و چندی سر سر شد و بیش از ۱/۵ میلیون نفر از مردم رجمتکنش خوزستان و غرب کشور آواره شهرها و سمانان هسا گشتند. این رجمتکنان آواره جنگ، به سببها عزیزان خود، خانه و گنا نا نه و کار روزیگی خود را از دست دادند بلکه با بدترین بیعت ها و حملات رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش روبرو شده و ساسه کوچکترین اعتراضی با زندان و قطع دستبرد نا چیز و برهیدت و غذا و با سح داده میشود. اما در مقابل ای همه حسانت و حیاسرت رژیم جمهوری اسلامی که هر دو جناح ارتجاعی آن "حزب جمهوری اسلامی" و لیبرالهای حاشان در آن سپهیم بوده و ما در حات مختلف از حمایت و پشتیبانی سیدریخ آیت الله خمینی نیز برخوردار بودند و تمام عملکردهایشان با تا کید خمینی بوده است، زوده های رجمتکنش و خلفهای قهرمانان ایسران بکدام زره و بیگاری با پیمان دید، عملکردها و سیاستهای حیانت با روحنا ستکارا شوریم جمهوری اسلامی و همراهان آن افشاگر به سببها و فعالیتهای آگاهگرا به کمونیست ها و سروهای

انقلابی، زوده ها را در سار زره ای او جگر نرسد علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم به حرکت تا ریحنا زوا داشت. و علیه مردم سرگوشا و کشتارها زیدانها و خاشیهای "اس" شکسته ها و سراسازانها و جنش انقلابی زوده های قهرمان خلفهای ایران اوج منگرد و به بیعت مننا رد و کمونیستهای پیگیر ما لاجه در راه مبارک انقلاب سر رسند.

آری در سو سال حاکمیت جمهوری اسلامی جنش انقلابی زوده ها روندا انقلابی خسود را همچنان به پیش بردند است. نسبت مسلمون و ادبی رأی به جمهوری اسلامی (در ۱۰ فروردین ۵۸) همچنان با رجه نندن زوده ها سسر سرولی طی کرده و فقط سر ارتکال در انجمنات مجلس شورای اسلامی به کمتر ارتف رسیده (آن اکثریت ۹۸ درصدی چه رود شکست، اسامه ما سه

و مطلقاً سد سال ما نورهای سظا هر "مسند امپریالیستی" و "مذا آمریکا شی" سردمداران رژیم امت بسی دانست، سرفزاسنده و اعتلاشی دانسته است.

امروز اگر چه زوده های سباری نسبت به حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی شکسته است، امروز اگر چه سروهای کمونیست و دمکرات ارتفود گسرتده سری سر خوردا رنده اند، ولی همچنان به سست بندان آلترنا سس و کمونیستی قدر رسند و عدم خود آگاهی انقلابی در میان زوده های وسیع خلق و سیر به لب لب عملکردهای ارتجاعی آنکارا و عربان حزسها، زوده های فاسل توحی نسبت به لیبرالها زوده دارند. اما بروا صیح است که این زوده ما نسبت زودهی که در همان اسناد است به رژیم خسود

اطهاری زوده های زحمتکنان زمان زهادی لازم نبود که خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بیابند، زوده های مبارز در مقابل خواستههایی که بها طران رژیم شاه جلا در اسرنگسون ساخته بودند با سرکوب و گلوله پاسداران سرمایه مواجه شدند.

همان آما رژیم ما ساسنا تمام سببها و حقه ماری - های معمول در آن و اس آما ر خود سنا سکرانت قابل ملاحظه با رژیم وارد است دادن طرفداران جمهوری اسلامی و سار سیاسی وسیع زوده های مردم است.

سردمداران جمهوری اسلامی، سراس واقعت و امتدوس و بهیسی جهت سرای حفظ و سحکیم حاکمیت خود هر گرد است ارتف و طئه و دسسه و سر سکراری سر سنا شده است. ارتفله سنا هس گذرا به حرکان اسعال سفارت که در هر رجب قدرت سسین حاشای خاکم بر سراسی احراف جنش انقلابی زوده ها صورت گرفت اما رانانت بسی جنس در آن مطلق زمانی مواجه سنا ردا ما آزادی هما حبا سرگروگانهای حاسوس آمریکا سسی و سدسال آن آزادی حاسومان انگلیسی ستر از پیش چهره و اسمی رژیم ما سه زوده ها ساسا سده و درسی نظریات کمونیستهای بیگسرا در اسواورد اسانات کرده و او جگری جنش راندمال داشت. هما سظو که سار رعت جنش خلفهای قهرمان ایران سزد و سواردی که سظو سرفسی

داشت شکسته است، سراسک سیری ارتجاعی هرگز و هرگز سببنا سده حواسهای عادلانه کارگران و رجمتکنان ساح دده و به سسین خاطر خوشاوری ها و شوهمانی که سنا سه عدم آگاهی انقلابی است طی یک رود شکسته خواهد شد هما سظو که نسبت مسلمون رای ده سده در فروردین ۵۸ امروز به سبب س چشمگیری کاشتر ساسنا است، زوده سست به لیبرالها سر خواهه شکست، اما اسن اسرا گرا زیکوسیستی به نحر به مستقیم خود زوده ها دارا روی دیگر اسنا سه رند و سوسه کار آگاهگرا به کمونیستها نسبت به رژیم مرتجع خاکم بر شوروا و وهه نوکتران آن سسی روبرو نیست های ریکاریک ما سده سرت بوده حاشی و حرکیتهای اکثریت حاسکسار سسا شد. بروا صیح است که افشای شی با بیگسرا حنا هدین خلق نیز در حدت ارتف و دمکراسیم انقلابی در سطح حاسنا سنا شد، سگوشما سنا نرا ردا دن ساسمان انقلابی خود در جهت سبروری انقلاب و سرفراری سوسا سسیم، سسش انقلابی کنیسی را نسعی سحتمیم.

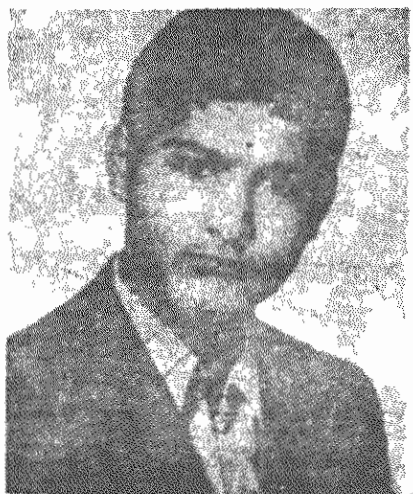
رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



سابقه از صفحه ۲۹ هفتاد و سه
او جگری جنش زوده ها و اسکاس آن در بلا و تشدیدتکامهای درون هیئت خاکمه که کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید قرار داده، صحت ارتح آزاد سس گروها و رواج این سده سه "سیکو" را بسفع "حاسه" سنا دند. اکمون که حسی سبب سگوب عربان را به سرور رژیم دنده و مسببند که زوده ها با مقاومت و سار زره خود حباب کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید انقلابی قرار داده است، او هم طرفدار "سحت آزاد" و با سقول معروف روش "سان و سیرسی" در سکت و اعمال سرکوب در دست دیگر زوده است. اما اس سس سنا کتیک حسی سسر رژیم جمهوری اسلامی

گواهی یاد یاد کمونیست پیکار کو شهید رفیق غلامرضا صداقت پناه

را با شور و پشنگا ریشتری آغا زمبشود
 درود سرا و درود بر تمامی شهدای قهرمان که در
 راه آزادی کارگران و زحمتکشان و توده های
 خلق از فساد مبریا لیس و ارتجاع و از بسند
 استعمار مبارزه میکنند. درود بر ما در آن زحمتکشان
 که همچون غلامرضا را بر دامن خود تربیت کرده اند و
 به آنها اولین رسته های دوست داشتنی انسانها
 را می آموزد، انسانهای شرافتمندی که زندگی -
 شان به دست سرما به داران خون آشام و دولتی
 آنها نثار میگردد، و به امید روزی که در پی نبودن
 راه سرخ رهایی غلامرضا ها به جمهوری دمکراتیک
 خلق، جمهوری سوادری و برابری تمامی کارگران
 و دهقانان و دیگر توده های خلق، و جمهوری
 عری سرما به داران و دشمنان خلق سرسبز!



در پایان لازم به تذکر می آید که به اطلاع
 کلیه هموطنان مبارزه و آگاهان سرما سیم که شهادت
 رفیق کذا هر ادر شرف و افتخار و در روز ۴ اسفند
 ماه گذشته فوت و سرور بوده و مقداری نیز اعلامیه
 سازمان را به همراه داشته، همچنانکه در آغاز
 گفتیم سارمشکوک نظر میرسد، اولا ما
 خانواده رفیق حدود ۴ روز بعد نتوانستیم اسم از
 سرشوت رفیق گمشده خود اطلاع پیدا کنیم، چرا
 که برخی قانونی بدون اعلام آگهی در روزنامه
 - ها جدا و رایسوان سا شانش و نشانی چند روز
 بعد حاکم سبزه است در حالیکه اسکا ر مضمول
 نسبت و برخی قانونی قبل از دهن حدیثیک
 سا شانش عکس حد و توضیحات لازم را در روزنامه
 اکتفا میدهند تا خانواده اش مطلع و به پزنتگی
 قانونی برای شناسایی حد مراجعت کنند .
ثابا مسئولین بیمارستانهای میمنت، امام
 خمینی، شماره ۴ که رفیق را اصل از شهادت
 به آنها سرده اند، هیچکدام نسبت به حفظ جان
 رفیق تلاش نکرده اند

ما پس از آنجا متحقیقات لازمه نسجه و قضاوت
 نشانی خود را اعلام خواهیم کرد .
 گرامی بادا همه شهیدان راه رهایی خلق!
 مرگ سار مبریا لیس و ارتجاع داخلی!
 سرور را به جمهوری دمکراتیک خلق!
 سازمان پیکار در راه آزادی طفند کارگر
 (تشکلات سهران) ۱۳۶۰/۱/۸
 الف - ش ۲۰۰

بقیه از صفحه ۴۰ همدانی . .
 رانجا با خواهد داد، توده ها با تعمیق شناخت
 خود از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و در اثر
 تما لست آگاهانه نیروهای کمونیست سبش از
 بیش در خوا همدانی است که مسبب اصلی تسمام
 حنا ست ها و مجامع رایج در حاکمیتها بین با آن
 حنا رژیم بلکه در رژیم سرمایه داری و استه و کل رژیم
 است که آنرا حفظ و تکمیل میبخشد و در نتیجه باید سمت
 حله انقلابی خود را متوجه کل سیستم حاکم و تمام جناح -
 های حاکمیت شناسد و تعقیق چنین هدفی زیاد هم دور نیست

چشم هدف سرزگی ساروره میگردد، او خوب می -
 داند که هر اعلامیه ما به حرمه ای است که امروز
 سر حرمی سرما به داری می آید و هر دایره آراسه
 آنرا کشیده و بنا بر حوا همد کرد، آراسی و وحشی
 یک لحظه هم در راه آگاه کردن توده ها آراسه
 برای اوصیح و روز و وقت فرعی نمیکرد، چه ار
 طریق سخن اعلامیه، چه راه شمار سوسی و
 شلیخ و . . . در راه هدف سرزگی که حافظ سر آن
 پیکار میکرد در تلاش بود، حتما بسیاری از رفقای
 کارگر کارها به های حصرال مؤنوز، اسران -
 با سوبال، مسو و فرقه رسا، اسار لانس،
 سا ببا و . . . با دیدن عکس رفیق غلامرضا او را
 ساطر می آورد، آنها حتما چهره صمیمی او را
 حدیثی سار در جلوه کارها به شان دیده اند که
 چگونه ما همراهی دیگر رفیقان، ساجارت تمام
 اعلامیه را در جلوه کارها به بحث میگردد، و بدین -
 شرسب کارگران مبارز و نشانی آگاهی را خوشحال
 و مزدوران سرما به داران و مالانها را دم و -
 عصبانی ساجا میگذاشت و میرفت!

رفیق غلامرضا هنگام بحث اعلامیه چندین -
 سار توسط مزدوران ارتجاع که چون شب پره
 ارسور آگاهی در هر اسد سنگر شده، اما نه کتک -
 های کمیته جی های سیاه دل، و به اهانته های
 سبشرا نه آنها سبشوا است او را از عشق و علاقه -
 ای که به زحمتکشان داشت برگرداند، هر سار
 که دستگیر می شد سینه ما لامل از عشق او بسه
 کارگران و زحمتکشان، و کینه اش به دشمنان
 توده ها بیشتر میفل میدید، و همچون فولاد هر -
 سار که به دست مزدوران ارتجاع اسیر میشد،
 آسیده سر میگشت، و هنگام آزادی میشد، کارش

سار دیگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
 کارگری ارا عمای (واسنه) صدیق خود را از
 دست داد، رفیق غلامرضا صداقت بنا به کدر سارمان
 با اسم مستعار رفیق سمر را مشهور بود، در جریان
 یک ماهه مشکوک شدت محروح و بس ارا سغال
 به چند سیمارستان در حالیکه صبح احساس
 مسئولیتی نسبت به حفظ جان رفیق مسوور
 نگرفته، به شهادت رسیده است، سادش همیشه
 گرامی باد!

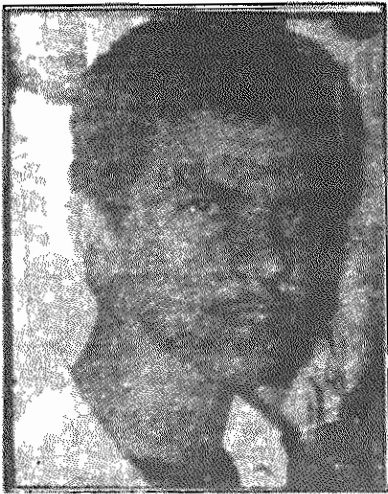
رفیق غلامرضا یکی از رفقای پر شور و فعال
 ما در یکی از گروه های بحث سهران بود که
 و طبعه بحث اعلامیه و سراجت در جلوه کارها به های
 حاد کرج و محلات زحمتکشان نشین را سر عیده دانست
 او همیشه صبح زود با سنان بر ارا اعلامیه به همراه
 دیگر رفقا به جلوه کارها به سرعت و با حساب
 تمام و در جلوه چشمان مزدوران سرما به داران و
 قانانها ش که سون امثال او شنیده، و رفته -
 های آگاهی سخن را بدست بسینه سبه کارگساران
 سراسه اند، و کمونیست حوان و آگاهی بود که می -
 دانست چه میکند، و مبارزه را از سال ۵۴ و از
 هگا سیکه سبشتر از ۱۲ سال سادست علیه رژیم
 سرما به داری شاه حلافتا ز کرد، او در طی همین
 سار رات خود سوبی در با عد که ما چه اندازه
 آگاهی سیاسی برای کارگران و زحمتکشان
 اهمیت دارد، همسین او که در کنار سلسوسیا
 کارگر زحمتکشان و توده های آگاه خلق در مبارزه
 پرشکوه علیه رژیم شاه معدوم شرکت داشت و در تمام
 بهمن ماه در حمله آفرینی توده هاش دانش، در بر سو
 آموزشهای ما رگسم - لیسیم سوبومی سرتوان
 و قدرت تاریخی طبقه کارگر آگاه بود، سبمسین
 لحاظ به پیروزی قطعی کارگران و زحمتکشان
 سربط سراسه به داری اسمان داشت، او خوب می -
 دانست اگر چه امثال سبشنی ها و رفیق ساسی ها و
 بارزگانها ساجاست کامل حتمی تلاش کردند،
 میا توده ها پیرو سبشود، اگر چه آنها تلاش کردند
 سار انقلاب میا رسد، اگر چه آنها تلاش کردند
 سار ش ما مبریا لیس سرما به داری اسران را
 سادندهد، اما چون کارگران و زحمتکشان با -
 بودی سرما به داری را میخواستند، چون سرتقاری
 حکومت واقعی کارگران و زحمتکشان را می -
 خوا همد چون سراسری را میخواستند سبسوری -
 ارا آن کارگران و زحمتکشان و شکست از آن سرمایه -
 داران و دولت کبوسی آنها رژیم جمهوری
 اسلامی است .
 آری رفیق غلامرضا در جسی راهی و ساطر

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

۱۲ فروردین ۵۸:
رسمیت یافتن ارگان
سازش با امپریالیسم

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

یادرفیق پیکارگر مالک عباسی



رفیق مالک عباسی، کارگر هوانا در زمان ما بود که در جریان جنگ ارتجاعی کسوفی، در اثر سرکش حصار رده رخصی شده و سینه‌ها در رسیدن رفیق مالک در میان رنجگان بزرگ تندو با طسیر آسها و در راه آزادی آنها زندگی و مبارزه کرد و در حالیکه کلسن سگبارا رجه عشق و محبت نسبت به طبعه کارگر بود فرمانی جنگ ارتجاعی میان رژیم‌های ایران و عراق شد، رفیق مالک برای احیای موطا بفت تشکیلی و اعنای ما هیبت و حنایات جنگ در تهر هوا رما بده بود در پادنا به رفیق (پیکار ۹۷) از کم شدن حذر رفیق محبت شده بود، اطلاعات ترسیده حاکی از آن است که حصد رفیق در گورستان اهورا رجا ک سپرده شده است و بدینوسیله خسرو حق صمن بورش، تصحیح میشود. یادرفیق شهید، مالک عباسی و مبارزات صحنگی تا بذرا و در دل رنجگان حورشان زنده خواهد ماند.

راه سرخس بیرو رسا د!

بورش سلحانه مزدوران زمینداران کدسا بنسبسی ارتش و ژاندارمری و سگمک حمرانط و حاسه‌ای ها صورت میگرفت و سرور شدند. نفیسی عنا بدشرون وسطائی از شروع شد و کارکنان مسرفی، انقلابی و کمونیست با حجامی بنسبام "نصفه" روبرو شدند. فعالیت سیاسی در مدارس "مموع" شد، دانشگاهها، اسسنگوهای آزادی و مقاومت موردنا حوسا را و ناان ارتجاع فرا رگرفتند. رسا سها بحد ارا انقلابیون دمکرات و کمونیست ها بریدند و

و این همه عملگر در رژیم جمهوری اسلامی نبود. ما زسازی سرمایه‌داری و اسسد سرعبار سرسر گرفته شد، سرطوق قول و قرار ی که ما زسوال - هوزرا آمریکا نی گذاشته شده بود، بروا سسط سغبه در صفحه ۳۰

- - روز ۱۰ فروردین ۵۸، میلیونها توده متوهم به صند و قهای رای شناخته و ها کمونیست جمهوری اسلامی را "رسمیت" بخشیدند
- - دو سال پس از اعلام "جمهوری اسلامی" توده های زحمتکش که تمام خواسته ها و انتظارات خود را نقش بر آب میبینند، مبارزهای گسترده با جمهوری اسلامی را به پیش میبرند .
- - دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی، با زسازی سرمایه داری وابسته و برقراری مجدد روابط غارتگرانه با امپریالیستها، سرکوب مداوم خلقهای تهرمان و نیروهای انقلابی و کمونیست و در مقابل، مبارزه او جگرکنده توده های زحمتکش را در برداشت .

رژیم جمهوری اسلامی، نیروهای کمونیست و انقلابی را که درستی سیاسی نگردمگراسی نوده ها بودند مورد سرکوب قرار دهند، انتخابات جمهوری اسلامی "با سرخس انقلابی بیرو رسا ز کمونیست و خلق تهرمان گرد و روبرو کنند. (السنه اولیت تا جبری اریسرا لهای خاش و با سدهای مریح و اسنه در رژیم سابق سرار سوئی ارتجاعی به مخالفت ما آن برجا سندن) ولی دلیل شرایط حاصو و ضعف بقو توده های با رما سها و گروههای انقلابی و کمونیست، اکثریت قابل توجهی از مردم به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. رما همدیس سزدر این انتخابات با نظر مواضق شرکت نمودند. اما برای سوده های زحمتکش رما ن رسادی لازم نبود که خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ساسند. توده های مبارز در مقابل حوا سنها یی که بخاطر آن رژیم شاه را در سرنگون ساختند سرمایه سرکوب و گلوله پاداران سرمایه مواحه شدند. گورستان سفاک و خون کشیده شد. سرکمن حصارا بورش و حنایات ارتش و پاداران روبرو شد. خلقی عرب جوزستان توسط زسوال مدنی مزور گشتارند. کارگران سیکار رجا ی کار با گلوله پادار روبرو شدند. کارگران زحمتکش که حواها ن دستمزده عقب افتاده جدا جدا ه و طردیدسرا ن و کار فرما بیان واسنه در رژیم سها سوده، با رگسار مسلسل و اخراج با سح داده شدند. سهای سا واگ" سا و ما " سگار حناد، اعتصاب و تحصن اطرفی "ولایت فقه" "تحریم" شد. آزادیهای دمکراتیک و سیاسی که در دستا وردهای مهم جنبش انقلابی توده ها و قبا سهمین سوده بیدا سه مخاطره افتادند و تحصنات نیروهای انقلابی و کمونیستی سها بورش چما قداران ارتجاع مواحه شدند. گنا بهای انقلابی و کمونیستی بیداش کشیده شدند و سدر نثریات انقلابی و کمونیستی "منوع" اعلام شد. روستا شیان مبارز که سها دره زمینهای ملاکین و زمینداران بزرگ پیدا خسته بودند، سها

در هفته ای که گذشت ارتجاع سوسن سالروز اسلام "رسمی" زمانداری منحوس را "جشن" گرفت .

روز ۱۲ فروردین ۵۸، سدنسال هرا سدروم سبر هیا هوشی که رژیم سها کرد، جمهوری اسلامی "رسا اعلام شد و ارگان سازش نا رهرسان حرده بورزوا و بورزوا با امپریالیستها که سده سال سنا م سبر شکوه خلقهای تهرمان ایران در سمن ۵۷، زندگی یافته بود، "رسمیت" پیدا کرد. سدهمداران رژیم جدید که نیک میدا نسنه توده های مبارز ی که برجا سندن و سلطنت منحوس پهلوی را با وجود ارتش تا بدندان مسلح و پشتمانی امپریالیسم سویره آمریکا سرنگون ساختند، سا آگاهی یافتن نسبت به ما هیبت رژیم چا نشین آن و در ا سسر سیاستهای خاشنا نه و ضد خلقی رژیم جدید همچنان به پیکار دلخواه انداد ما خواهد دادند. بهمین جهت رژیم جدید با سوا استفاده از توهم نوده ها نسبت به حاکمیت جدید و رهبری آن سرمایه اقدام سسر برگزاری انتخابات نمود. و با در دست داشتن تمام دستگا های تبلیغاتی و عوا مغرب سسی، توده ها را در مقابل سوال "سلطنت: آری یا نه" قرار داد. رژیم به برکت آنچه که سه همت بزرگ توده های ستمکش و در ا شرفشار انقلابی انسان صورت گرفته بود (نظیر در هم نکستن سا واگ، اعدام انقلابی نصیری، ربیعی، و دیگر رهبره های مزدور رژیم شاه، سرخی ممداره های انقلابی توده ها و) از توده های که سها رشنا ساشی شان از رژیم، نه ما هیبت حاکمیت جدید بلکه مبارزات سوننده خودشان بود و با سوجوشی از توهم آسان و اعتقادات مذهبی آنها، "رای اعتماد" گرفت. سدهمداران رژیم از جمله سازگان خاشن، سحمت - وزیر لیبیرال آن رای میلیونی توده های متوهم و نا آگاهی به ما هیبت رژیم را چما قتی کردند (معروف به رای ۹۸ دره!) تا سا آن سیاستهای خاشنا سه خود سبر نزدیک با امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها و . . . را بیونا سندن. و بسا استفاده از رای مردم به عنوان "سند حقا نیست"

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست